



مجموعه‌ای که پیش روی شما است تحلیل برخی رویدادهای مهم است که محورهای آن در نشست‌های هم‌اندیشی سیاسی با حضور نخبگان و صاحب‌نظران این عرصه تعیین و توسط کارشناسان مسائل روز تدوین و نگارش می‌گردد.

تلاش نویسندگان و تحلیل‌گران بر این است که مطالب ارائه شده نزدیک‌ترین تحلیل به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری مدظله العالی باشد و مورد توجه و استفاده سخنرانان برای طرح در مناظر قرار گیرد. خوشحال خواهیم شد نظرات و پیشنهادات اصلاحی را برای تکمیل این مجموعه ارسال نمائید.

معاونت فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام



هیأت رزمندگان اسلام

تلفن: ۸۸۹۶۰۴۳۰

نمابر: ۸۹۷۸۰۳۱۳

پست الکترونیک: info@eheyat.com

شماره پیامک: ۶۶۰۰۰۹۹۷۵۵



تکلیف و ادب

با آثار و مقالاتی از:

دکتر رسول سنائی راد

دکتر عباس حاجی نجاری

دکتر علیرضا معاف

دکتر مهدی سعیدی

دکتر مصطفی قربانی

دکتر رسول سنائی راد

۹ تا ۴

خطر دو قطبی های سیاسی کاذب برای انتخابات
پیش رو

عباس حاجی نجاری

۲۵ تا ۱۰

چالش های پیش رو در انتخابات ۱۴۰۲ و بایسته های
نیروهای انقلاب

دکتر علیرضا معاف

۶۱ تا ۲۶

ملاحظات بر تحقق راهبرد مشارکت حداکثری در
انتخابات ۱۴۰۲

دکتر مهدی سعیدی

۸۳ تا ۶۲

راهبرد مشارکت سیاسی در انتخابات

دکتر مصطفی قربانی

۹۵ تا ۸۴

اهمیت انتخابات در ایران



تکلیف و ادب



دکتر رسول سنائی راد

خطر دو قطبی‌های سیاسی کاذب برای انتخابات پیش رو

یکی از آفت‌های فضای رقابت‌های سیاسی - انتخاباتی، پدید آمدن بستر و زمینه قطب‌بندی سیاسی در جامعه است که هرچند برای برخی بازیگران سیاسی فرصت جلب آراء را با سهولت بیشتر فراهم می‌آورد، اما چنانچه با عقلانیت و هوشیاری همراه نباشد می‌تواند وحدت و انسجام ملی را مخدوش نماید. به موازات این و هم‌زمان، دشمنان و معاندان نظام هم در پی فرصت‌طلبی بوده و برای ضربه به وحدت ملی و ایجاد بی‌ثباتی سیاسی، هم در تولید دو قطبی‌ها و هم دامن زدن به آنها، ایفای نقش کرده و مشوق عناصر سطحی، غافل‌یابی‌پروای داخلی می‌شوند.

این آفت در انتخابات پیش‌رو که باید با ویژگی‌هایی چون مشارکت، رقابت، سلامت و امنیت برگزار شود از نگاه نافذ رهبر معظم انقلاب به دور نمانده و تاکنون چند بار مورد تذکر و یادآوری قرار گرفته و از این رولازم است به خوبی مورد فهم و تبیین قرار گیرد.

الف- دو قطبی‌های سیاسی چیست؟

دو قطبی سیاسی، نوعی تقسیم‌بندی جامعه به دو بخش متضاد، ناهم‌ساز و ناهمگون است که پذیرش یکی به معنای دفع و طرد دیگری است. در این تقسیم‌بندی قطب دیگر یا مقابل به کلی منفی و غیر قابل پذیرش تلقی شده و هرچه به آن منتسب شود، بدون نگاه به حقیقت و واقعیت مورد قبول و پذیرش نمی‌باشد. همین غیریت موجب جدایی، فاصله و حتی تخصص می‌شود. گرچه در مواردی قطب‌بندی سیاسی به صورت طبیعی و مبتنی بر تفاوت‌ها و شکاف‌های معرفتی، اعتقادی یا منفعتی وجود دارد مثل جهان استکبار و جهان استضعاف، انقلابی و ضد انقلابی، ولی در پاره‌ای موارد به شکل ساختگی و کاذب پدید می‌آید. در این صورت شکاف و اختلاف در جامعه هدف پدید آمده یا تشدید شده و صف‌بندی و غیریت‌سازی که باید با دشمنان داشته باشند در درون جامعه خودی پدید می‌آید و سبب تخریب و از هم گسیختگی در درون می‌شود.

به این دو قطبی‌ها، دو قطبی کاذب یا مخرب گفته می‌شود که توسط دشمن یا بازیگر فرصت‌طلب پدید می‌آید. رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی این نوع دو قطبی‌سازی را کار دشمن دانسته و اینگونه توضیح می‌دهند: «

یکی از مسائل، ایجاد اختلاف است، دو قطبی کردن مردم. ببینید اختلاف موجود است. یک فرد و نفر با هم اختلاف سلیقه دارند، در فلان مسئله سیاسی، در فلان حب و بغض، با همدیگر دوستند، رفیقند، با هم چای می‌خورند، با هم سر سفره می‌نشینند، اختلاف نظر هم دارند، یک وقت (هم) هست اختلاف نظر جویری است که هر چیزی از یک طرف صادر بشود - هر چه می‌خواهد باشد، فکر، عمل خوب، بد - از سوی این طرف محکوم است. از این هم هر چه صادر می‌شود از طرف او محکوم است. اسم این دو قطبی است. دو قطبی در جامعه ایجاد می‌کنند. هر کاری طرف مقابل بکند، این طرف او را محکوم می‌کند و لو خوب باشد. این‌ها از کارهایی است که امروز مخالفین ملت ایران و دشمنان ملت ایران مشغولند.»

(۱۴۰۲/۱۰/۱۹ در دیدار با مردم قم)

ب- هدف دشمن از دو قطبی‌های کاذب یا مخرب

واقعیت این است که تمامی نیروهای سیاسی از هر طیف و سلیقه باید در مقابل دشمن بیرونی واحد بوده و در کنار یکدیگر صف مستحکم جبهه داخلی یا خودی را شکل دهند و در مقابل او قدرتمندانه بایستند. اما، دشمن همین وحدت و انسجام داخلی را هدف گذاری می‌کند و با دو قطبی‌های کاذب مثل امنیت - معیشت، عقلانیت - انقلابی‌گری، امنیت - رفاه و...، وحدت درونی را هدف قرار داده و سبب از هم گسیختگی جامعه می‌شود.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی می‌فرماید: «این دوگانه‌هایی که سوغات بیگانه‌ها و حرف دشمنان ایران است، نباید در ایران و فرهنگ سیاسی ما جا باز کند. آنها تقسیم می‌کنند مردم را به تند رو و میانه رو. بحث تند رو و کند رو نداریم. انقلابی را می‌گویند تند رو، غیر انقلابی را می‌گویند میانه رو. این دو نگاه بیگانه است. آنها اینها را در رادیوهایشان، در تبلیغاتشان در اظهاراتشان تکرار می‌کنند، ما این را نباید تکرار بکنیم. انقلابی انقلابی است.» (۱۳۹۵/۳/۱۴ مراسم سالگرد رحلت امام خمینی «ره»)

در فضای دو قطبی، معمولاً تحلیل‌ها، هیجانی است و تفکر و تصمیم بر اساس واقعیت و واقعیت‌سنجی نبوده و فضا برای تهمت و تخریب فراهم می‌شود. در این فضا نه تنها عقلانیت و سنجش کمرنگ می‌شود بلکه بایسته‌های اختلافی و اعتقاد هم رنگ می‌بازد و منافع ملی و مصالح نظام در سایه منافع گروهی و جریان‌ی قرار گرفته و آینده کشور و نظام فراموش می‌شود.

ج- توصیه چند باره به پرهیز از دو قطبی های کاذب

مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان فرمودند: «از دو قطبی های کاذب بپرهیزید، در کشور مدام دو قطبی درست می کنند، طرفدار زید، طرفدار عمر، طرفدار فلان فکر، طرفدار {فلان}، این حرف ها چیست؟ آن کسانی که مبانی شما را، اصول شما را، دین شما را، انقلاب شما را، ولایت فقیه را، این چیزها را قبول دارند، برادر شما هستند، حالا گیرم یک اختلاف سلیقه هایی هم با شما داشته باشند. یکی از چیزهایی که انسان واقعاً باید از آن شکوه کند و گله کند، بعضی اظهارات در این فضای مجازی است، سر یک چیز بیخود، این به آن می پرد، آن به این می پرد. پرهیز کنید، شما که بسیجی هستید، این کار را نکنید.» (۱۴۰۲/۹/۸ در جمع بسیجیان)

پیش از این هم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری معظم له همین موضوع را به صورت عمومی تر مورد توجه قرار داده و فرمودند: «ملت عزیزمان انتخابات را نماد وحدت ملی قرار بدهند، نماد دودستگی و نماد تفرقه قرار ندهند، نماد دو قطبی گری قرار ندهند، این تقسیم بندی های غلط «چپ» و «راست» و امثال این ها را کنار بگذارند. آنچه مهم است آینده کشور است، آنچه مهم است آینده نسل ما است. آنچه مهم است نظام با عزت اسلامی در کشور است، این ها مهم است، این ها را بایستی در نظر بگیرند و به معنای واقعی کلمه در کنار هم باشند. البته سلیقه ها مختلف است، اختلاف سلیقه هست، اختلاف بینش سیاسی هست، اختلاف قومیت ها هست، اختلاف مذاهب هست، اینها هیچ اشکالی ندارد، هم قبلاً بوده، هم حالا هست، هم بعدها خواهد بود. اینها اشکالی ندارد. {لکن} اینها باید وحدت ملی را هم به هم نزنند، یعنی آحاد ملت را در مقابل هم قرار ندهد، کشور را دو قطبی نکند.» (۱۴۰۰/۱/۱ سخنرانی نوروزی)

د- پیامدهای خطرناک و مخرب دو قطبی سیاسی کاذب

از آنجا که در دو قطبی های سیاسی کاذب، مرزبندی های اصیل و مبتنی بر ملاک های عقلانی و دینی جای خود را به شکاف ها تنش ها و منازعات معطوف به حذف یکدیگر در درون جامعه خودی می دهد که فراتر از سلیقه های سیاسی است، در شرایط رقابت های سیاسی - انتخاباتی در

پیوند با تلاش برای کسب قدرت، ضریب خطر بالاتری به خود می‌گیرد و ابعاد و پیامدهای خطرناک‌تر و مخرب‌تری پیدا می‌کند. پیامدهایی چون؛

۱- شکل‌گیری تقابل، رویارویی و حتی تخاصم و تبدیل تفاوت و اختلاف سلیقه معمولی به دشمنی

۲- پیدایش انگاره حق‌انگاری خود و نادیده گرفتن اشتراکات اعتقادی، ملی و اجتماعی

۳- حاکم شدن فضای هیجانی و احساسی در بین گروه‌های رقیب و تحریک پذیر از القاءات دشمنان مشترک و عناصر نفوذی

۴- به سایه افتادن مصالح و منافع کشور و نظام و اصالت یافتن اهداف و منافع جناحی و حزبی

۵- به حاشیه رفتن محاسبات عقلانی و ملاحظات اخلاقی و میدان یافتن عناصر افراطی

۶- غفلت از اهداف اصلی و گرفتار شدن به اهداف فرعی و یا جایجا گرفتن آن‌ها.

در فضای دوقطبی‌های سیاسی کاذب در شرایط رقابت انتخاباتی، اگر آفت قدرت‌طلبی و خودشیفتگی هم میدان پیدا کند، عبور از قانون مجاز شده و قواعد مردم سالارانه در انتخابات که آن را شیوه‌ای برای چرخش مسالمت‌آمیز قدرت قرار داده، نادیده گرفته شده و می‌تواند به فتنه‌ای مثل سال ۸۸ منتهی گردد.

در این صورت زمینه شکل‌گیری التهاب، تنش و خشونت به‌گونه‌ای است که پای دشمنان و معاندان را نیز باز کرده است و رقابت سالم جای خود را به جنگ داخلی و برادرکشی می‌دهد و امنیت و ثبات کشور، بازپچه دعوای سیاسی قرار گرفته و منافع ملی همیزم آتش افروزی و قدرت‌طلبی می‌شود. بنابراین شاید از نگاه برخی بازیگران سیاسی، دوقطبی‌ها موجب نوعی شور و سهولت کسب رأی شوند، اما مرزبندهای را نیز جابجا کرده و شکاف‌ها و تعارضاتی را پدید می‌آورد که ترمیم آن بسیار سخت و حتی ناممکن می‌شود. حال آنکه با عبور کشور از فضای رقابت و پایان انتخابات باید وحدت، برادری و همکاری برای پیشرفت کشور حتی بین جناح‌های مختلف و رقیب میسر و ممکن بوده و حل مشکلات کلان با کمک یکدیگر دنبال شود.

با نگاه به واقعیت‌های فوق است که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، دلسوزترین و مخلص‌ترین قشر جامعه یعنی بسیجیان را به صراحت از ورود به دوقطبی‌های کاذب سیاسی منع فرموده‌اند و این منع، شامل تمامی جامعه دلسوز و نگران آینده نظام و کشور نیز می‌شود.

۵- زمینه‌های احتمالی تشدید دو قطبی‌های سیاسی پیش رو

با توجه به سابقه برخی جریان‌ها و جناح‌های سیاسی و همچنین کارکرد دو قطبی‌های سیاسی کاذب برای سهولت بازیگری سیاسی با افکار و آراء توده‌های مردم در فضای رقابت‌های انتخاباتی می‌توان زمینه‌های قطب‌بندی‌های کاذب را در انتخابات پیش رو محتمل دانست که در موارد زیر قابل گمانه‌زنی هستند:

۱- ترجیح اهداف و منافع سیاسی شخصی، حزبی و جناحی بر اهداف و منافع ملی و مصالح نظام در بین برخی بازیگران سیاسی

۲- آلودگی به بی‌تقوایی سیاسی، بد اخلاقی و بی‌پروایی برای نیل به اهداف و منافع و راحتی خیال از هرگونه پرداخت هزینه و غیرممکن دیدن پیگرد و فرار از هرگونه پاسخگویی

۳- سوءاستفاده حرفه‌ای از ضعف فرهنگ و آگاهی سیاسی عمومی مردم و

همچنین تحریک‌پذیری و گرایش بر رفتار هیجانی از سوی برخی بازیگران سیاسی

۴- ضعف و شکنندگی برخی بازیگران سیاسی در عرصه رقابت سالم و مسابقه سخت انتخاباتی و استفاده از دو قطبی‌های کاذب به عنوان شیوه‌ای جبرانی

۵- حاکمیت فضای نارضایتی و بی‌اعتمادی در بخشی از جامعه و وجود بستر روانی استقبال از دو قطبی‌های سیاسی کاذب در بخش آسیب‌دیده جامعه امروز

۶- تغییر ذائقه رسانه‌ای بخشی از جامعه و دریافت اطلاعات و اخبار سیاسی از فضای مجازی و رسانه‌های معارض با نظام و در عین حال

ترویج‌دهنده دو قطبی‌های سیاسی کاذب

۷- همگام‌سازی و همراه‌سازی جامعه برای استقبال از دو قطبی‌های سیاسی کاذب با بهره‌گیری دشمنان و معاندان نظام از جنگ ترکیبی با

اثرگذاری بر شناخت، تفکر و کنش سیاسی جامعه.

بنابراین دغدغه رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی نسبت به پدیده دو قطبی‌های سیاسی کاذب در آستانه انتخابات پیش رو که در پیوند

با مشارکت و امنیت به عنوان مؤلفه‌های اساسی در سرنوشت انتخابات معنی‌دار است، برآمده از برآورد وضعیت دقیقی است که زمینه‌های

احتمالی شکل‌گیری و اثرگذاری این دو قطبی‌ها هم در آن لحاظ شده است.

تحلیل و ارزیابی



عباس حاجی نجاری

چالش‌های پیش‌رو در انتخابات ۱۴۰۲ و بایسته‌های نیروهای انقلاب

با توجه به اینکه میزان مشارکت مردم در دو سه انتخابات اخیر روند کاهشی داشته که می‌تواند ناشی از عوامل متعددی چون تأثیر جنگ روانی و شناختی دشمنان علیه مردم ایران، ضعف و ناکارآمدی برخی دستگاه‌های اجرایی و خدماتی، افزایش مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم، تحریم انتخابات توسط طیفی از فعالان سیاسی کشور و... باشد، در کنار تلاش دولتمردان برای رفع چالش‌ها و مهار تورم و نقدینگی و بهبود شرایط کسب و کار و دستاوردهای مهم کشور در عرصه تحولات منطقه‌ای و جهانی و...، ضرورت دارد تلاش ویژه‌ای از سوی صاحبان کلام و قلم برای دعوت آحاد مردم برای حضور در پای صندوق‌های رأی و برگزاری یک انتخابات سالم و با مشارکت پرشور صورت گیرد.

مبتنی بر این ضرورت، در مقاله زیر ضمن اشاره به پیشینه برگزاری انتخابات در نظام جمهوری اسلامی و نقش منحصر به فرد مردم در اداره نظام اسلامی، چالش‌های مؤثر در روند کاهش مشارکت مردم در چند انتخابات اخیر مورد بررسی قرار گرفته و راه‌های برون‌رفت از آن در حوزه اجرایی و تبیینی پیشنهاد شده است. امید است سخنرانان و روحانیون معظم با عمل به توصیه‌های حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به ویژه بیاناتشان در دیدار اخیر با ائمه جمعه در روز ۲۶ دی ماه، در عرصه تبیین به این مهم قیام کنند. معظم له در این دیدار با تأکید بر اینکه جهاد تبیین در تشویق مردم به حضور در صحنه مؤثر است، صرف دعوت زبانی را کافی ندانستند و افزودند: عمل، روی خوش، زبان پاسخگو و حضور در جمع‌های گوناگون مردم بخصوص جمع‌های جوانان ضروری است.

مقدمه

تحقق دورکن اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی جمهوریت و اسلامیت وابسته به حضور پرشور مردم در انتخابات است و مردم مبتنی بر آن می‌توانند مسیر حاکمیت ملی، مردسالاری و جمهوریت را تحقق بخشیده و با انتخاب ارکان نظام یعنی رهبری، ریاست جمهوری، مجلس

شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا، بستر را برای اداره کشور فراهم کنند. حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیاناتشان در دیدار با مردم کرمان و خوزستان در روز شنبه دوم دی‌ماه ۱۴۰۲ با تأکید مجدد بر ۴ راهبرد مهم مشارکت، امنیت، سلامت و رقابت در انتخابات با اشاره به اهمیت موضوع مشارکت یعنی حضور پرشور مردم در انتخابات، خاطر نشان کردند که «اگر حضور پرشور مردم در انتخابات باشد، این وحدت ملی را نشان می‌دهد، این انگیزه ملت ایران برای حضور در صحنه را نشان می‌دهد؛ انگیزه‌ی ملت ایران و وحدت ملی، قدرت ملی را به وجود می‌آورد، قدرت ملی موجب امنیت کشور می‌شود و وقتی کشور امنیت پیدا کرد آن وقت علم در آن کشور پیشرفت می‌کند، اقتصاد در آن کشور به شکوفایی می‌رسد و مشکلات گوناگون فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در کشور قابل حل می‌شود.»

میزان مشارکت مردم در انتخابات که متأسفانه در دو سه انتخابات اخیر روند کاهشی داشته، می‌تواند ناشی از عوامل متعددی چون تأثیر جنگ روانی و شناختی دشمنان علیه مردم ایران، ضعف و ناکارآمدی قوای نظام، افزایش مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم، تحریم انتخابات توسط طیفی از فعالان سیاسی کشور و... به رغم تلاش گسترده دولتمردان در دولت سیزدهم برای مهار تورم و نقدینگی و بهبود شرایط کسب و کار و دستاوردهای مهم کشور در عرصه تحولات منطقه‌ای و جهانی و... باشد و به همین دلیل تلاش برای رفع چالش‌های موجود در مسیر مشارکت مردم در انتخابات و برگزاری پرشورتر آن باید در دستور کار اصلی مسئولین و دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط قرار گیرد.

مقوم‌های مؤثر در حضور مردم در انتخابات

مشارکت مردم ایران در بیش از ۴۰ دوره انتخابات در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نصاب کم‌نظیری از مشارکت مردم در انتخابات را در جهان به ثبت رسانیده و اهتمام امامین انقلاب و تلاش دولت‌ها و حضور مردم سبب گردیده است که هیچ وقفه‌ای در برگزاری انتخابات در کشور حتی در دوران جنگ ایجاد نشود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی که بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ خطاب به مردم ایران منتشر نمودند، در پاسداشت حضور مردم در

انتخابات یادآور شدند که: ملت ایران مفتخر است که مسیر مردم سالاری اسلامی را در دوره های پی در پی با انگیزه و نشاط، پیموده و این درخت سرسبز و ثمربخش را در هر دوره، سرافرازتر و ریشه داتر کرده است. معظم له پیام وفاداری خدشه ناپذیر به انقلاب و پیام اعتماد و امید به نظام جمهوری اسلامی را دو پیام روشن این حضورها دانسته و خاطر نشان کردند که: «آنچه ملت ایران همواره و اکنون، از حضور انتخاباتی پرشور و بی تنش به دست آورده است، تنها نقش آفرینی در مدیریت کشور و برگزیدن و برکشیدن خدمتگزارانی تازه نفس برای دوره ای تازه نیست، بلکه فراتر از آن، نشان دادن پختگی و بلوغ سیاسی ای است که اقتدار ملی او را با حکمت و عقلانیت درمی آمیزد و او را در افکار عمومی جهان، در رتبه ی والایی از عزت و شکوه می نشاند. آنان که خواسته اند با وسوسه های خود، این دریا دلی ستایش برانگیز را بر آشوبند و مرجعیت صندوق های رأی و چرخه ی قانونی آن را نفی کنند، هر بار به گونه ای، با سنگر استوار عزم ملی روبه رو شده اند.»

اگرچه در بررسی روند حضور مردم در انتخابات حضور ۹۸ درصدی مردم در همه پرسه سال ۱۳۵۸ و همچنین مشارکت ۸۵ درصدی مردم در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ از جلوه های پرافتخار مردم در انتخابات در نظام جمهوری اسلامی است، اما در ادوار مختلف متناسب با شرایط سیاسی و اجتماعی کشور، تهدیدها و فشارهای بیگانگان و پیامدهای آن در داخل میزان حضور مردم در انتخابات از فراز و نشیب برخوردار بوده است.

مفوم های مؤثر در مشارکت مردم در انتخابات را به شرح زیر می توان

برشمرده

- ۱: انجام مسئولیت اجتماعی و تکلیف دینی والهی
- ۲: ایفای نقش در شکل گیری ارکان نظام اسلامی
- ۳: تأثیر حضور پرشور مردم در انتخابات در شکل گیری نهادهای قدرتمند برای حل مشکلات کشور
- ۴: تأثیر برگزاری یک انتخابات پرشور در تقویت امنیت و استحکام ساخت درونی نظام

۵: تأثیر برگزاری انتخابات پرشور در تقویت و تحکیم پایگاه مردمی نظام

۶: دستاوردهای کشورهای کشور در عرصه‌های دفاعی امنیتی و تقویت قدرت بازدارندگی در برابر تهدیدات دشمنان

۷: پیشرفت‌های صنعتی، علمی، هسته‌ای، پزشکی و... کشور با اتکا به توانمندی‌های داخلی به‌رغم تحریم‌ها و تهدیدها

۸: گسترش حوزه نفوذ انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جبهه مقاومت در کشورهای منطقه

۹: تقویت توان ملی در مقابله با جنگ روانی و شناختی دشمنان نظام اسلامی

۱۰: تقویت ساختارهای سیاسی و جریان‌های سیاسی کشور

عمل به تکالیف شرعی و مسئولیت‌های اجتماعی و استفاده از حق خود در اداره نظام سیاسی، سبب‌گردیده است که همواره میزان مشارکت مردم در انتخابات در مقایسه با دیگر نظام‌های سیاسی، از نصاب قابل قبولی برخوردار باشد، اما در سال‌های اخیر عواملی نظیر اثرپذیری افکار عمومی از جنگ روانی و شناختی دشمنان، تأثیر فتنه‌ها و اغتشاشات سال‌های اخیر، نحوه رقابت و حضور احزاب و جریان‌های سیاسی و فعالیت‌های تبلیغاتی نامزدها و همچنین نارضایتی از شرایط اقتصادی و معیشتی و... سبب شده است که مشارکت مردم در انتخابات روند کاهشی داشته باشد.

چالش‌های پیش‌رو

مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام با معظم له در ۱۵ فروردین ماه ۱۴۰۲، با اشاره به اهمیت انتخابات امسال که قرار است در اسفندماه برگزار شود، به ۴ مؤلفه مهم؛ مشارکت، رقابت، سلامت و امنیت در این انتخابات اشاره و خاطر نشان کردند: «این انتخابات خیلی مهم است. انتخابات می‌تواند مظهر قوت ملی باشد. اگر انتخابات درست برگزار نشود، ضعف کشور و ضعف ملت را نشان می‌دهد؛ ضعف دولت را، ضعف مسئولین را، ضعف آحاد مردم را و ضعف کشور را نشان می‌دهد. هر چه ما ضعیف بشویم، تهاجم و فشار دشمنان ما بیشتر خواهد شد. اگر می‌خواهید جلوی فشار دشمن گرفته بشود، باید قوی بشویم. یکی از ابزارهای مهم قوت کشور همین انتخابات است. مسئولانی که مرتبط هستند از همین حالا البته می‌دانم که دنبال کرده‌اند راهبرد مشارکت را، راهبرد امنیت انتخابات

را، راهبرد سلامت انتخابات را، راهبرد رقابت انتخابات را تشخص کنند؛ انتخابات خوبِ سالم با مشارکت بالایی ان شاء الله در آخر سال داشته باشیم»

تحقق راهبرد رهبری مستلزم شناخت چالش‌های پیش‌رو در تحقق یک مشارکت پرشور و رفع دلایل و زمینه‌های آن‌هاست. براین اساس چالش‌ها را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

الف- چالش فرسایش سرمایه اجتماعی نظام

۱: پس از فتنه بعد از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ که مهم‌ترین ضربه را به اعتماد مردم و سازوکار مردسالاری در نظام جمهوری اسلامی ایران وارد کرد، فتنه سال ۱۳۹۶ و فتنه بنزینی سال ۱۳۹۸ و بسترهای شکل‌گیری آنها هرکدام در کاهش سرمایه اجتماعی نظام نقش داشتند. کاهش میزان مشارکت در انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۸ و ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰ متأثر از این روند است.

اما خدشه به سرمایه اجتماعی نظام در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ به اوج خود رسید که با اهتمام و مدیریت مسئولان کشور آن اغتشاشات که دشمن در ورای آن به فروپاشی نظام اسلامی دل بسته بود، مهار شد، لذا نحوه و یا عدم حضور در انتخابات برای بخشی از جامعه به عنوان یک بستر مناسب و کم‌هزینه برای نشان دادن واکنش به سیاست‌های کشور تبدیل شده است.

ب: چالش‌های مشارکت

کاهش مشارکت می‌تواند ناشی از علل زیر باشد:

- ۱: ضعف شناخت و آگاهی نسبت به انتخابات و مکانیزم اداره کشور؛
- ۲: نارضایتی از وضع موجود و ناامیدی نسبت به اصلاح امور
- ۳: اعتماد ضعیف بخشی از مردم نسبت به کارآمدی مسئولین کشور
- ۴: تشدید جنگ روانی و شناختی دشمن در بستر رسانه‌ها و فضای مجازی
- ۵: ضعف عملکرد و یا کارشکنی طیف‌ها و جریان‌های سیاسی برای ارائه برنامه مدوّن و رونق فضای انتخابات
- ۶: شکاف بین انتظارات، خواسته‌ها و مطالبات با پاسخ داده شده از سوی حاکمیت

ج: چالش‌های رقابت

در حوزه رقابت، هدف نظام افزایش رقابت جوئی انتخابات و مهیا شدن امکان حضور طیف‌های مختلف سیاسی در چارچوب اصول انقلاب و نظام است. برخلاف انتخابات ریاست جمهوری که کاملاً ملی و سیاسی است و انتخابات شوراهای به جز چند کلان‌شهر کاملاً محلی است، رقابت در انتخابات مجلس ما از نوع ترکیبی است، یعنی بخشی از آن، ملی و بخشی محلی است. تصور ابتدایی و گاه ساده‌انگارانه این است که برای افزایش مشارکت در انتخابات مجلس باید صرفاً جریان‌های مختلف سیاسی و به‌ویژه اصلاح‌طلبان در آن حضور پیدا کنند که لزوماً این‌گونه نیست.

البته تنها در بخشی از کلان‌شهرها و حوزه‌های انتخابیه مشخصی چنین است. رقابت در ۱۷۰ کرسی مجلس (نیمی از جمعیت کشور) کاملاً محلی و قومی است و در حدود نیمی از حوزه‌های ۲ و ۳ نماینده (نیمی از ۲۶٪ جمعیت) غلبه رقابت‌ها با مسائل قومی و محلی است. بنابراین در صورت کنشگری متنفذان محلی و قومی می‌توان شاهد رقابت جوئی انتخابات در حوزه‌های انتخابیه‌ای با جمعیت بیش از ۶۰ درصد کل جمعیت کشور بود.

از سوی دیگر شکل‌گیری ناقص احزاب در کشور و خلاصه شدن فعالیت‌های آنها در روزهای انتخابات، سبب شده است که به‌رغم اهداف تشکیل گروه‌ها و احزاب سیاسی، متأسفانه از گذشته احزاب و گروه‌ها در ایران نه تنها نقش چندانی در روند ارتقاء مشارکت مردم در انتخابات نداشته و ندارند، بلکه خط تحریمی طیفی از آنها و یا رقابت نامناسب درون جریانی طیفی دیگر سبب دل‌سردی مردم از حضور در انتخابات شده و بر فضای سرد انتخابات می‌افزاید.

برخی از چالش‌های عرصه رقابت را به شرح زیر می‌توان برشمرد

۱: استفاده نابجای نامزدها و جریان‌های سیاسی از شکاف‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی (قومیت، جغرافیا و مذهب)

۲: دو قطبی سازی‌ها (بد حجاب و با حجاب - توده‌گری و روشنفکری - ارزشی و ضد ارزشی)

۳: هزینه‌کرد افراطی برخی از نامزدها و جریان‌های سیاسی

۴: بد اخلاقی‌های انتخاباتی بین نامزدها و ستاد انتخاباتی

- ۵: احساس نا کارآمدی در مردم نسبت به مجلس و نمایندگان
- ۶: خط تحریم انتخابات توسط طیفی از فعالان و گروه‌های سیاسی
- ۷: ایجاد هراس در مردم نسبت به روی کار آمدن مجلس انقلابی
- د: چالش سلامت

محور اصلی اقناع افکار عمومی برای مشارکت بیشتر اعتماد به سلامت انتخابات است. مشارکت در انتخابات در تولید قدرت ملی مؤثر است و تشکیک در سلامت انتخابات خود به خود میزان مشارکت را کاهش می‌دهد. پیامد عدم اقناع در مورد سلامت، در مرحله بعد از انتخابات هم تحریک مردم به اعتراض به نتیجه انتخابات است.

متأسفانه به مرور این امر به بخشی از فرهنگ سیاسی تبدیل شده و برخی که می‌خواهند رأی بیاورند از این تاکتیک استفاده می‌کند.

پیش‌بینی می‌شود در انتخابات پیش‌رو هم اگر بنا را بر این بگذارند که در انتخابات شرکت نکنند، همین مسئله تشکیک در سلامت را مطرح خواهند کرد و اگر هم شرکت کنند از ظرفیت این راهبرد برای رأی‌آوری بهره خواهند گرفت. دشمنان بیرونی نظام و گروهک‌های ضدانقلاب هم این راهبرد را در حوزه رسانه‌ای در پیش خواهند گرفت و در صدد چالش‌سازی برای مشارکت در انتخابات خواهند بود.

یکی از تدابیر لازم برای اقناع جامعه در سلامت انتخابات، پرهیز از هرگونه اقدامات شائبه برانگیز در مورد دخالت سیاسی و حمایت مصداقی نهادهای مختلف حاکمیتی در فرایندهای انتخاباتی است. ایجاد فرصت عادلانه برای سلاقی مختلف باید مدنظر قرار گیرد، اگر این فرصت‌ها برای همه ایجاد نشود آنگاه شبهه مهندسی انتخابات مطرح خواهد شد. همچنین تلاش برای ارتقاء اخلاق انتخاباتی و پرهیز از توهین و ناسزادر انتخابات باید ترویج و تبلیغ شود.

برخی از عوامل مؤثر بروز چالش در حوزه سلامت انتخابات را در ابعاد زیر می‌توان برشمرد

۱: ضعف قوانین و ثبت نام فله‌ای برخی افراد، باعث حجم بالای ثبت‌نام‌ها و نهایتاً عدم احراز صلاحیت بسیاری از آنها می‌شود

۲: نظارت هیئت‌های اجرایی و شورای نگهبان در بررسی صلاحیت نامزدها مبتنی بر مبانی قانونی و شرعی، زمینه جریان سازی برخی از فعالان و گروه‌های سیاسی علیه نظام انتخاباتی کشور در پوشش القای عدم آزادی انتخابات در کشور را فراهم کرده است. طرح موضوعاتی نظیر؛ عدم سلامت انتخابات در ایران در ادوار گذشته و ضرورت سلب اختیار شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات و واگذاری آن به نهادهای بین‌المللی و یا نهادهای به اصطلاح مردمی و... از پیامدهای آن است.

۳: القای مهندسی انتخابات و تکرار ادعای تقلب

۴: طرح موضوع تقلب در انتخابات

۵: چالش‌های امنیت

هدف نظام جمهوری اسلامی برگزاری انتخابات در امنیت کامل است. در مقابل، راهبرد دشمن و معاندان و گروهک‌های ضدانقلاب، تشدید عوامل بی‌ثبات ساز و عوامل ناامنی و اختلال در فرایند انتخابات است.

۱: تلاش ضدانقلاب و سرویس‌های اطلاعاتی برای ایجاد آشوب در کشور در آستانه انتخابات به بهانه‌های مختلف

۲: تلاش ضدانقلاب برای اختلال در فرایندهای انتخاباتی و ممانعت از حضور مردم در پای صندوق آرا به ویژه در شهرهای کردستان و سیستان و بلوچستان

۳: تحرکات جریان‌ات تروریستی برای ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در مناطق مرزی جنوب شرق و شمال غرب

۴: تلاش جریان‌ات و چهره‌های شکست خورده در انتخابات پس از اعلام نتایج برای ایجاد چالش‌های امنیتی به ویژه در مناطق قومیتی

در انتخابات ریاست جمهوری گذشته (۱۴۰۰) شاهد تجربه‌ای خاص در حوزه‌های اخذ رأی خارج از کشور بودیم که ضدانقلاب خارج نشین مانع از مشارکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات گردیدند. باید هوشیار بود که گروهک‌های ضدانقلاب نتوانند مشابه چنین طرحی را در انتخابات مجلس در داخل دنبال کنند. و اگر مشارکت پایین در انتخابات اتفاق بیفتد، دشمن و آشوب‌طلبان به ایجاد بی‌ثباتی در کشور امیدوار خواهند شد. در حوزه امنیت پیشگیری و مهار آشوب و مراقبت پس‌انتخاباتی ضروری است.

و: چالش نقش بیگانگان

با توجه به تأثیر برگزاری یک انتخابات پرشور و با نصاب مشارکت بالا در تقویت وحدت ملی و ارتقاء قدرت ملی کشور، همواره در طول تاریخ انقلاب، اهتمام دشمنان نظام اسلامی بر اخلاص در روند برگزاری انتخابات و یا کاهش مشارکت مردم در انتخابات بوده است. محورهای مهم عملیات روانی دشمن را در بستر شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی و حتی عرصه‌های دیپلماسی در عرصه‌های زیر می‌توان برشمرد:

۱: تلاش برای تحریم انتخابات با به راه انداختن کمپین‌های من رأی نمی‌دهم، و یا نه به نظام اسلامی

۲: سیاه‌نمایی و بزرگنمایی مشکلات کشور

۳: دلسرد کردن مردم و ناامید کردن مردم از شرکت در انتخابات

۴: هجمه به شورای نگهبان و ادعای مهندسی انتخابات و نتیجه آن با تکرار ادعای تقلب

۵: تداوم فشارها و تحریم‌ها برای جلوگیری از تقویت و تحکیم مبانی نظام

۷: تلاش برای کاهش تاب‌آوری اجتماعی با تداوم فشارها و تحریم‌ها

۸: بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ای و فضای مجازی برای دامن زدن به دو قطبی‌ها در فضای داخلی‌ها در آستانه انتخابات

۹: معطوف کردن مشکلات کشور به رهبری و سیاست‌های کلان نظام

۱۰: احیای جریان غرب‌گرا در ایران و تلاش برای حفظ حضور آنها در قدرت به عنوان ناجی ایران

۱۱: بن‌بست‌نمایی شرایط کشور و القاء وجود فساد سیستمی

۱۲: تخریب همه‌جانبه‌کاندیداهای منتسب به جریان انقلاب

تحلیل وضعیت

۱: اگرچه برخی از ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های داخلی در شکل‌گیری این فننه‌هایی تأثیر نبوده است، اما نقش بیگانگان و معاندان داخلی از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی را در تشدید تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و... به عنوان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری و تداوم اغتشاشات و اعتراضات می‌توان مؤثر دانست.

۲: در آستانه انتخابات ۱۴۰۲ نیز جنگ روانی و شناختی رسانه‌های وابسته به دشمن در القای ناکارآمدی نظام و ایجاد یأس در مردم و به‌ویژه جوانان نسبت به آینده از هم‌اکنون اوج گرفته و پیش‌بینی می‌شود، با طراحی و هدایت آنها تا آستانه انتخابات با وقوع برخی حوادث و تحولات براین بی‌اعتمادی دامن زده شود که حادثه امنیتی شهرستان راسک، اقدام تروریستی در سالگرد شهادت سردار سلیمانی و... می‌تواند نمونه‌ای از آن باشد.

۳: طرح موضوعات اختلافی توسط قوا علیه یکدیگر و کشانده شدن اختلافات به میان مردم در شرایطی که با هماهنگی ایجاد شده در میان قوا در سال‌های اخیر انتظار می‌رفت که این روند به حداقل برسد، می‌تواند ناشی از نقش عوامل نفوذی و یا قبیله‌گرایی برخی از مسئولان و فعالان سیاسی باشد که با موج سواری رسانه‌های وابسته به دشمن، آنها به موضوعات اصلی تبدیل و خدمات و تلاش‌های قوای مختلف برای حل مشکلات مردم تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

۴: با وجود دستاوردهای کشور در عرصه‌های دفاعی و اقتدار منطقه‌ای و تلاش‌های قوا و به‌ویژه قوه مجریه در حل مشکلات کشور در ایجاد ثبات اقتصادی، مهار تورم و نقدینگی، کاهش نرخ بیکاری، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش تولید ناخالص ملی و... مردم محصول این پیشرفت‌ها را در سبب زندگی خود نمی‌بینند. و متأسفانه به دلیل تداوم گرانی‌ها، روزبه‌روز سبب مصرفی آنها کوچک‌تر شده، میزان جوانانی که موفق به ازدواج نشده‌اند افزایش یافته است. تأثیر این روند را در کاهش سرمایه اجتماعی نظام می‌توان دید.

۵: مسئله امید به بهبود شرایط هم مهم است. هرگونه بهبود خواهی باید از صندوق رأی عبور کند و این امید را باید در جامعه ایجاد کرد. البته امیدآفرینی باید به‌گونه‌ای مطرح شود که امکان عملیاتی کردن وجود داشته باشد.

۶: آسیب‌دیدگی سرمایه اجتماعی نظام و چشم‌انداز مبهمی که فشارها و تحریم‌های دشمنان و نیز ناکارآمدی‌های داخلی ایجاد کرده در کنار تشدید جنگ شناختی دشمن، فضای ابهام‌آلود کنونی را به وجود آورده و در این میان شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی که مدیریت آن در دست بیگانگان است به آن دامن می‌زند. همچنین، اعتبار گروه‌های مرجع گذشته به شدت آسیب‌دیده و قدرت بسیج‌گری آنها کاهش یافته و مرجعیت جدیدی سر برآورده است.

۷: ایجاد رقابت سالم، توجه به مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، استفاده مناسب از تبلیغات، توجه به ویژگی‌های مناطق مرزی و محروم، ارائه توجیهات قانونی و مستند برای رد صلاحیت‌ها، مدیریت مناسب نحوه برخورد انتظامی با نارضایتی‌های احتمالی، جلب مشارکت نخبگان، تأکید بر گفتمان‌های جوان محور، اعمال کنترل‌های رسانه‌ای از جمله مواردی است که عمل به آنها سبب افزایش مشارکت مردم در انتخابات می‌شود.

بایسته‌های مسئولان و نیروهای انقلابی برای تحقق مشارکت پرشور

۱: روند کاهش مشارکت باید یک تهدید امنیت ملی قلمداد شده و قوای سه‌گانه و نهادها و به‌ویژه نهاد‌های نظامی و انتظامی هرکدام به سهم خود باید اهتمام اصلی را بر رفع دلایل و زمینه‌های آن قراردادند و بستر را برای برگزاری یک انتخابات پرشور فراهم کنند.

۲: تقویت انسجام و هماهنگی قوای کشور با تأکید بر تلاش برای رفع مشکلات با بهره‌گیری از منابع و ظرفیت‌های کشور نقشی اساسی در ارتقاء مشارکت در انتخابات را دارد. لذا ضرورت دارد از طرح موضوعات اختلافی از سوی سران قوا و دستگاه‌های مسئول و کشاندن آن به میان مردم به شدت پرهیز و از علنی‌سازی روندهای مناقشه برانگیز حتی المقدور تا برگزاری انتخابات پرهیز شود.

۳: مناسبت‌های ملی و مذهبی ماه‌های پیش رو فرصت مناسبی برای برگزاری جشن‌ها و تغییر فضای روحی جامعه است، برنامه‌ریزی مناسب متکی بر زمینه‌سازی برای ایفای مؤثرتر نقش مردم در این مناسبت‌ها در کنار کمک به تأمین نیازمندی‌های آن از سوی دستگاه‌های دولتی و نهادها می‌تواند به افزایش نشاط اجتماعی در جامعه بیفزاید.

۴: اقدامات ترمیمی و حمایتی دستگاه‌های دولتی در قالب جهاد تولید رضایتمندی از جمله اقدامات شگفتی‌ساز در حوزه معیشت و حل برخی مشکلات با تصویرسازی مطلوب از آینده

۵: تقویت مناسبات و تعاملات در حوزه خارجی و بهره‌مندی هوشمندانه از آن در انتخابات برای شکست راهبرد غرب در القای انزوای نظام و بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی و حل برخی از مشکلات معیشتی مردم

- ۶: اشراف و طرح‌ریزی در مقابل جنگ ترکیبی دشمن و طراحی و اجرای سناریوهای مختلفی برای مقابله با اقدامات دشمن
- ۷: با توجه به تمرکز اصلی دشمنان بیرونی و مخالفان داخلی بر ایجاد اختلال در روند برگزاری انتخابات و به‌ویژه کاهش مشارکت مردم در ماه‌های پیش‌رو، رصد و پایش شبهات مطرح‌شده، و پاسخگویی به آن شبهات در قالب جزوات و متون تحلیلی، گزارش‌های خبری، هشتک‌های فضای مجازی و پاسخگویی به موقع مسئولان و مدیران، در خنثی‌سازی جنگ روانی و شناختی دشمن تأثیری جدی دارد.
- ۸: با توجه به ضرباتی که دشمنان نظام از نیروهای مقاومت در ماه‌های اخیر متحمل شده و بارها اعلام کرده‌اند که نقطه‌کانونی این ضربات را ایران می‌دانند، احتمال وقوع هر حادثه‌ای اعم از اقدامات ضد امنیتی، حملات سایبری و ایجاد اختلال در نظام خدمت‌رسانی برای ناراضی‌سازی مردم نظیر هک مجدد سیستم سوخت‌رسانی کشور در روز ۲۷ آذرماه دور از انتظار نیست، در این عرصه دستگاه‌های پدافندی باید از هم‌اکنون آماده‌باش بوده و از هرگونه خللی در سیستم‌ها پیشگیری کنند.
- ۹: با توجه به فصل زمستان و افزایش برودت هوا، احتمال قطع‌گاز و یا برق به دلیل ناترازی‌های موجود قابل‌پیش‌بینی است، و ضرورت دارد از هم‌اکنون تمهیدات لازم برای آن اتخاذ شود.
- ۱۰: اهتمام دولت بر افزایش حقوق‌های شاغلین و بازنشسته‌ها در ماه‌های پیش‌رو در افزایش اعتماد به دولت مؤثر است. اگرچه این اقدام باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که شبهه اقدام انتخاباتی بودن آن القاء نشود.
- ۱۱: با توجه به برآورد افزایش قیمت کالاهای اساسی به‌ویژه گوشت و مرغ و دیگر مایحتاج مردم در ماه‌های آینده، برنامه‌ریزی دولت برای مقابله با آن، به‌رغم هزینه‌هایی که ممکن است بر آن مترتب باشد، ضرورتی انکارناپذیر است.
- ۱۲: به‌رغم تلاش‌های میدانی مسئولان و مدیران عالی‌نظام، جهاد تبیین و ضرورت ایجاد هوشیاری و آماده‌سازی افکار عمومی در آستانه انتخابات اهمیت بیشتری دارد، در این زمینه باید تمامی ظرفیت کشور از سوی دستگاه‌های اجرایی، نهادهای انقلابی به‌ویژه نیروهای مسلح برای آگاه‌سازی افکار عمومی نسبت به تأثیر مشارکت در انتخابات در افزایش قدرت ملی، تقویت امنیت کشور،

رشد و شکوفایی علمی و اقتصادی، شکل‌گیری یک مجلس توانمند و انقلابی و... بسیج شود. در این زمینه ضرورت دارد دستگاه‌های اجرایی و نهادهای انقلابی با الگوگیری از شبکه‌های میان‌سیاسی سپاه و بسیج، نخبگان و کارشناسان مؤمن و انقلابی را فراخوان و با برگزاری مراسم‌ها و جشن‌ها، کارکنان و خانواده‌های آنها را برای مشارکت در انتخابات تشویق و ترغیب کنند.

۱۳: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به عنوان اصلی‌ترین رسانه کشور می‌تواند در کنار اقدامات ایجابی قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح مهم‌ترین نقش را برای تقویت سرمایه اجتماعی و جلب مشارکت مردمی ایفا کند. صداوسیما با بر خط کردن رسانه‌های دیگر و به ویژه فضای مجازی در تغییر فضای عمومی و ایجاد نشاط اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری را ایفا کند.

۱۴: معرفی دستاوردها و اقدامات ایجابی و مثبت دولت برای رفع مشکلات در کنار تشریح دستاوردهای کشور در عرصه‌های مختلف صنعتی، دفاعی، علمی، پزشکی از طریق تهیه مستندهای تلویزیونی، سریال‌های هنری، اردوهای راهیان پیشرفت به ویژه برای نخبگان و... در زمینه سازی برای مشارکت نقش اساسی دارد.

۱۵: برگزاری نشست‌های توجیهی برای اساتید دانشگاه‌ها، مدیران مدارس و به ویژه مربیان تربیتی برای تبیین شرایط کشور و برنامه‌های آینده برای بهبود شرایط همراه با برنامه‌های تبیینی برای دانش‌آموزان در گفتمان سازی برای تحقق مشارکت یک ضرورت تلقی می‌گردد.

۱۶: با توجه به وجود زمینه‌های اجتماعی جهت دامن زدن به التهابات توسط دشمنان نظام، ضرورت دارد تدابیر مناسب جهت مدیریت کم‌هزینه آن در صورت وقوع پیش‌بینی و پیوست‌های اجرایی و عملیاتی روانی لازم با همکاری نهادهای ذی‌ربط آماده شود.

راهکارهای تبیینی برای خطبا و سخنرانان

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیاناتشان در دیدار اخیر با ائمه جمعه در روز ۲۶ دی ماه، با تأکید بر نقش جهاد تبیین در تشویق مردم به حضور

در عرصه انتخابات، صرف دعوت زبانی را کافی ندانستند و افزودند: عمل، روی خوش، زبان پاسخگو و حضور در جمع‌های گوناگون مردم بخصوص جمع‌های جوانان ضروری است. به دلیل اهمیت حضور پرشور مردم در انتخابات و نقشی که اقدامات تبیینی با بهره‌گیری از رسانه‌ها و فضای مجازی می‌تواند در تحقق مشارکت مردم؛ به‌رغم جنگ گسترده دشمنان نظام و معاندان برای کاهش و یا عدم مشارکت مردم داشته باشد، در کنار اقدامات اجرایی، اقدامات تبیینی مبتنی بر مؤلفه‌های زیر، نقش اساسی برای تحقق مشارکت دارد:

- ارائه تصویری باورپذیر از آینده و افق پیش‌روی کشور با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات موجود
- تبیین اقدامات و تلاش‌های دستگاه‌های اجرایی برای حل مشکلات مردم به‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریم‌های دشمنان
- بازخوانی و برجسته‌سازی دستاوردهای مقاومت مردم در برابر فشارها و تحریم‌های دشمنان
- برجسته‌سازی دستاوردهای دفاعی و امنیتی کشور در تأمین امنیت مردم مطلوب برای مردم ایران و رفع تهدیدات گسترده از سر مردم ایران
- ایجاد یک فضای کارشناسی منطقی و واقعی با حضور صاحب‌نظران و بررسی‌های کارشناسی برنامه‌های عملیاتی نامزدها فارغ از تحریکات هیجانی که می‌تواند زمینه‌ساز یک انتخابات هوشمندانه باشد
- آگاه‌سازی هر بیشتر جامعه نسبت به برنامه‌های دشمن با بهره‌گیری از سیاست‌های هوشمندانه رسانه‌ای و تبلیغی و جلوگیری از القای عدم مشارکت به مثابه ضدیت با نظام
- جهت‌دهی به مطالبات برای برقراری عدالت و رفع فقر و فساد و تبعیض به نفع مردم با تکیه بر ظرفیت‌های بی‌شمار داخلی با تمرکز بر دوگانه کارآمدی و ناکارآمدی
- باورپذیر ساختن این گزاره در مردم در رسانه‌ها که تنها راه مشکلات کشور، نقش‌آفرینی مردم در انتخابات و سپردن کار به دست افراد کارآمد است
- پاسخ به شبهات جوانان در زمینه مختلف و مانع شدن از انباشت سؤالات بی‌پاسخ آنها؛

- تأکید بر این که راهکارهای مشکلات کشور اعتماد به ظرفیت‌های داخلی و به‌کارگیری هوشمندان و دقیق از این ظرفیت‌ها است
- تبیین و برجسته‌سازی عملکرد قوه قضاییه در مقابله با مفسدان اقتصادی و فعال‌سازی کارخانه‌ها و صنایع تعطیل‌شده کشور که ناشی از ضعف مدیریت‌ها و نظارت‌های گذشته است
- تأکید بر این که علت مشکلات اقتصادی و وضع موجود به دلیل دل بستن به مذاکره و انتظارگشایش از سوی غربی‌ها بود که سبب لطمه به اقتصاد کشور شده است
- تأکید بر این که جمهوری اسلامی در طول ۴۰ سال اخیر به دنبال تعامل با دنیا بوده و هیچ‌گاه سیاست تقابل در دستور آن در دستور کار نبوده است. در قضیه مذاکره با آمریکا نیز به‌رغم عدم اعتماد به آمریکا همه راه‌ها برای رفع تحریم‌ها پیموده شد ولی میسر نگردید
- تأکید بر اصل مشارکت به عنوان اهمیت نظام به نقش مردم و جوانان و مهم‌ترین بستر را برای چرخش نخبگان و تغییر در کشور و تنها راه قانونی و مؤثر برای بهبود وضع موجود
- ایجاد درک صحیح از اصرار نظام به مشارکت پر شور مردم در انتخابات در میان نخبگان و گروه‌های مرجع و تشویق و میدان‌داری آن‌ها برای تحقق مشارکت پر شور
- تحول در رویکردها و روش‌های تبلیغات انتخابات و توجه به صحنه‌آرایی برای ایجاد هیجان مثبت و غیر مخرب در جامعه برای مشارکت بیشتر و بهره‌مندی از روش مستقیم چهره به چهره با تهیه یک دستورالعمل مناسب
- بهره‌گیری مناسب از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به دلیل نقش تعیین‌کننده و حتی تمام‌کننده‌ای که در انتخابات دارند. با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای این فضا و بهره‌برداری دشمنان از آن برای اثرگذاری بر روند انتخابات، اقدامات در این عرصه نیازمند تحولی جدی است.

تکلیف و اجابا



دکتر علیرضا معاف

ملاحظاتی بر تحقق راهبرد مشارکت حداکثری در انتخابات ۱۴۰۲

پنج راهبرد رهبر انقلاب برای انتخابات اسفند

«این انتخابات خیلی مهم است. انتخابات می تواند مظهر قوّت ملی باشد. اگر انتخابات درست برگزار نشود، ضعف کشور و ضعف ملت را نشان می دهد. ضعف دولت را، ضعف مسئولین را، ضعف آحاد مردم را و ضعف کشور را نشان می دهد. هر چه ما ضعیف بشویم، تهاجم و فشار دشمنان ما بیشتر خواهد شد. اگر می خواهید جلو فشار دشمن گرفته بشود، باید قوی بشویم. یکی از ابزارهای مهم قوّت کشور همین انتخابات است. مسئولانی که مرتبط هستند از همین حالا - البته می دانم که دنبال کرده اند - راهبرد مشارکت را، راهبرد امنیت انتخابات را، راهبرد سلامت انتخابات را، راهبرد رقابت انتخابات را مشخص کنند. انتخابات خوب سالم با مشارکت بالایی ان شاء الله در آخر سال داشته باشیم.»

(۱۴۰۲/۰۱/۱۵)

۱- اگر انتخابات نباشد یا دیکتاتوری است یا هرج و مرج

«جمهوری» یعنی مردم سالاری، یعنی حاکمیت کشور به دست مردم. خوب، مردم چه جوری در حاکمیت دخالت کنند؟ هیچ راهی به جز انتخابات وجود ندارد. بعضی ها در مورد لزوم انتخابات اشکال تراشی می کنند، [مردم را] دلسرد می کنند، توجه نمی کنند که اگر انتخابات در کشور نباشد، یا دیکتاتوری است یا هرج و مرج و ناامنی است. آن چیزی که جلو بروز دیکتاتوری را در کشور می گیرد انتخابات است. آن چیزی که جلو هرج و مرج و اغتشاش و ناامنی را می گیرد انتخابات است. انتخابات آن مسیر صحیحی است که مردم می توانند به وسیله آن و از آن مسیر، حاکمیت ملی را، مردم سالاری را، جمهوریت را در کشور تأمین کنند. این، مسئله جمهوریت. انتخابات می تواند ولی فقیه در کشور انتخاب بکند و به وجود بیاورد، یعنی اسلامیت را تأمین کند. انتخابات می تواند نمایندگانی را در مجلس شورای اسلامی مستقر کند که طبق مقررات اسلامی و معارف اسلامی، برای مدیریت کشور قوانین تدوین کنند. پس بنابراین، هم جمهوریت و هم اسلامیت، متکی به انتخابات است. بنابراین، در نظام جمهوری اسلامی، انتخابات ضروری است. (۱۴۰۲/۱۰/۰۲)

۲- ثمرات مشارکت

مشارکت یعنی حضور پُرشور مردم در انتخابات. اگر حضور پُرشور مردم در انتخابات باشد، این وحدت ملی را نشان می‌دهد، این انگیزه ملت ایران را برای حضور در صحنه نشان می‌دهد. انگیزه‌ی ملت ایران و وحدت ملی، قدرت ملی به وجود می‌آورد. قدرت ملی موجب امنیت کشور می‌شود. وقتی کشور امنیت پیدا کرد، آن وقت علم در آن کشور پیشرفت می‌کند، اقتصاد در آن کشور به شکوفایی میرسد، مشکلات گوناگون فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در کشور قابل حل می‌شود. مشارکت یک چنین معجزه‌ای می‌کند. (همان)

۳- انتخابات، مبدأ تحول

انتخابات در کشور تحول ایجاد می‌کند. بعضی‌ها اسم تحول را می‌آورند، اظهار طرف‌داری از تحول می‌کنند، اما عملاً آن چیزی که مقدمه حتمی تحول است، مورد بی‌اعتنایی‌شان قرار می‌گیرد. یعنی انتخابات. با انتخابات می‌شود در کشور تحول ایجاد کرد. صاحبان دیدگاه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌خواهند تحول ایجاد کنند به نفع دیدگاه سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی خودشان. خیلی خوب، راهش چیست؟ راهش این است که با انتخابات حالا چه انتخابات مجلس، چه انتخابات مجلس خبرگان، چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات شوراها کسانی را که با آن فکر سیاسی آن‌ها و جهت‌گیری سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی آن‌ها همراهند، سرکار بیاورند. این می‌شود تحول. بنابراین، پایه تحول انتخابات است. (همان)

۴- همه منادی انتخابات باشند

همه کسانی که مخاطبانی دارند، وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. علمای اعلام، اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، صداوسیما، مطبوعاتی‌ها، جوان‌ها، افراد در داخل خانواده، این‌ها همه می‌توانند منادی انتخابات باشند و مخاطبان خودشان را به انتخابات دعوت کنند. آن وقت انتخابات، انتخابات پُرشوری خواهد شد. اگر مشارکت ضعیف باشد، مجلس ضعیف خواهد شد و مجلس ضعیف توانایی کامل برای رفع مشکلات نخواهد داشت. اگر می‌خواهیم مشکلات برطرف بشود، باید مشارکت را بالا ببریم. این وظیفه همه است. هر که می‌خواهد مشکلات کشور برطرف بشود، راهش این است. (همان)

۵- رقابت یعنی میدان باز مسابقه برای همه نگاهها و نظرات سیاسی

رقابت یعنی جناح‌های سیاسی برای شرکت در انتخابات با هم مسابقه بگذارند. گرایش‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی، در انتخابات با هم مسابقه بگذارند. میدان باز باشد برای مسابقه جناح‌های سیاسی و نگاه‌های سیاسی و نظرات سیاسی، همچنین اقتصادی، همچنین فرهنگی. این معنای رقابت است. رقابت یعنی جوان‌هایی که می‌خواهند وارد میدان انتخابات بشوند، با افراد سابقه‌دار و باتجربه مسابقه بگذارند؛ این‌ها تلاش کنند، آن‌ها هم تلاش کنند و یک مجلس خوب و قوی آن مجلسی است که هم از این جوان‌ها داخلش باشند، هم از آن مجرب‌ها و با سابقه‌ها داخلش باشند. رقابت یعنی این. یکی از مهم‌ترین مسائل در باب انتخابات، این مسابقه گذاشتن است. رقابت یعنی همه بتوانند تبلیغات کنند، منتها تبلیغات درست. (همان)

چرا انتخابات مهم است؟

با توجه به دیدگاه‌ها و مواضع رهبر انقلاب - که برخی از آن‌ها در ابتدا گفته شد -، نکات زیر در خصوص اهمیت انتخابات قابل ذکر است:

۱- برگزاری پرشور انتخابات و حضور همگانی مردم در پای صندوق‌های رأی، تضمین‌کننده امنیت کشور خواهد بود، زیرا دشمنان از پشتوانه مردمی نظام بیش از امکانات تسلیحاتی آن هراس دارند.

۲- در کشور مشکلات و گرفتاری‌هایی وجود دارد که برخی ناشی از تحریم‌ها و بعضی دیگر به دلیل کم‌کاری‌ها است، اما با وجود این مشکلات، مردم به دلیل آنکه در انتخابات موضوع آبروی نظام و امنیت کشور در میان است به میدان خواهند آمد.

۳- در قضاوت ناظران بین‌المللی در خصوص هر کشور، مسائلی نظیر میزان حضور مردم در انتخابات و چگونگی روی کار آمدن مسئولان و نهاد‌هایی نظیر مجلس تأثیرگذار است. بنابراین شرکت انبوه مردم در انتخابات از این زاویه نیز کاملاً ضروری است.

۴- انتخابات فرصتی برای ورود افکار جدید و راه‌های نو در چرخه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور است به‌ویژه هنگامی که مردم افراد شایسته را برگزینند راه‌های تازه و چاره‌اندیشی‌های جدید در روند حل مشکلات کشور و ملت پدیدار می‌شود.

۵- اقتصاد، فرهنگ، پیشرفت علمی و مسائلی از این قبیل بسیار مهم است اما اساس همه این مسائل انتخابات است زیرا اگر انتخاب عمومی قوی و درست انجام شود، همه مشکلات به تدریج حل خواهد شد.

۶- نباید به حاشیه‌سازی سخنان گوناگون و دلسردکننده توجه کرد و به کارهای اصلی و رفع مشکلات مردم پرداخت.

۷- وقتی برخی رسانه‌های خائن خارجی جمعیت عظیم میلیونی ملت را چند هزار نفره می‌خوانند، اما تحرک چند صد نفر در خیابان‌ها را به اسم ملت ایران جا می‌زنند طبعاً مردم اعتماد نمی‌کنند البته به شرطی که از داخل به این رسانه‌ها بال و پر سوء داده نشود.

۸- گویندگانی که تریبون دارند یا به واسطه جایگاه خود می‌توانند در رسانه‌ها و فضای مجازی حرف بزنند، نباید به‌گونه‌ای اظهار نظر کنند که دشمن با بزرگ‌نمایی حرف آن‌ها برای دلسرد کردن مردم خوراک تهیه نماید.

۹- انتخابات در ایران جزء سالم‌ترین انتخابات در جهان است، وقتی شما به دروغ می‌گویید این انتخابات مهندسی شده و یا اینکه انتخابات نیست و انتصابات است، مردم دلسرد می‌شوند.

۱۰- چگونه است که انتخابات وقتی به نفع شما باشد صحیح و متقن است، اما وقتی به نفع شما نیست انتخابات خراب است!؟

۱۱- در برخی از انتخابات بارها بعضی افراد نامه دادند که تقلب شده یا اشکال دارد. بنده نیز هیئت‌هایی تعیین کردم که با دقت رسیدگی کردند و بعد معلوم شد این گزارش‌ها و نامه‌ها درست نبوده است.

۱۲- از دشمن نمی‌شود گلیه کرد، اما فلان نویسنده، مرتب‌ترین با فضای مجازی، نماینده مجلس و فلان مسئول مهم دولتی باید مراقب باشند و این جور نشود که بگوییم مردم شرکت کنید، اما در عین حال به غلط، جوری حرف بزنیم که مردم از حضور در انتخابات دلسرد شوند.

۱۳- حمله به شورای نگهبان از غلط‌ترین کارهاست. شورای نگهبان مرکب از

شش فقیه عادل و شش حقوقدان برجسته منتخب مجلس است که در قانون اساسی شأنی دارد و مجموعه‌ای قابل اعتماد است. چگونه انسان می‌تواند به راحتی این مجموعه را به غرض ورزی دربارهٔ برخی افراد متهم کند؟

۱۴- ممکن است کسی از بنده خوشش نیاید اما اگر ایران را دوست دارد، باید به پای صندوق رأی بیاید، بنابراین هرکس به ایران علاقه مند است و امنیت کشور، حل شدن مشکلات و گردش صحیح نخبگانی را دوست دارد، در انتخابات شرکت کند.

۱۵- افراد مؤمن و انقلابی با انگیزهٔ قوی در انتخابات شرکت خواهند کرد اما اگر کسی انگیزهٔ دینی و انقلابی ندارد اما میهن عزیز را دوست دارد لازم است به پای صندوق‌های رأی بیاید.

۱۶- باید افرادی را انتخاب کرد که بتوانند پرچم عدالت اعم از عدالت اقتصادی، حقوقی و سیاسی را در کشور برافراشته نگه دارند.

۱۷- مردم باید افرادی با چنین ویژگی‌هایی را بشناسند و به آن‌ها رأی دهند، اما اگر خودشان نمی‌توانند به شناخت برسند از راهنمایی و مشورت افراد نصیر و مورد اعتماد استفاده کنند بنابراین هیچ‌کسی نباید بگوید چون افراد را نمی‌شناسم رأی نمی‌دهم بلکه همه باید با اتکا به خداوند وارد میدان شوند و رأی دهند.

• عدم آگاهی و نبود اشراف به اهمیت اصل و نتایج انتخابات:

اولین مانع ناآگاهی است که موجب می‌شود فرد بابتی حوصلگی و تنبلی از حضور در پای صندوق رأی طفره رود. متأسفانه بخشی از افراد جامعه آن قدر از جایگاه اجتماعی خود بی‌اطلاعند که نمی‌دانند تأمین بخش زیادی از حقوقشان با مشارکت در امور سیاسی از جمله انتخابات حاصل می‌شود.

گاه فرد اطلاعاتی نیز از این جایگاه دارد، ولی آگاهی‌اش تا بدان حد نیست که او را به اقدام وادار نماید. این افراد نیازمند تبیین، آگاهی بخشی و آموزش‌اند.

• راهکار و راه حل:

راهکار حضور چنین افرادی در پای صندوق رأی «آگاه‌سازی و آگاهی بخشی» است. بخشی از این آگاه‌سازی‌ها شامل این موارد است:

- تبیین اهمیت جایگاه مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و بخش‌های مختلف آن در نظام تصمیم‌گیری کشور؛
- تبیین دستاوردهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی دولت و مجلس کنونی؛
- تبیین دستاوردها، پیشرفت‌ها و کارآمدی نظام مردم‌سالاری دینی در مقابل سایر دموکراسی‌های دنیا و در مقابل نظام سلطنتی قبل از انقلاب؛
- شرح اهمیت حضور و مشارکت حداکثری در پای صندوق‌های رأی؛
- تبیین میزان تأثیرگذاری رأی تک‌تک افراد در انتخابات و اینکه گاه یک رأی می‌تواند سرنوشت انتخاباتی را دگرگون کند؛
- تبیین ابعاد شرعی ضرورت حضور در انتخابات؛
- تبیین وضعیت تهدیدات کشور در مواجهه با استکبار جهانی در آستانه انتخابات و نقشی که مشارکت حداکثری می‌تواند در مقابله با تهدیدات دشمن داشته باشد؛
- تبیین نقش مشارکت حداکثری در افزایش مشروعیت و اقتدار جمهوری اسلامی و موارد دیگر.

وظیفه اصلی این آگاه‌سازی و روشن‌گری هم بر عهده صاحبان تربیون و منبر، چهره‌های دارای مرجعیت سیاسی و فکری عیان مردم و اصحاب رسانه است.

• عدم اعتماد به اصلاح امور و احساس ناامیدی:

دومین مانع مشارکت، بی‌اعتمادی است. منشأ این بی‌اعتمادی را می‌توان در تجربیات تلخ برخی حوادث در انتخابات گذشته و یا القائات و شبهه‌افکنی‌های رسانه‌های دشمن دانست که ذهن افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اراده آنان را برای حضور در انتخابات سست می‌کند. ادعای تقلب، رقابتی نبودن، نمایشی بودن، فرمایشی بودن، مهندسی آرا و... از جمله القائات و شبهات درباره انتخابات است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی تاریخی خود در نماز جمعه تهران (۲۹ خرداد ماه ۱۳۸۸) در تحلیل انتخابات و اقدامات دشمن در زمینه اعتمادزدایی

می فرمایند: «اگر مردم در کشور به آینده امیدوار نباشند در انتخابات شرکت نمی‌کنند، اگر به نظام خودشان اعتماد نداشته باشند در انتخابات شرکت نمی‌کنند، اگر احساس آزادی نکنند به انتخابات روی خوش نشان نمی‌دهند. اعتماد به نظام جمهوری اسلامی در این انتخابات آشکار شد؛ دشمنان ملت ایران می‌خواهند همین اعتماد را در هم بشکنند. این اعتماد بزرگترین سرمایه جمهوری اسلامی است. می‌خواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند. می‌خواهند ایجاد شک کنند ایجاد تردید کنند درباره این انتخابات و این اعتمادی که مردم کردند تا این اعتماد را متزلزل کنند. دشمنان ملت ایران می‌دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت مشارکت ضعیف خواهد شد. وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آن‌ها این را می‌خواهند...»

مخاطب این ترفند دشمن، عمدتاً نوجوانان، جوانان و دانشجویانی هستند که بیشتر در معرض رسانه‌ها و فضای مجازی قرار دارند.

• راهکار:

- اعتمادسازی با ایجاد مفاهمه، زبان و ادبیات مشترک و ارتباط گفتاری با عموم مردم به ویژه جوانان و نوجوانان (در ادامه سیاست‌های این ارتباط گفتاری به صورت تفصیلی بیان خواهد شد)؛
- اقناع‌سازی و پاسخگویی به شبهات و القائنات از طریق رسانه‌ها، فضای مجازی و افراد صاحب تربیون؛
- محوریت دادن به افراد و گروه‌های مرجع مورد اعتماد مردم، جوانان و نوجوانان برای پاسخگویی و اقناع‌سازی.

• عدم رضایت از وضع موجود:

مانع سوم برای مشارکت، عدم رضایت و نارضایتی است. بخش مهمی از افرادی که در روز انتخابات پای صندوق‌های رأی نمی‌آیند آن‌هایی نیستند که بی‌اطلاع بوده و یا تحت تأثیر القائنات دشمن، بی‌اعتماد شده‌اند، بلکه کسانی هستند که به دلیل مشکلات متنوع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مشکلات معیشتی، بیکاری، تورم، ناکارآمدی‌ها،

سازوکار لخت و فشل ادارات و سازمان‌ها، فسادها، تبعیض‌ها، ترک فعل‌ها، سوءمدیریت‌ها، بی‌عدالتی‌ها و... حاضر نیستند پای صندوق‌های رأی بروند.

• راهکار:

- برای کسب رضایت این افراد بیش از هرکس، مسئولان و دستگاه‌های اجرایی وظیفه دارند با اصلاح رفتار و ارائه پاسخ و عذرخواهی از سوءمدیریت‌ها و تلاش برای جبران کاستی‌ها به‌ویژه در امور اقتصادی و مهار تورم برای کسب رضایت تلاش کنند؛

- تبیین این واقعیت که راه صحیح حل معضلات موجود، مشارکت سیاسی همگانی و تلاش برای انتخاب نامزد اصلاح و کنار گذاشتن ناکارآمدان است نه قهر با صندوق‌های رأی؛

- نکته مهم دیگر عدم بهره‌برداری سیاسی و تفسیرهای فرصت‌طلبانه از رأی مردم است. نباید مشارکت مردم به معنای رضایت‌مندی از وضعیت موجود و عملکرد مسئولان تفسیر شود بلکه باید به معنای ارتقای فهم سیاسی مردم و استفاده آن‌ها از حق مشارکت سیاسی برای حل مشکلات خود تفسیر شود. برخی اقدامات مقطعی از سوی مسئولان و نامزدهای انتخابات نیز می‌تواند به بهبود رضایت عمومی در آستانه برگزاری انتخابات کمک کند؛

- تبلیغات مؤثر نامزدهای انتخاباتی و توجه به نیازهای اصلی جامعه که مسائل اقتصادی و معیشتی است و ارائه راه حل و راهکار برای رفع آن‌ها؛

- پرهیز از سیاه‌نمایی

- امیدوار کردن ملت به حل مشکلات به جای ناامیدسازی؛

- کنار گذاشتن اختلافات میان مسئولان و قوای سه‌گانه؛

- مطالبه‌گری مردمی از نمایندگان و مسئولان برای پاسخگویی.

الف) شکل‌گیری رقابت واقعی

در کنار دو راهبرد سلامت و امنیت، مهمترین آن‌ها که منجر به مشارکت حداکثری و همگانی در انتخابات می‌شود، رقابت واقعی است. شکل‌گیری یک رقابت واقعی، الزامات، سیاست‌ها و راهکارهایی دارد که در ادامه به برخی اشاره می‌شود:

• سیاستها و راهکارهای شکل‌گیری یک رقابت واقعی

- نظام جمهوری اسلامی ایران نیز یک نظام مردم‌سالار دینی - انقلابی است که در تعامل فعال، خلاق و هوشمند با جامعه و لایه‌ها، گروه‌ها و طبقات اجتماعی ایران قرار دارد. به منظور پیشبرد راهبردی بسیار مهم، مشارکت حداکثری باید شرایط حضور نامزدها و رقابت‌های انتخاباتی و فضای کلی انتخابات را به سمتی برد که جامعه احساس کند صداها و سلیقه‌های گوناگون انقلابی در فضای رقابت‌های انتخاباتی امکان بروز و ظهور عرضه شدن دارند. مقصودمان به هیچ وجه و تأکیداً عرض می‌کنیم هرگز ایجاد فضا و میدان برای فعالیت غرب زده‌ها و استحاله‌طلبان و براندازان و فتنه‌گران نبوده و نیست، بلکه مقصودمان ایجاد فضا برای ظهور و بروز و عرضه شدن صداها و سلیقه‌های متنوع درون جبهه انقلاب و پیروان ولایت مطلقه فقیه و همه باورمندان جدی به ولایت حضرت امام خامنه‌ای است که می‌خواهند گام دوم انقلاب را موفق‌تر از گام اول و در ذیل ولایت و گفتمان و سیره و سلوک امامین انقلاب پیش ببرند.

- در درون جبهه انقلاب، تنوعی از سلیق در عرصه‌های روشی یا تقدم اولویت‌ها و برخی امور دیگر وجود دارد. در سیاست‌گذاری کلان انتخاباتی باید شرایطی پیش بیاید که همه صداها درون انقلاب و تابعان ولایت امر امکان عرضه خود به مردم را پیدا کنند، به معنای ایجاد شرایطی که در آن همه چهره‌های توانمند جبهه انقلاب رقابت کنند و حتی جوان‌ترهای کم‌تر شناخته شده و گمنام‌تر این امکان را داشته باشند در رقابت‌های انتخاباتی شرکت کنند. به عبارت دیگر باید اکثریت جامعه احساس کنند که سیمای سیاست ورزی در نظام جمهوری اسلامی ایران (به مثابه یک نظام مردمی جوان‌زای انقلابی) منحصر در چند چهره مشهور (که هر یک مدتی رئیس یک دستگاه یا وزیر یا شهردار یا... بوده‌اند و در مواردی حتی نام و حضورشان تداعی‌کننده برخی سیاست‌ها و رویه‌های ناخشنودکننده بوده است) نمی‌شود و جمهوری اسلامی در چهل و پنجمین سال حیات خود امکان به میدان آوردن چهره‌های جدید و شگفتی‌سازی را دارد که احیاکننده شعارها، آرمان‌ها و رویه‌های اصیل

انقلابی و ولایی اند. از لوازم تحقق این امر این است که سیاست‌گذاری در انتخابات سال ۱۴۰۲ و نحوه تعیین صلاحیت‌ها از سوی شورای نگهبان به گونه‌ای باشد که تنوع رنگین‌کمانی از نامزدهای انقلابی - ولایی با تجربه و شناخته شده و جوان و میان سال و کمتر شناخته شده و حتی کم‌بیش گمنام در میدان رقابت‌های انتخاباتی فعال شوند.

- یک نکته بسیار مهم دیگر در زمینه‌سازی برای مشارکت گسترده مردمی این است که به طور خاص شرایط به گونه‌ای شود که در میان کاندیداهای فعال در عرصه رقابت‌های انتخاباتی صدای عدالت‌خواهی انقلابی ذیل اراده و منویات رهبر انقلاب (و نه صداهای ساختارشکن، بی‌قاعده و افراطی) و صدای مستضعفان (یعنی صدای آرمان‌گرایی انقلاب) امکان بروز و ظهور روشن و صریح و شفاف پیدا کند. (باز هم تأکید می‌کنیم صدای عدالت‌خواهی و مستضعف‌گرایی مطلوب و مد نظر، صدایی است که مطالبات خود را با محوریت رهبر و ولی امت یعنی حضرت امام خامنه‌ای و در چارچوب تقویت کلیت نظام جمهوری اسلامی تعریف نماید و دنبال کند و نه صدایی که با عنوان عدالت‌خواهی مروج ساختارشکنی و هرج و مرج طلبی و خدای ناکرده تضعیف‌کننده نظام است). اقشار کم‌درآمد و ضعیف اقتصادی و لایه‌های فرودست و مستضعف، بدنه اصلی حامیان انقلابند و متأسفانه در سال‌های اخیر سیطره سیاست‌های غرب‌گرایانه و تمکین‌طلبانه در قبال غرب در قوه مجریه و برخی جاهای دیگر سبب شده است که عده‌ای از این اقشار و گروه‌ها احساس کنند که جز در بیان و نظر رهبری حکیم انقلاب، صداها، خواست‌ها و مطالبات ایشان، به ویژه در بدنه اجرایی کشور شنیده نمی‌شود و در میان جریان غالب مدیران اجرایی نماینده‌ای ندارند.

- در انتخابات سال ۱۴۰۲ به منظور پیشبرد امر مهم مشارکت حداکثری نحوه عمل شورای نگهبان باید به گونه‌ای باشد که بیشترین میدان را به چهره‌ها و صداهای انقلابی عدالت‌خواه، ولایت‌مدار، بیان‌کننده مطالبات مردمی و مستضعفان بدهد و این امر البته منوط به این است که سیاست‌گذاری فرایند انتخاباتی در خصوص تعیین صلاحیت کاندیدها و رقابت‌های انتخاباتی طوری باشد که این تصور به وجود نیاید که گویا یک حلقه مشخص گروهک سالار با تمایلات ویژه به دنبال چیدمان خاص در رقابت‌های انتخاباتی به منظور تحقق اهداف خود است.

- در انتخابات پیش رو هر چقدر شرایط رقابت‌های انتخاباتی و تنوع حضور کاندیداها به گونه‌ای رقم بخورد که امکان عرضه و شنیده شدن صدای اصیل انقلابی‌گری و انقلابی‌ها فراهم آید (به ویژه اگر این صدا از حنجره نیروهای کمترشناخته شده و جدیدتر و شاید در مواردی جوان‌تر خارج شود و طنین صدا و نحوه زیست و هویت و سلوک صاحبان این صداها تداعی‌کننده صداقت بیشتری باشد) به احتمال زیاد شاهد مشارکتی گسترده و در عین حال احیا شعارها و حال و هوای آرمانی انقلاب خواهیم بود.

ب) الزامات مشارکت حداکثری

با توجه به نکات مطرح شده درباره مشارکت حداکثری و رقابت واقعی می‌توان به طور خلاصه الزامات تحقق مشارکت حداکثری را این‌گونه برشمرد:

- ۱- رقابتی بودن و پیشی گرفتن در حل مسائل مردم؛
- ۲- کارآمدی، کاربلدی و راندمان؛
- ۳- آگاهی بخشی و افزایش دانش جمعی ایرانیان؛
- ۴- اعتمادسازی و افزایش سرمایه اجتماعی؛
- ۵- رضایتمندی و افزایش رضایت عمومی.

ج) رویکردهای اولویت‌دار مشارکت حداکثری

برای مقابله با موانع مشارکت و تحقق هر چه بهتر راهکارهای افزایش آن، برخی رویکردهای اولویت‌دار کلان نیز باید در دستور کار نهادهای مربوط قرار بگیرد که برخی از آن‌ها در ادامه آمده است:

- تمرکز نقطه‌ای و موردی بر گروه‌هایی از مردم که حق رای دارند، مانند: توجه ویژه به جامعه‌ای اولی‌ها؛

توجه ویژه به سالمندان، بازنشستگان و طبقات کم‌برخوردار؛

توجه ویژه به جامعه کم‌توانان، معلولان، توجه به جامعه زنان خانه‌دار و مواردی از این دست.

- تمرکز بر مسائل اقتصادی و معیشتی و مصادیق محدود اولویت‌داری از مشکلات مانند: مسکن، ازدواج، سربازی و اشتغال

- اولویت دادن به خواسته‌های قشر مستضعف و حاشیه‌نشین و به‌کارگیری ادبیات مورد فهم و پذیرش این قشر
- توجه ویژه به انجام ندادن اقداماتی از سوی سازمانها، نهادها و ارگانها که سبب افزایش ناراضایتی مردم می‌شود.

بخش سوم: مجلس و نماینده انقلابی و تراز گام دوم

همان‌گونه که پیشتر هم اشاره شد برای رسیدن به الگوی مطلوب انتخاباتی می‌بایست مشارکت حداکثری مردم در انتخابات در کنار انتخاب حداکثری (اصلح) تحقق پیدا کند و از آنجایی که شاخص‌های آن فرد می‌تواند نسبی باشد لازم است در ادامه به شاخص‌های فرد از دیدگاه امامین انقلاب پرداخته شود:

۱- شاخصه‌های نماینده انقلابی

- محور اعتقاد و التزام عملی

الف- پایبندی به احکام اسلام

• اعتقاد به اسلام و اجرای احکام آن (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۱۱)

• عدم گرایش به دشمنان (بیانات رهبری، ۱۴ فروردین ۱۳۸۲)

- عدم تمایل به دنیا، مادیات، منافع شخصی، شهرت و ... (بیانات رهبری، ۱۴

فروردین ۱۳۸۲)

ب- عدم انحراف عقیدتی و اخلاقی

• عدم اعتماد به افراد منحرف (عقیدتی، اعمالی و اخلاقی) (صحیفه امام، ج

۱۴، ص ۴۱۱)

پ- تقوا و تدین

• بی‌دینی و بی‌تقوایی هر جا باشد انسان را آسیب‌پذیر می‌کند. اگر در جای

حساس باشد، آسیب‌پذیری آن بسیار گران تمام خواهد شد. (بیانات رهبری

۲۲ بهمن ۱۳۸۲)

ت- پایبندی به نظام و قانون اساسی

• معلوم است کسانی که این قانون اساسی و این ملت و کارها و شعارها و راه و

اهدافش را قبول ندارند نباید انتخاب شوند (بیانات رهبری ۱۸ دی

۱۳۸۲)

ث- صداقت

• باید اشخاص امین و صادق بروند که مقدرات شما را بر طبق خواسته‌های خدای متعال پیاده کنند. (صحیفه امام، ج ۶، ص

۴۸۸)

ج- امانت

• اشخاصی که امین هستند. اشخاصی که معروف است پیشهشان به امانت، به دیانت، به خدمت به مردم، آن‌ها را تعیین کنند. (صحیفه

امام، ج ۱۰، ص ۵۲۵)

چ- انقلابی و در خط امام (ره) بودن

• اگر نگوئیم شجاع‌ترین و مؤمن‌ترین و انقلابی‌ترین لااقل در سطح این توده عظیم مردم که این‌گونه از خود درخشش نشان می‌دهند،

باشد. (بیانات رهبری ۱ اسفند ۱۳۷۲)

- محور اقتصادی

الف - اهتمام به امور مستضعفین و دلسوز مردم و طبقات محروم

• مردم به نمایندگانی رأی دهند که در خدمت به آنان احساس

مسئولیت کنند و طعم تلخ فقر را چشیده باشند و در قول و

عمل مدافع اسلام، پابرهنگان زمین اسلام، مستضعفین، اسلام

رنج‌دیدگان تاریخ اسلام، عارفان مبارز خود اسلام، پاک‌طینتان

عارف و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله

و سلم) باشند. (صحیفه امام، ج ۴۱، ص ۱۱)

ب - روحیه مبارزه با راحت‌طلبی

• افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام

مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام

فرصت‌طلبان و در یک کلمه، اسلام آمریکایی هستند طرف نموده و

به مردم معرفی نمایند. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۱)

پ - مبارزه با مفساد اقتصادی

• باید ضد فساد باشد و با فساد مالی و اقتصادی به شدت و به جد از بین دنداند و نه به لفظ مخالف باشد تا با فساد مبارزه کند. (بیانات رهبری، ۱۳۰ بهمن ۱۳۸۴)

ت - عدم وابستگی به کانون‌های قدرت و ثروت

• نامزدهای انتخابات مراقب باشند خود را و مدار ثروتمندان و قدرتمندان و امثال این‌ها نکنند. اگر کسی و مدار دستگاه‌ها و اشخاص و و مدار پول و قدرت شد، دیگر نمی‌تواند برای مردم دلسوزی کند. پس دلسوزی هم یک شرط بزرگ است. (بیانات رهبری، ۲۴ بهمن ۱۳۸۲)

ث - ساده‌زیستی و پرهیز از اشرافی‌گری

• مسئولان مراقب باشند که از عوارض بیماری رفاه‌زدگی و عشرت‌طلبی، بیماری زد و بند نامشروع و فساد مالی و اداری، بیماری تکبر و دوری از مردم و بی‌اهمیتی به نیاز و خواست و اراده و حضور آنان، بیماری دسته‌بندی‌های ناسالم و ترجیح مقاصد باندی بر مصالح عمومی و امثال این‌ها که ابتلای به آن مانند موربانه پایه‌های هر نظامی راسست و پوک می‌کند، خود را دور نگه دارند. (بیانات رهبری، ۱۳ خرداد ۱۳۷۰)

ج - اهل خدمت به مردم

• نامزد انتخابات باید با قصد خدمت وارد شود اگر با قصد قدرت‌طلبی و جمع کردن پول و مسائل گوناگون و انگیزه‌های ناسالم دیگر وارد شود به کشور خدمت نمیرساند. (بیانات رهبری ۱۹ دی ۱۳۹۰)

- محور سیاسی

الف - عدم وابستگی و تمایل به شرق و غرب

• همه با هم اشخاص متعهد مسلم، کسانی که گرایش چپ دارند نه گرایش راست دارند، انتخاب کنید. (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۵)

ب - پایبندی به وحدت و انسجام ملی

• هر گفتار و کرداری که به فرسایش نظام و برافروختن چالش‌های جناحی

بینجامد، همبستگی ملی را سست و دشمن را به نفوذ در صفوف ملت و مسئولان امیدوار کند، مردم را از کارگشایی نمایندگان خود نومید و در راستگویی آنان به تردید افکند، بی‌گمان در سمتی مخالف با وظیفه نمایندگی است. (بیانات رهبری ۶ خرداد ۱۳۸۳)

پ- شجاعت

• نماینده مردم باید شجاع باشد و نترسد، شجاعت در مقابل دشمن، شجاعت در مقابل باطل، شجاعت در پذیرش حرف حق. (بیانات

رهبری، ۲۴ بهمن ۱۳۸۲)

ت- بصیرت و بینش سیاسی

• نماینده مردم باید دارای فهم و درک سیاسی باشد و مسائل کشور را بفهمد؛ هم مسائل خارجی و توطئه‌های دشمنان را و هم مسائل

داخلی و نیازهای مردم و اولویت‌های کشور را. (بیانات رهبری، ۷

فروردین ۱۳۷۱)

ث - حفظ عزت ملی

نماینده این ملت عزیز باید عزت این ملت را حفظ کند. (بیانات رهبری،

۸ خرداد ۱۳۷۴)

- محور عملکرد و تخصص

الف- کارآمدی

• مجرد اینکه این آدم یک آدم خوبی است، خیلی اول وقت نمازش را می‌خواند و نمازش شب می‌خواند، این کفایت نمی‌کند. (صحیفه امام،

ج ۱۸، ص ۲۸۴)

ب- دلسوزی

• نماینده‌ای که انتخاب می‌شود باید دلسوز مردم باشد، صادق باشد، صمیمی باشد و بخواهد برای مردم کار کند.

پ- تجربه داشتن

• آدمی باشد که حتی المقدور با تجربه باشد. در این کارهای بزرگ،

تجربه خیلی مهم است. (بیانات رهبری، ۱۳ بهمن ۱۳۷۸)

ت - برنامه داشتن، خوشنامی و جوانگرایی

• نماینده باید خدوم امتحان داده، با کفایت، برنامه دار، خوشنام و جوانگرا باشد

و به جوانان اعتقاد داشته باشد. (بیانات رهبری ۲۵ بهمن ۱۳۸۲)

ث - اهتمام در قانونگذاری و نظارت

ج - پرتلاش بودن

تا آخرین روز نمایندگی، نماینده هستند. سال آخر نمایندگی با سال اول هیچ فرقی ندارد. حالا ما وارد سال آخر می شویم. جلسات سال آخر هم باید از همه جهت،

مثل جلسات سال اول باشد. (بیانات رهبری، ۸ خرداد ۱۳۷۴)

چ - ساده لوح نبودن. (بیانات رهبری، ۲۶ بهمن ۱۳۷۸)

ح - نگاه کلان ملی داشتن. (بیانات رهبری، ۲۰/ بهمن ۱۳۷۱)

خ - تصمیم گیری مستقل با استفاده از نظر کارشناسی. (بیانات رهبری، ۲۹ خرداد

۱۳۷۵)

- محور اخلاق و شئون نمایندگی

الف - رعایت اخلاق و آداب اسلامی در مسائل

• آقایان در یک محیط آرام مسائلی که دارند با آرامش بیان کنند. اختلافاتی که در

دیدها دارند، در سلیقه ها دارند، این ها را با یک آرامش خاطر بیان کنند و حل

و فصل کنند. در محیط آرام است که عقل ها می توانند کار بکنند. (صحیفه

امام، ج ۱۴، ص ۳۶۶)

پ - حریص نبودن برای تصدی پست و مقام

• میزان در نظر همه ارزش خدمت باشد، به خدای نخواستہ تحصیل مقام.

(صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۷۷)

ت - مردمی بودن

• مردمی بودن یعنی اینکه نباید ما در جمهوری اسلامی کمک کنیم به ایجاد یک

طبقه جدید، یک طبقه برخوردار اشرافی جدید این کار نباید انجام بگیرد.

این هم با دستور و حکم و فرمان حاصل نمی شود، بادل، با ایمان، با انگیزه

شدنی است. (بیانات رهبری، ۲۱ خرداد ۱۳۸۷)

ث - رعایت اخلاق تبلیغاتی و ندادن وعده های نشدنی

• در تبلیغاتشان ارزشهای نظام را ندیده نگیرند، همدیگر را تخریب نکنند و از دادن آمارهای سست بپرهیزند... وحدت ملی را خدشه دار نکنند. طوری نباشد که به خاطر جذب یک دسته یا یک گروه حرفی بزنند که وحدت ملت خدشه دار شود. وعده‌هایی که معلوم است نمی‌توانند به آن‌ها عمل کنند به مردم ندهند. آنچه که در چارچوب قانون اساسی است و امکانات مملکت از امکان آن حکایت می‌کند آن را به مردم بگویند... تبلیغات پر خرج هم نکنند. (بیانات رهبری، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۰)

۲- ویژگی‌های مجلس انقلابی (مجلس امیدآفرین)

گام دوم انقلاب فراز و مرحله نوینی از فرایند تحقق انقلاب اسلامی است. در گام دوم انقلاب، دستگاه‌های مختلف کشور باید افق تمدنی داشته و براساس این افق فعالیت کنند. مجلس یازدهم اولین مجلسی بود که در گام دوم انقلاب شکل گرفت و اکنون در آستانه پایان کار این مجلس، مجلس دوازدهم باید نسبت خود را با گام دوم انقلاب بسیار شفاف‌تر و دقیق‌تر تعریف کند. مجلس شورای اسلامی از جمله دستگاه‌های اصلی و تأثیرگذار در تعیین مقدرات کشور است که در گام دوم انقلاب باید با بینشی تمدنی، برای تحقق اهداف و سرفصل‌های مورد انتظار در این گام اقدام کند. می‌توان گفت که هدف اساسی و نقطه کانونی در نقش‌آفرینی این نهاد در گام دوم انقلاب اسلامی، باید امیدآفرینی باشد که این نیز محقق نمی‌شود مگر آنکه همه سرفصل‌ها و انتظاراتی که در گام دوم انقلاب متوجه مجلس است، محقق شود. به عبارت دیگر، مجلس شورای اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی باید مجلسی امیدآفرین باشد و به صورت فعال، پرتحرک و انقلابی در صحنه تحولات کشور حضور داشته باشد.

الف) التزام عملی به شعارهای انقلاب و حمایت از جریان انقلابی:

تجربه گام اول انقلاب نشان می‌دهد که هر جا دل زدگی، ناکارآمدی وضعفی ایجاد شده به دلیل بی‌توجهی مسئولان به شعارهای انقلابی و غفلت آن‌ها از جریان انقلابی کشور بوده است. در این زمینه رهبر انقلاب

در بیانیه گام دوم می‌فرمایند: «اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود، بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.»

بنابراین یک منشأ مهم وجود آسیب در عملکرد مسئولان را می‌توان در همین نقص دانست، زیرا توجه به شعارهای انقلاب، منشأ انگیزه، دغدغه تحرک و پویایی است و میدان دادن به جریان انقلابی نیز به معنای میدان دادن به کسانی است که در شرایط کمبود، سختی تنگنا و فشار با همت مضاعف روحیه انقلابی و عمل جهادی قادرند موانع راپشت سر بگذارند. نمونه‌های این امر را می‌توان در دوران دفاع مقدس یا در دهه اول انقلاب در راه‌اندازی و توسعه اقدامات جهادی دید. امروزه نیز شاهدیم که در مواقع حساس و سرنوشت‌ساز با وقوع برخی حوادث غیرمترقبه، چگونه توجه به شعارهای انقلاب و میدان دادن به جریان انقلابی، منشأ گره‌گشایی و امیدبخشی می‌شود. حال در گام دوم انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی باید با نصب‌العین قرار دادن شعارهای انقلاب در حوزه‌هایی چون عدالت خواهی، آزادی خواهی، استقلال طلبی، پیشرفت‌گرایی و... نقش‌آفرینی متناسب با شأن خود را داشته، علاوه بر این، باید در راستای تقویت جریان انقلابی کشور حاضر به ورود جدی به صحنه باشد. به عنوان مثال، اگر در دستگاهی به نیروهای انقلابی بی‌توجهی می‌شود و در نقطه مقابل، آن دستگاه جولانگاه افراد و نگاه‌های غیرانقلابی و (لیبرالی) است، مجلس بنا به رسالت نظارتی خود باید اقدام مقتضی را انجام دهد. توجه به این امر به ویژه از آن جهت ضروری است که مجلس در دهه ۹۰ در ارتباط با پرونده‌هایی چون جاسوسان زیست‌محیطی، حضور دو تابعیتی‌ها در مناصب حکومتی، حقوق‌های نجومی، برخورد با مفسدان و اختلاس‌گران، گره‌گشایی از مشکلات معیشتی مردم و... ورود جدی نداشت. به عبارت دقیق‌تر در حوزه‌های مذکور اگر چه مجلس ورود هم داشته، نتایج ملموس و عینی جدی به گونه‌ای که منجر به حل مسئله شود، حاصل نشده و متأسفانه اراده چندانی هم برای ادامه روند، به منظور به نتیجه رسیدن مصوبات مجلس از سوی خود مجلس هم دیده نشده است.

ب) عینیت بخشی به نظریه نظام انقلابی:

به کار بستن نگاه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی یکی از رسالت های مجلس شورای اسلامی در گام دوم انقلاب است که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بدان اشاره کرده اند. از عناصر سه گانه مذکور می توان به عناصر و ارکان نظریه نظام انقلابی تعبیر کرد. بنابراین، منظور ایشان از توجه به آن ها در اصل و اساس، عینیت بخشی و عمل به موازین نظریه نظام انقلابی است. منظور از عینیت بخشی به این نظریه نیز عبارت است از حساسیت مثبت نشان دادن به نقدها، در عین فاصله نگرفتن از ارزش ها، تضاد و ناسازگاری ندیدن میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی، متحجر نبودن در برابر پدیده ها و موقعیت های نوبه نو، فاقد احساس و ادراک نبودن در عین پایبندی شدید به اصول خود، حساسیت شدید به مرزبندی های خود با رقیبان و دشمنان و بی مبالاتی نکردن با خطوط اصلی انقلاب و نظام.

منشأ بسیاری از آسیب ها در عملکرد مدیران را باید در عدم درک صحیح و دقیق آن ها از انقلاب اسلامی دانست، بدین معنا که برخی از مدیران و مسئولان کشور به نظام اسلامی، نگاهی عرفی دارند و غافل از آن هستند که نظام، عهده دار پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی است. مثلاً نگاه کیسه دوزانه و فرصت طلبانه به مسئولیت خود دارند و درک نمی کنند که انقلاب اسلامی، برای خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی است. این انقلاب آغازگر عصر جدیدی در عالم بوده، تقابل استکبار با آن جدی و ریشه ای است. شعارهای آن برخاسته از متن اعتقادات توده های مردم است و بنابراین تاریخ مصرف دار نیست.

برخی مسئولان میان جوشش انقلابی و نظم موجود ناسازگاری می بینند، یعنی به نظریه نظام انقلابی توجهی ندارند و انقلابی گری را مربوط به دوران مبارزه و قبل از ایجاد نظم و نظام سیاسی می دانند. از این رو، وقتی در مصادر امور قرار می گیرند بیش از آنکه به انقلابی گری و شیوه های انقلابی توجه داشته باشند، خود را اسیر وضعیت دیوان سالارانه حاکم بر حوزه مسئولیتشان می کنند. اما در گام دوم، انقلاب، مجلس شورای اسلامی به

سبب رسالت‌های خطیر قانونی‌اش باید پرچم‌دار بسط نظریه نظام انقلابی باشد تا زمینه را برای ترویج نگاه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی فراهم کند. در همین زمینه می‌توان به شاخص سهولت فضای کسب و کار در کشور اشاره کرد که تأثیری جدی بر رونق تولید دارد، پایین بودن نمره ایران در این شاخص، نکته‌ای است که مجلس باید برای رفع آن برنامه‌ریزی و اقدام کند. البته قوانینی در این زمینه تصویب شده، اما نظارتی از سوی مجلس بر اجرای این قوانین صورت نگرفته است و از اینجاست که می‌گوییم برای رفع موانع فضای کسب و کار اقدام جدی انجام نداده است.

ج) تلاش برای نهادسازی انقلابی:

نهادسازی مطابق با نگاه انقلابی از جمله رسالت‌های مسئولان برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی است. توفیق جمهوری اسلامی در بدترین شرایط درآمده و امنیتی در دهه شصت در زمینه کاهش شدید محرومیت روستاها و حاشیه‌نشین‌ها، ناشی از یک نهادسازی صحیح و هوشمندانه با به‌کارگیری نیروهای مردمی و جهادی بود، همین‌طور درباره افزایش سطح سواد و تحصیلات و همچنین خدمات درمانی و بهداشتی. از سوی دیگر ناکامی تقریباً ۲۰ ساله پس از فرمان رهبر انقلاب در اوایل دهه ۱۳۸۰ در مبارزه با قاچاق کالا یا فساد اقتصادی، دقیقاً معلول موفق نشدن در نهادسازی و انگیزه بخشی عاملان اقتصادی و سیاسی برای همکاری حول این محورها بوده است. هم نتوانسته‌ایم صاحبان منافع شخصی و گروهی را به تغییر رفتار به نفع منافع ملی و اسلامی ملزم سازیم و هم موفق نشده‌ایم هزینه تصمیمات بحران‌زا یا رفتارهای فسادزا را به قدر کافی بازدارنده، بالا ببریم و نتوانسته‌ایم مشارکت واقعی مردم در اقتصاد و اداره امور کشور را تضمین کنیم. ثمره نهادهای فعلی، خود را در ایجاد شبکه‌ای از ذی‌نفعان اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد که نفع‌شان در استمرار واردات کالاهای اساسی و وابستگی به خارج، حفظ وابستگی بودجه دولت به نفت، تداوم قاچاق کالا، فساد اقتصادی یا هر چیز دیگری است. حال آنکه با نهادسازی انقلابی می‌توان مانع تداوم فعالیت این شبکه‌ها در کشور شد. واضح است که مجلس باید در این نهادسازی پیشگام باشد.

د) متکی به درون و جوان‌گرا:

منظور از متکی به درون بودن مجلس آن است که این نهاد در فعالیت‌های قانونگذارانه و نظارتی خود باید برای تقویت ظرفیت‌های داخلی و اتکای بیشتر بخش‌های اجرایی به این ظرفیت‌ها تلاش کند. به عنوان مثال مجلس می‌تواند دولت را مکلف کند که به جای واردات یک کالای خاص، بخش‌های تعطیل یا نیمه‌تعطیل صنعتی را راه‌اندازی کند تا چرخهٔ صنعت در داخل کشور رونق بگیرد یا در مواردی که در داخل کشور ظرفیت‌های مناسبی برای تولید برخی کالاها وجود دارد، اما با جهت‌گیری‌های غلط اجرایی، همان کالاها از خارج وارد می‌شود مجلس باید با استفادهٔ حداکثری از ظرفیت نظارتی خود، برای رفع این موانع تلاش کند.

منظور از جوان‌گرایی نیز این نیست که همهٔ نمایندگان مجلس باید از جوانان باشند، بلکه منظور این است که جهت‌گیری فعالیت‌های این نهاد باید معطوف به فراهم کردن زمینه‌های لازم برای میدان دادن به جوانان در بخش‌های مختلف کشور باشد. به عنوان مثال اکنون مجلس باید به طور دقیق بر اجرای قانون ممنوعیت به‌کارگیری بازنشستگان نظارت کند تا فرایند چرخش نخبگان در دستگاه‌های اجرایی، پوست‌اندازی مدیران و روی کار آمدن جوانان جان تازه‌ای بگیرد.

در این زمینه نیز عملکرد مجلس اشکالاتی دارد، به عنوان مثال در برخی دولت‌ها، افرادی عهده‌دار سمت وزارت شده‌اند و برای این منظور از مجلس رأی اعتماد گرفته‌اند که اولاً کهنولت سن داشته‌اند و ثانیاً کارنامهٔ عملکرد آن‌ها در دولت‌های قبلی نیز چندان موفق نبوده است و ثالثاً بعد از تصدی چندبارۀ وزارت و قطعی شدن ناکارآمدی آنان، بلکه خسارت‌آفرینی آن‌ها برای کشور، مجلس اقدام خاصی برای مقابله انجام نداده است.

ه) مقوم مسابقهٔ خدمت‌رسانی:

گام دوم انقلاب باید گام تقویت خدمت‌رسانی به مردم در ابعاد و

عرصه‌های مختلف باشد و مجلس در این زمینه اگرچه نمی‌تواند به عنوان کارگزار میدانی خدمت‌رسانی باشد، قطعاً باید با سیاست‌گذاری و بسترسازی درست، اقدامات و فعالیت دستگاه‌های اجرایی را به سوی گره‌گشایی از مشکلات مردم سوق دهد. در این زمینه مجلس نباید کوتاهی‌تعلل و ضعف برخی دستگاه‌ها را که عملکرد آن‌ها به طور مستقیم بر زندگی روزمره مردم تأثیر می‌گذارد تحمل کند و باید در اسرع وقت و با صراحت هرچه تمام‌تر به برخورد با افراد خاطی و حتی غافل‌همت‌گمارد. متأسفانه عملکرد مجلس در گام اول انقلاب در این زمینه، نیز خالی از اشکال نیست به‌ویژه در برهه‌هایی مانند وقوع نوسانات ارزی که در دولت‌های مختلف آسیب‌هایی جدی بر معیشت مردم وارد کرده، مجلس اقدام جدی انجام نداده است.

و) حمایت از فعالیت‌های علمی و پژوهشی:

علم و پژوهش از سرفصل‌های هفت‌گانه مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که باید برای تقویت این عرصه تلاش شود. با این وجود، اکنون مسئله این است که با توجه به ماهیت مجلس شورای اسلامی، به طور طبیعی این نهاد مانند یک دانشگاه، مرکز تحقیقاتی یا پژوهشگاه علمی، کار پژوهشی و تحقیقاتی انجام نمی‌دهد و به طور مستقیم نمی‌تواند نقشی در تحقق این سرفصل مهم داشته باشد، اما اگرچه نقش آن در حوزه علم و پژوهش ماهیت غیرمستقیم دارد می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد. در این زمینه مجلس می‌تواند با تصویب قوانین مقتضی، بستر مناسبی را برای توسعه و تقویت فعالیت‌های پژوهشی و دانشی در کشور فراهم کند. به عنوان مثال، مجلس قادر است قوانینی را در راستای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، نوآوری‌های علمی نخبگان دانشگاهی و... تصویب کند و از این طریق علاوه بر جلوگیری از خروج نخبگان از کشور، زمینه‌های بهره‌مندی از دستاوردهای علمی آن‌ها را فراهم سازد.

در این زمینه به‌ویژه مجلس می‌تواند به تقویت بودجه پژوهشی کشور بپردازد که در دهه گذشته در مضیقه نیز قرار گرفته است. بر اساس سیاست‌های کلی مرتبط با علم و فناوری، می‌بایست بودجه تحقیق و پژوهش تا پایان سال ۱۴۰۴ به حداقل ۴ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یافت، اما این رقم فعلاً در حد نیم درصد است.

ز تلاش برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی:

تأکید بر اقتصاد به عنوان یکی از عرصه‌های حیاتی در گام دوم انقلاب که نیازمند توجه، استحکام و صلابت است به چند دلیل عمده صورت می‌گیرد:

اول اینکه اقتصاد و ضعف اقتصادی پاشنه آشیل کشور در کل دوره تاریخ معاصر بوده است، بدین معنا که به سبب ضعف اقتصادی و مالی در داخل و هجوم بیگانگان از خارج، به تدریج زمینه‌های وابستگی ایران به دنیای خارج به طور روزافزونی تقویت می‌شد و در نتیجه آن، استثمار ایران از سوی بیگانگان به مرور زمان بیشتر می‌شد. وجود این نقص همواره یکی از مهمترین دلایل شکست نهضت‌های اجتماعی در ایران بوده و سبب شده که به رغم جانفشانی‌ها و مجاهدت‌های فراوان در تاریخ معاصر ایران، آزادی خواهی، استقلال طلبی و مبارزات مردمی به بار ننشیند. انقلاب اسلامی، آن‌گونه که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب نیز تصریح کرده‌اند، راه‌هایی از این نقیصه را به ما نشان داد. اما در سایه عملکردهای ضعیف داخلی و فشارهای خارجی هنوز این وضعیت به طور کامل دگرگون نشده است.

دوم اینکه درست به دلیل وجود همین نقیصه، یعنی آسیب‌پذیری اقتصادی است که دشمنان انقلاب و نظام از تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزار و سلاحی برای تسلیم و به زانو در آوردن ملت ایران استفاده می‌کنند. بنابراین، توجه به استحکام ساخت اقتصادی کشور در گام دوم انقلاب اسلامی، به معنای گرفتن و ربودن ابزار تحریم و فشار اقتصادی از دست دشمنان ملت ایران است.

علاوه بر این دو عامل، باید به مشکلات اقتصادی موجود در کشور و تداوم آن‌ها به مدت حدود یک دهه نیز به عنوان عامل زمینه‌ای دیگری که سبب طرح مسئله اقتصاد به عنوان یکی از عرصه‌های نیازمند توجه در گام دوم انقلاب شده است، نام برد. در صدر این مشکلات می‌توان به تورم و بیکاری جوانان اشاره کرد که تبعاتی چون رواج آسیب‌های اجتماعی نیز به همراه می‌آورد. در واقع، پرداختن به اقتصاد، ترمیم نقاط آسیب

وارتقای تاب‌آوری و ظرفیت‌سازی برای آن در گام دوم انقلاب می‌تواند راه حل بسیاری از مشکلاتی باشد که امروزه به عنوان «مسئله اجتماعی» در کشور وجود دارد و حالت انباشته به خود گرفته است.

با این حال، در حوزه اقتصاد توجه به دو نکته مهم راهگشاست: یکی اینکه وجود مشکلات اقتصادی در شرایط کنونی نباید منجر به رأی به ناکارآمدی اقتصادی انقلاب در گام اول شود. واقعیت آن است که عملکرد چهار ساله انقلاب اسلامی، با وجود ضعف‌ها و چالش‌های موجود، در حوزه اقتصادی حاوی نقاط قوت و درخشان بسیاری است که باید در تحلیل عملکرد اقتصادی انقلاب مورد توجه قرار گیرد. با این حال، اگر به‌رغم این موفقیت‌ها هنوز هم چالش‌های زیادی در حوزه اقتصادی داریم، به دلیل نارسایی‌ها و جهت‌گیری‌های نادرستی است که در طول سالیان گذشته داشته‌ایم و در گام دوم انقلاب باید به‌طور جدی حل و رفع شوند. در این باره، رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم فرمودند:

«مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه این‌ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است. راه حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌ها... بخش‌های مهم این راه حل‌هاست. بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.»

دیگر اینکه وجود مشکلات اقتصادی سبب شده که برخی گمان کنند این مشکلات لاینحل بوده و برای حل آن‌ها چاره‌ای جز غلتیدن در دامن دیگران

و نسخه برداری از دنیای خارج وجود ندارد، حال آنکه نه تنها این گونه دیدگاه و طرز تلقی ریشه برخی مشکلات اقتصادی موجود است و حتماً در گام دوم انقلاب باید طرد شود، بلکه در داخل کشور ظرفیت های بی شمار متعددی وجود دارد که با مدیریت جهادی و انقلابی و میدان داری جوانان قادر به پاسخگویی مناسب و قدرتمندانه به مسائل اقتصادی کشور است.

تردید نیست که مجلس شورای اسلامی می تواند نقشی به مراتب تعیین کننده تر در اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی داشته باشد، اما متأسفانه با گذشت ده سال از ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب هنوز قوانین متقنی که در برگزیده راه حل های شفاف و عملیاتی باشد، از سوی مجلس وضع نشده است. برای رفع این نقیصه مجلس باید ظرفیت های کارشناسی خود را تقویت کند تا به عنوان یکی از ارکان ایجاد یک اقتصاد مقاوم، بتواند به طور بهینه به ایفای نقش های خود بپردازد.

ح) عدالت خواه و فسادستیز:

اهمیت عدالت به عنوان یکی از عرصه ها و بایسته ها در گام دوم انقلاب اسلامی نیز از چند جهت است: اول آنکه عدالت خواسته ای انسانی - اسلامی و یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی است. دوم آنکه فاصله وضعیت شاخص های عدالت در کشور علی رغم پیشرفت هایی که داشته در مقایسه با سایر حوزه ها و شاخص ها، با وضع مطلوب بیشتر است. بنابراین، عدالت نیاز به توجه و تمرکز بیشتری در گام دوم انقلاب اسلامی دارد. در مورد مبارزه با فساد که خود یکی از جلوه های عدالت خواهی است نیز باید گفت که ضرورتی عاجل و غیر قابل انکار برای انقلاب اسلامی در گام دوم است و باید در صدر اولویت های قابل تحقق برای گام دوم باشد. با توجه وقوع برخی فسادهای دانه درشت در کشور، زمینه های بدبینی و بی اعتمادی در قبال کارگزاران شایسته و پاک دست افزایش یافته و حتی در مواردی سبب ترویج برخی قضاوت های اجحاف گونه در حق اصل نظام و انقلاب شده است.

اهمیت موضوع عدالت و مبارزه با فساد به حدی است که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم، طهارت اقتصادی را مهم دانسته و در این زمینه به ویژه بر دوری از حرص بر لقمه حرام، رفع محرومیت‌ها، رفع تبعیض در توزیع منابع عمومی و مقابله با میدان دادن به ویژه خواری، عدم مدارا با فریبگران اقتصادی و پرهیز از غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، تأکید کرده‌اند.

توجه به این موضوع از سوی مجلس شورای اسلامی در گام دوم اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تجربه گام اول انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که به‌رغم برخی قانونگذاری‌های مجالس مختلف برای مبارزه با فساد، در عمل برخی از نمایندگان و اطرافیان آن‌ها گرفتار فساد و زد و بند بوده و اساساً خود بخشی از مسئله هستند و نه راه‌حل.

ط) پاسدار آزادی و استقلال ملی:

استقلال و آزادی از خواسته‌ها و بایسته‌های مورد توجه رهبری در گام دوم انقلاب اسلامی است. به تعبیر ایشان استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است. بنابراین می‌توان گفت که استقلال و آزادی دو روی سکه حاکمیت ملی هستند؛ با این تفاوت که اولی در ارتباط و نسبت با بیگانگان معنا می‌یابد و دومی در نسبت با جامعه و محیط داخلی.

اهمیت پاسداری از استقلال ملی و آزادی در گام دوم انقلاب به چند دلیل اساسی است: اول اینکه این دو در طول تاریخ معاصر، از مهمترین مسائل ملی و از جمله مهمترین موضوعات مبارزات مردمی بوده است. از این رو، در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی استقلال و آزادی یکی از مهمترین شعارهای ملت ایران بود. دوم اینکه با آنکه ضمن پیروزی انقلاب اسلامی گام‌های مهمی برای تحقق و تحکیم این دو ارزش و الا برداشته شده، هم‌اکنون نیز این دو آرمان مهم از سوی قدرت‌های بیگانه و مداخله‌گر مورد تهدید هستند و چنانچه در قبال به پاسداری از این دو غفلت شود، وقایع ذلت‌بار گذشته تکرار خواهد شد. اهمیت این موضوع بدان جهت است که جریان روشنفکری وابسته این‌گونه القا می‌کند که استقلال دیگر معنای خود را از دست داده و تأکید بر حفظ استقلال ملی در شرایط جهانی شدن، سالبه به انتفاء موضوع است. حال آنکه واقعیت‌های مختلف جهانی و

بین‌المللی نقیض این قضیه را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که در دل جهانی سازی غربی، وابستگی نیز وجود دارد و چنانچه کشوری به این موضوع بی‌توجه باشد، زنجیرهای اسارت‌ها و وابستگی آن، روز به روز محکم‌تر خواهد شد. در حوزه آزادی نیز دنیای غرب با شعار جهانی سازی در صدد تحمیل الگوی مطلوب خود در این حوزه بر سایر ملت‌هاست. حال آنکه الگوی غرب در حوزه آزادی با الگوی مطلوب اسلامی - ایرانی تفاوت‌های بنیادین هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه دارد.

در این حوزه نیز مجلس باید ضمن مبارزه با کنش‌های سیاسی و نخبگی که در صدد نظریه‌سازی سازش در کشور هستند، با سیاست‌گذاری صحیح و دقیق فرهنگی، زمینه‌های فراگیری الگوی مطلوب و بومی آزادی در کشور را فراهم کند. متأسفانه در این زمینه نیز در عملکرد مجالس مختلف در گام اول انقلاب ضعف وجود دارد، زیرا بخش زیادی از بودجه فرهنگی کشور به جای آنکه معطوف به ارتقای درجه استقلال و آزادی هزینه شود، در عمل در اختیار خرده‌جریان‌های معارض فرهنگی و چهره‌هایی قرار گرفته که نه تنها به حفظ استقلال کشور توجهی ندارند، بلکه مروج بی‌بندوباری و آزادی غربی به جای آزادی بومی هستند. مجلس در گام اول انقلاب در نظارت به نحوه تخصیص و هزینه‌کرد این بودجه‌ها کارنامه قابل دفاعی ندارد.

ی) التزام به جهاد کبیر در برابر استکبار:

این شاخص که از سرفصل عزت ملی در روابط خارجی و مرزبندی با دشمن استنباط می‌شود به معنای حفظ حساسیت‌ها در مقابل دشمن دانستن و عدم تبعیت از او و همچنین مبارزه با او در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است. این موارد که به تعبیر مقام معظم رهبری شاخه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌الملل هستند، ترسیم‌گر اصول و ساخت سیاست و روابط خارجی نظام در گام دوم انقلاب اسلامی است. توجه به این موارد اولاً به معنای انزواگرایی و خودداری از تعامل سازنده با کشورهای مختلف نیست، بلکه عزت‌مندی و دقت در ماهیت خدعه‌گر طرف مقابل در روابط خارجی را

مد نظر دارد. ثانیاً تأکید بر این موارد از آن جهت اهمیت دارد که تجربه چهل ساله انقلاب در گام اول نشان می‌دهد هرگاه به این اصول در رابطه با سایر کشورها توجه شده، منافع ملی کشور به بهترین وجه تأمین شده و در مقابل، بی‌توجهی به این اصول نه تنها منفعتی به بار نیاورده بلکه متضمن پیامدهای خسارت‌بار نیز بوده است. بهترین نمونه ایستادگی بر این اصول را امروز در سطح منطقه به ویژه در صحنه نبرد فلسطینی‌ها با اسرائیل می‌توان مشاهده کرد که چگونه جمهوری اسلامی با عزت‌مندی، ایستادگی و مقاومت در مقابل دشمنان، به قدرت تعیین‌کننده منطقه تبدیل شده و اجرای الگوی مقاومت جمهوری اسلامی به وسیله جریان‌ات مقاومت در منطقه، توطئه‌های مختلف استکبار در منطقه را نقش بر آب کرده و به پیروزی‌های بزرگ در مقابل آن‌ها منجر شده است.

رسالت مجلس شورای اسلامی در این حوزه در گام دوم انقلاب سنگین است، زیرا همان‌گونه که در تجربه گام اول ثابت شده است در مواردی برخی دولت‌ها با کم‌توجهی به این اصل مهم وارد اختلاط با دشمن شده و این اقدام آن‌ها نه تنها منفعتی برای کشور در بر نداشته بلکه متضمن ایجاد خسارت نیز بوده است. در گام دوم انقلاب، مجلس شورای اسلامی باید با استفاده از همه ظرفیت‌های قانونی خود بر کیفیت سیاست و روابط خارجی کشور به دقت نظارت کند. کوتاهی‌های مجلس در گام اول انقلاب در عمل به وظیفه نظارتی خود در قبال مسئولانی که با خوش‌بینی و عدم رعایت خطوط فاصل با دشمن، لطماتی به مردم کشور و انقلاب زده‌اند نیز روشن و واضح است.

ک) مروج سبک زندگی اسلامی - ایرانی:

سبک زندگی از جمله حوزه‌های خرد برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. با این حال اهمیت آن به هیچ وجه کمتر از سایر حوزه‌ها نیست، زیرا اساسی‌ترین حوزه‌ای است که ارزش‌ها نگرش‌ها بینش‌ها رفتارها و... هر فرد یا مجموعه‌ای در آن تجلی می‌یابد. از این رو، چنانچه ویژگی‌ها و شاخص‌های انقلابی در این حوزه صدق کند می‌توان گفت که تجلی ویژگی‌ها و شاخص‌های انقلابی در حوزه‌های دیگر مانند سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ کار چندان دشواری نخواهد بود. در واقع، اگر چه همه ساحت‌های زندگی باید واجد ویژگی‌های انقلابی‌گری باشد، چنانچه کسی فقط در حوزه سیاست انقلابی باشد و در حوزه

سبک زندگی به انقلابی‌گری توجه نداشته باشد، انقلابی بودن وی ناقص و ابتر بوده و دیر یا زود یا کمرنگ شده یا از انقلابی بودن خود پشیمان می‌شود. درست به همین دلیل است که دشمن در نفوذ شبکه‌ای و جریانی درصدد آن است که سبک زندگی مردم را هدف قرار دهد و به نوعی افرادی با معیارهای سبک زندگی آمریکایی (American life style) در ایران ظهور یابند.

به بیان دقیق‌تر، از مهمترین دلایل تمرکز بر سبک زندگی و تلاش برای اصلاح آن در گام دوم انقلاب، فاصله گرفتن سبک زندگی امروزی جامعه از معیارهای اسلامی-ایرانی است، زیرا به سبب عدم تولید کافی کالاها و خدمات متناسب با ارزش‌های اساسی مردم و تنوع و وفور محصولات ارائه شده در نظام ارزشی رقیب، سبک بومی زندگی در ایران دچار فرسایش شده و بیش از پیش از معیارهای سبک زندگی بومی اسلامی-ایرانی فاصله گرفته است.

حال نقش مجلس شورای اسلامی در تلاش برای ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی در دو سطح قابل بررسی است: در حوزه زندگی شخصی نمایندگان که باید اصول اساسی سبک زندگی اسلامی ایرانی مانند ساده‌زیستی، اخلاق محوری، دوری از تجمل، اسراف، مصرف‌زدگی و... را به طور جدی مد نظر قرار دهند و به عبارت دقیق‌تر، به رسالت نمایندگی به عنوان زمینه‌ای برای کیسه دوختن نگاه نکنند. در سطح دیگر هم به وظایف قانونی مجلس برمی‌گردد که با توجه به وظیفه نظارتی‌ای که دارد، باید باریخت و پاش‌ها، اسراف‌ها، تجمل‌ها و... مبارزه کند.

بخش چهارم: مجلس خبرگان

اهمیت ذاتی مجلس خبرگان رهبری به عنوان حافظ رکن اساسی نظام سیاسی اسلام و جایگاه رهبری و ولایت فقیه موجب شده تا همواره مورد هجمه مخالفان و معارضان نظام اسلامی باشد. شبهاتی که انتشار آن موجب تضعیف این مجلس شده و اعتبار آن را نزد افکار عمومی از بین می‌برد، در آستانه انتخابات نیز پررنگ و پرتکرار می‌شود تا شاید بتواند از

حضور مردم در پای صندوق رأی بکاهد و این مجلس را کم اعتبار کند. در این میان، نقاط ضعفی نیز در حوزه عملکردی این مجلس می توان یافت که بهانه را برای تضعیف خبرگان فراهم کرده است. پاسخ مستدل به سؤالات و شبهات و توجه به ترمیم نقاط ضعف می تواند زمینه رونق انتخابات خبرگان را فراهم کند، موجب اعتمادسازی به نظام اسلامی شود و در نهایت منجر به تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات گردد.

الف) مسئولیت های مجلس خبرگان

۱- انتخاب رهبر: انتخاب رهبر در ایران، مانند بسیاری از کشورها به صورت دو مرحله ای است: مردم در مرحله اول، به خبرگان مورد اعتماد خود رأی می دهند و در مرحله دوم، نمایندگان مردم، از فقهای واجد شرایط، بهترین را برای رهبری انتخاب می نمایند. بسیاری از صاحب نظران، انتخابات دو مرحله ای را برای تعیین رهبر مناسب تر می دانند، زیرا معتقدند علاوه بر اینکه نمایندگان مردم، در فضایی به دور از هیجانات و تبلیغات، به بررسی و تصمیم گیری می پردازند، تجربه نیز نشان داده که وقتی فردی با رأی مستقیم اکثریت مردم به ریاست می رسد، بیشتر در معرض سوء استفاده از قدرت قرار دارد.

این شیوه، معقول ترین راه برای تعیین رهبر است، زیرا در بسیاری از نظام های مبتنی بر انتخابات، برای دستیابی به بالاترین مقام اجرایی کشور، اگر داوطلبان از نظر «سن»، «تابعیت» و «اقامت» در آن کشور واجد شرایط باشند، می توانند خود را نامزد ریاست کنند و این شرایط به سهولت، برای مجریان انتخابات قابل تشخیص است، ولی در نظام اسلامی، رهبری نظام باید از صلاحیت بالای علمی و شایستگی اخلاقی و قدرت مدیریت برخوردار باشد. همان گونه که برای گزینش مهندس متبحر یا پزشک حاذق، مراجعه به رأی عمومی نمی تواند راهکار مناسبی باشد و بهتر است به متخصصان آن امر واگذار شود، در گزینش «فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبّر» نیز این امر به خبرگان منتخب مردم تفویض شده تا آن ها به عنوان وکیل مردم انجام وظیفه کنند.

معیارهای انتخاب رهبر از سوی مجلس خبرگان در اصل یکصد و هفتم قانون اساسی چنین آمده است: «خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم، بررسی و مشورت می کنند. هرگاه یکی از آنان

را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند.»

در جهت اجرای این اصل و شناخت شرایط مذکور در اصل پنجم و یکصد و نهم قانون اساسی، کمیسیونی مرکب از یازده نفر عضو اصلی و چهار نفر عضو علی‌البدل در مجلس خبرگان تشکیل می‌شود. وظیفه اصلی این کمیسیون، تحقیق درباره همه موارد مربوط به شرایط رهبر، موضوع اصول یادشده، کسانی که در مظان رهبری قرار دارند و ارائه نتایج حاصل شده به هیئت رئیسه برای بررسی مجلس خبرگان است.

۲- عزل رهبر: تداوم رهبری ولی امر به استمرار صلاحیت و شایستگی وی بستگی دارد و با فقدان هر یک از شرایط لازم برای رهبری، مشروعیت آن از بین می‌رود حضرت امام می‌فرمایند: «فقیه، اگر یک کلمه دروغ بگوید یک قدم بر خلاف بگذارد ولایت ندارد.» و در جایی دیگر تأکید دارند: «فقیه اگر پایش را این‌طور بگذارد، اگر یک گناه صغیره هم بکند از ولایت ساقط است.» در قانون اساسی در سه مورد برکناری رهبری پیش بینی شده است: ۱. ناتوانی از انجام وظایف رهبری؛ ۲. از دست دادن یکی از شرایط رهبری؛ ۳. کشف فقدان یکی از شرایط از آغاز.

در هر یک از این موارد قانون اساسی تشخیص و تصمیم را بر عهده مجلس خبرگان نهاده است. اصل یکصد و یازدهم می‌گوید: «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.»

مجلس خبرگان برای اجرای این اصل دارای کمیسیونی مرکب از یازده نفر عضو اصلی و چهار نفر علی‌البدل است. بستگان نزدیک سببی و نسبی رهبر نمی‌توانند در این کمیسیون عضو باشند. کمیسیون موظف است اطلاعات لازم درباره این اصل را به دست آورده و صحت و سقم گزارش‌های دریافتی بررسی نماید. اگر دو سوم کمیسیون و هیئت رئیسه به تشکیل

اجلاس خبرگان برای رسیدگی و عمل به اصل یکصد و یازدهم رأی دهند اجلاس خبرگان در اولین فرصت تشکیل می شود و پس بررسی های لازم رأی گیری انجام می گیرد.

۳- نظارت بر رهبر: در جامعه اسلامی دو نوع نظارت بر رهبری وجود دارد: ۱- نظارت عامه مردم که در جهت ایفای نقش «النصیحه لائمہ المسلمین» و «امر به معروف و نهی از منکر» انجام می گیرد. ۲- نظارت نهادینه که به وسیله نهاد خاصی اعمال می گردد و پشتوانه حقوقی دارد. در این نظارت صرفاً به ارزیابی وقایع آشکار و موضع گیری های پیدا اکتفا نمی شود بلکه حق تفحص داشته و می تواند از مقام مسئول پاسخ بخواهد.

در نظام اسلامی، رهبری دارای دو مسئولیت «جزایی» و «سیاسی» است. از نظر جزایی تشریفات خاصی برای بررسی اتهامات او در دادگاه وجود ندارد و در اصل یکصد و هفتم قانون اساسی تصریح شده که رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است بنابراین رسیدگی به تخلفات او مانند سایر شهروندان است. در حالی که در برخی کشورها مانند آمریکا رئیس جمهور از نوعی مصونیت قضایی برخوردار است و درباره جرایمی از قبیل، ارتشادادگاه عادی نمی تواند رسیدگی کند، بلکه ابتدا کنگره به موضوع می پردازد و سپس پرونده در مجلس سنا مطرح می شود و برای رأی به محکومیت رئیس جمهور رأی دو سوم سناتورها لازم است. علاوه بر این، در جمهوری اسلامی مجلس خبرگان عهده دار نظارت بر رهبری است که مستفاد از اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی است. تشخیص ناتوانی رهبر از انجام وظایف قانونی خود یا فقدان یکی از شرایط بر عهده مجلس خبرگان است، زیرا خبرگان مسئولیت عزل «رهبر» را بر عهده دارد (نص اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی) پس لازمه آن نظارت بر توانایی رهبری و استمرار شرایط آن است و البته این نظارت در تضاد با ولایت مطلقه نیست.

مجلس خبرگان برای انجام این وظیفه دارای کمیسیون تحقیق است که علاوه بر رسیدگی به گزارش های دریافتی و تحقیق درباره صحت و سُقم آن ها، به تشکیلات اداری رهبری نیز توجه داشته و به آن مقام در جلوگیری از نفوذ و دخالت عناصر نامطلوب در تشکیلات نهاد رهبری مساعدت می نماید.

ب) شبهات مربوط به خبرگان:

۱- سیاست‌زدگی:

یکی از شبهات مطرح از سوی برخی آن است که ترکیب مجلس و عملکرد افراد نشان می‌دهد افرادی خاص از جناحی خاص در آن حاکمیت داشته و بنابراین گرایش‌های سیاسی‌شان بر تصمیماتشان غلبه دارد. این در حالی است که لازمه عضویت در چنین مجلسی نوعی بی‌طرفی و فراجناحی بودن است.

۲- ناکارآمدی:

یکی از محورهای مهم در تخریب چهره مجلس خبرگان، زیر سوال بردن کارآمدی این مجموعه و توانایی اعضای آن است. این نگرش با طرح ادعای عدم برگزاری جلسات مستمر و فاصله طولانی میان نشست‌های مجلس خبرگان، کهولت سن اکثریت اعضا و درگیر بودن با بیماری، مشغله فراوان و چندشغلی بودن اعضای آن نیز سبب شده برخی معتقد باشند که مجلس کنونی خبرگان صلاحیت لازم را برای انجام وظایف قانونی خود ندارد و ما نیازمند بازنگری جدی در روند انتخابات و شاخص‌ها و معیار نمایندگی مجلس خبرگان رهبری هستیم.

۳- عدم استقلال:

یکی از خطوط اصلی شبهاتی که در این سال‌ها مستمر به کار گرفته شده القا این انحراف است که اعضای مجلس خبرگان استقلال لازم برای انجام وظایف قانونی خود را ندارد و اغلب منتخبان و اعضای مجلس از نمایندگان و منصوبان رهبری در امور مختلف هستند و این انتصاب مانع از آن است که بتوانند بر عملکرد رهبری و نهاد‌های زیرمجموعه آن اعمال نظارت کنند. بر اساس همین شبهه این عده اعتقاد دارند شاهد عدم نظارت دقیق بر عملکرد و تصمیم‌گیری‌ها و بیانات رهبری، عدم نظارت بر زیرمجموعه‌های رهبری، عدم شفاف‌سازی و پاسخگویی به ملت و غیرعلنی بودن جلسات مجلس خبرگان هستیم.

۴- دخالت در امور غیرمرتبط:

یکی دیگر از شبهات مطرح شده در مورد عملکرد مجلس خبرگان که

عده‌ای از منتقدان مرتب مطرح می‌کنند این است که این مجلس به جای آنکه به وظایف قانونی خود عمل کند، در سایر امور از جمله در مأموریت‌های سایر قوا دخالت می‌کند.

ج) اعتبارزدایی از خبرگان

اقدامات رسانه‌ای و هجمه‌های صورت‌گرفته علیه مجلس خبرگان با هدف کلیدی اعتبارزدایی دنبال می‌شود. مجلس خبرگان یکی از ارکان مهم مقوم مشروعیت نظام اسلامی است و باید برای حفظ جایگاه و اعتبار خود نزد افکار عمومی تلاش کند. اعتبارزدایی از این مجلس می‌تواند تهدیدی برای نظام اسلامی به حساب آید که در انتخابات اسفندماه ممکن است خود را نشان دهد.

این اعتبارزدایی آنگاه بیش از پیش اهمیت خود را آشکار می‌سازد که این مجلس بنا به اقتضائات پیش آمده در جایگاه و مقام تصمیم‌گیری برای انتخاب رهبر جامعه اسلامی قرار گیرد. مجلس خبرگانی که از وجاهت و اعتبار لازم نزد افکار عمومی برخوردار نباشد، نخواهد توانست در بزنگاه لازم انتخاب مطلوب خود را نیز به عنوان برترین گزینه و ضرورتی برای جامعه اسلامی موجه و اعتبارافزایی نماید. در واقع مقبولیت منتخب مجلس خبرگان متغیر وابسته‌ای است که رابطه مستقیمی با اعتبار مجلس خبرگان رهبری دارد.

د) راهکارهای مواجهه با شبهات

برای مقابله با شبهه‌افکنی و هجمه‌های برشمرده، توجه به نکات زیر می‌تواند راهگشا باشد:

۱- شفاف‌سازی:

پاسخگویی به افکار عمومی یکی از اقدامات مهمی است که متأسفانه در طول سال‌های اخیر موجب شده تا شبهات شبهه‌افکنان در مورد این مجلس تا حدودی کارساز شود. برای خنثی کردن آن باید سازوکاری صحیح برای پاسخگویی در قبال عملکرد مجلس خبرگان طراحی و آن را اجرا کرد. این بد است که حتی توده‌های مردم نمی‌دانند اعضای مجلس خبرگان چند نفرند و دقیقاً چه وظایفی دارند و چطور آن‌ها را پیگیری می‌کنند. همین امر موجب بی‌توجهی افکار عمومی به مجلس خبرگان شده و بستری برای نشستن شبهات در اذهان عمومی فراهم می‌سازد.

۲- ضرورت رسانه‌ای شدن:

یکی دیگر از اقدامات ضروری برای ناکام گذاشتن طرح دشمن، رسانه‌ای کردن و چهره‌سازی اعضای مجلس خبرگان است. مشی اخلاقی و مرام تربیت بزرگان دینی ما همواره بر تواضع، فروتنی، حاشیه‌نشینی و پرهیز از جلوه‌گری و رسانه‌ای شدن بوده است. این مرام هرچند خود عاملی برای اعتبار و مقبولیت ایشان است، از دیگر سو نیازمند آن هستیم که اعضای مجلس خبرگان بیش از پیش در جامعه حضور یافته و افکار عمومی با ویژگی‌ها، توانایی‌ها و تخصص‌هایشان آشنایی بیشتری پیدا کنند.

۳- ضرورت تحول:

بپذیریم همه سؤالاتی که مطرح می‌شود، مطالب ناروا نیست و در میان آن حقایقی وجود دارد که باید برای آن چاره‌اندیشی کرد. انقلاب اسلامی در دهه پنجم خود قرار دارد و زمان برای آسیب‌شناسی دقیق با هدف تحول و ارتقای سطح کارآمدی نهادها و سازمان‌های کشور فرارسیده است. به نظر می‌رسد این نگاه تحولی یکی از ضروریات تاریخی عبور از مرحله سوم انقلاب اسلامی باشد که تشکیل دولت اسلامی است. دوره تحقق دولت اسلامی به طول انجامیده و موانع موجود مانع از تحقق آن شده است که برای انجام این مهم باید با روحیه انقلابی به میدان نقد و بررسی و آسیب‌شناسی وارد شد.

تحلیل و راهها



دکتر مهدی سعیدی

راهبرد مشارکت سیاسی در انتخابات

(چستی مفهومی، رویکرد نظری و راهکارهای عملیاتی سازی مشارکت)

چکیده:

در اصطلاح علوم سیاسی، واژه مشارکت به دخالت مردم و درگیر شدن آنها در سیاست به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، اختیاری یا غیراختیاری، مستقیم و یا غیر مستقیم اطلاق شده است و در تعریف آن گفته‌اند: «مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است.»

اگر بخواهیم اهم موارد سطوح مشارکت سیاسی را برشمیریم، به ترتیب اهمیت، از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح مشارکت سیاسی را در پنج سطح حق رأی مانند شرکت در انتخابات و گزینش مسئولین سیاسی و اجتماعی، حق فعالیت‌های سیاسی و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی، حق نامزدی در جهت پُست‌ها و کرسی‌های سیاسی و فعالیت آزاد انتخاباتی، دخالت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان و تغییرات ساختاری، اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادها و ساختارهای نظام حکومتی می‌توان تعریف نمود.

مشارکت گسترده ملت در انتخابات آنقدر با اهمیت است که رهبر معظم انقلاب با صراحت اعلام می‌دارند: «من بارها گفته‌ام که اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهم‌تر است؛ اگرچه انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد.» (۸۴/۲/۱۷) این تأکید برخاسته از عمق باوری است که معظم‌له به جایگاه مردم در نظام اسلامی داشته‌اند؛ به نحوی که از تعبیر «نظام مردم سالاری دینی» برای حکومت اسلامی یاد می‌کنند. بر همین اساس است که معظم‌له مشارکت را به عنوان یکی از راهبردهای چهارگانه نظام برای انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲ معرفی فرمودند.

نداشتن آگاهی لازم نسبت به اهمیت انتخابات، انگاره عدم تاثیر رای دهی در حل مشکلات، درگیری‌های روزمرگی، نبود فضای رقابتی و... از دلایلی است که موجب کاهش مشارکت می‌گردد.

آگاه‌سازی، اعتمادسازی، رضایت‌مندسازی و هموارسازی اصلی است که می‌تواند بستر ساز مشارکت حداکثری در انتخابات گردد.

در ابتدای امسال بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع مسئولان کشور که از طیف‌های مختلف سیاسی در آن حضور داشتند، از اهمیت انتخابات اسفندماه چنین سخن گفتند: «این انتخابات خیلی مهم است. انتخابات می‌تواند مظهر قوت ملی باشد. اگر انتخابات درست برگزار نشود، ضعف کشور و ضعف ملت را نشان می‌دهد؛ ضعف دولت را، ضعف مسئولین را، ضعف آحاد مردم را و ضعف کشور را نشان می‌دهد. هر چه ما ضعیف بشویم، تهاجم و فشار دشمنان ما بیشتر خواهد شد. اگر می‌خواهید جلوی فشار دشمن گرفته بشود، باید قوی بشویم.

یکی از ابزارهای مهم قوت کشور همین انتخابات است.»

معظم‌له در آن دیدار از مسئولانی که با امر انتخابات مرتبط هستند، خواستند که «از همین حالا راهبرد مشارکت را، راهبرد امنیت انتخابات را، راهبرد سلامت انتخابات را، راهبرد رقابت انتخابات را مشخص کنند؛ (تا) انتخابات خوب سالم با مشارکت بالایی ان شاء الله در آخر سال داشته باشیم.»

در میان راهبردهای چهارگانه فوق بدون شک راهبرد مشارکت در صدر قرار دارد. به واقع مهم‌ترین ملاحظه مورد توجه رهبر معظم انقلاب اسلامی در همه انتخابات‌های جمهوری اسلامی و «در درجه اول، مشارکت بالاست.» (۱۴۰۰/۲/۲۱) مسئله «مشارکت حداکثری» و حضور گسترده ملت در پای صندوق‌های رأی که همواره مورد تأکید ایشان بوده و در این باره اظهار داشته‌اند: «این حرف اول من و مهم‌ترین حرف من در همه دوره‌های انتخابات بوده است، الان هم هست: شرکت همگانی و بانشاط مردم.» (۹۴/۱۰/۳۰) از نگاه ایشان «آنچه که باید به عنوان راهبرد اساسی مورد نظر همه باشد، عبارت است از حضور حداکثری مردم.» (۸۳/۸/۲۴) مشارکت گسترده ملت در انتخابات آنقدر با اهمیت است که معظم‌له با صراحت اعلام می‌دارند: «من بارها گفته‌ام که اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهم‌تر است؛ اگرچه انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد.» (۸۴/۲/۱۷) این تأکید برخاسته از عمق باوری است که معظم‌له به جایگاه مردم در نظام اسلامی داشته‌اند؛ به نحوی که از تعبیر «نظام مردم سالاری دینی» برای حکومت اسلامی یاد می‌کنند.

در نگاه ایشان چنین حضور گسترده‌ای رمز بقا و تداوم انقلاب اسلامی است؛ چرا که جمهوری اسلامی متکی بر رأی و اعتماد به ملت شکل گرفته است. رهبری در آستانه انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲ از تعبیر «معجزه مشارکت» استفاده کرده و در شرح آن می‌فرماید: «اگر حضور پُرشور مردم در انتخابات باشد، این وحدت ملی را نشان می‌دهد، این انگیزه ملت ایران را برای حضور در صحنه نشان می‌دهد؛ انگیزه ملت ایران و وحدت ملی، قدرت ملی به وجود می‌آورد؛ قدرت ملی موجب امنیت کشور می‌شود؛ وقتی کشور امنیت پیدا کرد، آن وقت علم در آن کشور پیشرفت می‌کند، اقتصاد در آن کشور به شکوفایی می‌رسد، مشکلات گوناگون فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در کشور قابل حل می‌شود؛ مشارکت یک چنین معجزه‌ای می‌کند.»

معظم له تلاش دارند تا نتایج مشارکت پرشور را برشمارند و از دیگر سو به نتایج منفی مشارکت ضعیف نیز پردازند تا مشخص شود اگر مردم پای کار نیایند، چه تبعاتی گریبانگیر کشور خواهد شد. لذا در ادامه می‌فرماید: «اگر مشارکت ضعیف باشد، مجلس ضعیف خواهد شد و مجلس ضعیف توانایی کامل برای رفع مشکلات نخواهد داشت. اگر می‌خواهیم مشکلات برطرف بشود، باید مشارکت را بالا ببریم؛ این وظیفه همه است. هر که می‌خواهد مشکلات کشور برطرف بشود، راهش این است.» (۱۴۰۲/۱۰/۲)

از نگاه رهبری «بین کسانی که به نظام معتقدند و کسانی که مخالف نظامند، در حقوق شهروندی تفاوتی نیست.» (۸۰/۶/۱۵) و برای حضور در پای صندوق رأی لازم نیست که اعتقادی خاص یا گرایش سیاسی ویژه‌ای داشته باشی، لذا «هر کس اسلام را دوست دارد، انقلاب را دوست دارد، نظام را دوست دارد، ایران را دوست دارد باید در انتخابات شرکت کند.» (۹۸/۱۱/۲۹)

مبتنی بر همین منطق است که معظم له می‌فرماید: «همه بیایند... آن کسانی که ممکن است نسبت به نظام جمهوری اسلامی هم حثی مسئله داشته باشند، نسبت به امنیت کشور که دیگر مسئله ندارند، نسبت به

اقتدار کشور که دیگر مسئله ندارند. خب، امروز این نظام، امنیت کشور را حفظ کرده است، پیشرفت کشور را تسریع کرده است، به این ملت عزت داده است؛ اینها که دیگر قابل انکار نیست، اینها را که دوست دارند؛ [پس] وارد این میدان بشوند برای عزت بخشیدن به ایران و ایرانی، برای استمرار امنیت ملی، برای تضمین پیشرفتی که بحمدالله از اول انقلاب شروع شده و تا امروزی وقفه پیش رفته؛ برای اینها باید وارد بشوند. همه باید وارد بشوند.» (۹۴/۱۰/۳۰)

چیستی مشارکت سیاسی

«مشارکت» واژه‌ای عربی و بر وزن مفاعله است که در لغت نامه‌های فارسی به معنای شریک شدن، شرکت کردن، انبازی کردن آمده است و از آن به تعیین سود یا زیان دو یا چند نفر که با سرمایه‌های معین در زمان‌های مشخص به بازرگانی پرداخته‌اند، نیز اشاره شده است. در زبان انگلیسی، مشارکت با واژه «Particpate» به معنای شریک شدن و دخالت کردن آمده است.

در اصطلاح علوم سیاسی، واژه مشارکت به دخالت مردم و درگیر شدن آنها در سیاست به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، اختیاری یا غیراختیاری، مستقیم یا غیر مستقیم اطلاق شده است و در تعریف آن گفته‌اند: «مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است.»^۱

در مورد مشارکت سیاسی نویسندگان فرهنگ جامعه‌شناسی، آن را به صورت شرکت در فرآیندهای سیاسی که به‌گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد، تعریف کرده‌اند.^۲

دایره‌المعارف علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را عبارت از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای می‌داند که اعضای يك جامعه در انتخابات حکام به طور مستقیم یا غیرمستقیم و در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند.^۳

«مایرون واینر» در مقاله معروف خود در مورد مشارکت سیاسی با ذکر ده مورد از عملیات مشارکتی، این تعریف را ارائه می‌دهد: «مشارکت سیاسی، هر عمل

۱- نسربین مصفا (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران، نشر وزارت خارجه، تهران، ص. ۹.

۲- نیکلاس آپراکرامی و استفان هیل و برایان اس. ترنر (۱۳۷۷)، فرهنگ جامعه‌شناس، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش، تهران، ص. ۲۸۶.

۳- محبوب شهبازی (۱۳۸۰)، تقدیر مردم سالاری ایرانی، انتشارات روزه، تهران، ص. ۵۹.

داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا سازمان نیافته، مستمر یا غیر مستمر، شامل روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیر انتخاب رهبران، سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است.^۱

بنابراین مشارکت سیاسی، آن دسته از فعالیت‌های شهروندان عادی است که شهروندان از طریق آن درصدد تأثیرگذاری یا حمایت از حکومت و سیاست برمی‌آیند. این تعریف کلی‌تر از غالب تعاریف دیگر است؛ زیرا هم شامل نقش مؤثری می‌شود که مردم برای تأثیرگذاری بر برون داد‌های سیاسی ایفا می‌کنند و هم فعالیت‌های حمایتی و تشریفاتی را در برمی‌گیرد.^۲

«مایکل راش» مشارکت سیاسی را «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می‌داند و آن را با اجتماعی شدن سیاسی مرتبط می‌کند».^۳

با توجه به تعاریف یاد شده باید گفت، اولاً مشارکت سیاسی، فعل و عمل است و تنها با اراده نفسانی محقق نمی‌شود، دیگر آنکه اراده معطوف به تأثیر و نفوذ در نظام سیاسی از کمترین درجه تا درجات بالای تأثیر را شامل می‌شود.

سطوح مشارکت سیاسی

مشارکت مردم در حوزه مسائل سیاسی از سطح واحدی برخوردار نیست و همه افراد به یک میزان در فعالیت‌های سیاسی مشارکت ندارند. لذا مبتنی بر مؤلفه‌های گوناگونی می‌توان میزان مشارکت سیاسی افراد را مورد سنجش و سطح بندی قرار داد.

مشارکت از نظر کمی می‌تواند در سطوح مختلف خرد (فردی)، میانی (سازمانی) و کلان (اجتماعی) انجام پذیرد و از لحاظ کیفیت نیز می‌تواند به سه صورت طبیعی و خودجوش، اجباری و همچنین داوطلبانه و ارادی

۱- سعید کریمی (۱۳۸۲)، رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، بوستان کتاب، قم، ص ۲۰.

۲- استرومیلرث، ویل ساتومل (۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی، ترجمه سیدرحیم ابوالحسنی، نشر میزان، تهران، ص ۱۰.

۳- مایکل راش (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، نشر سمت، تهران، ص ۴۰.

باشد. از نظر انگیزه نیز می‌تواند مبتنی بر یک ضرورت عقلی باشد؛ چرا که اصولاً انسان بالطبع اجتماعی است و طبیعت اجتماع، داشتن رابطه یا نوعی از تعامل و مشارکت است. از این جهت یک حق شهروندی محسوب می‌شود. یا از یک روحیه و احساس تعلق ناشی شود که به تعصبات و پیوستگی‌های ملی و قومی باز می‌گردد. در عین حال می‌تواند بر پایه باورهای دینی و ارزش‌ها و بایسته‌های مذهبی باشد که دو نوع اخیر نوعی تکلیف محسوب می‌شود.

در یک جمع بندی اگر بخواهیم اهم موارد سطوح مشارکت سیاسی را برشمریم، به ترتیب اهمیت، از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح مشارکت سیاسی را در پنج سطح ذکر می‌کنیم:

سطح یک: حق رأی و شرکت در انتخابات و گزینش مسئولین سیاسی و اجتماعی،
سطح دو: حق فعالیت‌های سیاسی و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی،
سطح سه: حق نامزدی در جهت پُست‌ها و کرسی‌های سیاسی و فعالیت آزاد انتخاباتی،

سطح چهار: دخالت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان و تغییرات ساختاری،
سطح پنج: اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادها و ساختارهای نظام حکومتی.

در ارزیابی این سطوح باید گفت، از لحاظ اولویت و اهمیت و نیز میزان تأثیرگذاری سطح پنجم تأثیرگذارترین و پر اهمیت‌ترین سطح است؛ ولی از لحاظ پراکندگی در سطح اول بیشترین میزان مشارکت سیاسی وجود دارد. بنابراین احتمال رخداد سطح پنجم که می‌تواند منجر به تغییر نظام شود در مقایسه با چهار سطح دیگر کمتر است. به بیانی دیگر، می‌توان گفت هرچه میزان فعالیت سیاسی بالا رفته و شدت پذیرد، از میزان مشارکت افراد کاسته می‌شود؛ یعنی میان سطح فعالیت سیاسی و شدت آن با میزان مشارکت سیاسی رابطه‌ای معکوس برقرار است.

در همه سطوح مذکور، وجود برخی صلاحیت‌ها برای افراد جامعه ضروری به نظر می‌رسد. البته هرچه سطح مشارکت و تأثیرگذاری بر سیاست افزایش یابد، باید انتظار داشت که به همان اندازه شاخصه صلاحیت‌ها بالا رفته و بدین معنا جمع کمتری از افراد بتوانند بالفعل در آن سطح از مشارکت نقش آفرین باشند، مگر آنکه قبل از آن صلاحیت‌های لازم را کسب کنند.

برای نمونه، درباره سطح اول از مشارکت می‌توان گفت در بسیاری از کشورهای غربی در نیم قرن اخیر زنان حق رأی پیدا کرده‌اند. در سوئیس تا ۱۹۷۱ و در انگلستان تا ۱۹۷۸ زنان از حق دادن رأی محروم بودند. امروز نیز افراد زیر ۱۸ سال در اغلب کشورهای جهان از دادن رأی محرومند. صلاحیت‌های مذکور در هر نظام سیاسی مبتنی بر دستگاه ایدئولوژیک آن جامعه شکل می‌گیرد. در نظام‌های لیبرالیستی، این آموزه‌های فردگرایانه و کاپیتالیستی لیبرالیسم است که شاخص‌ها را مشخص می‌کند. اما در نظام مردم‌سالاری اسلامی، مکتب اسلام و دستگاه ارزشی آن است که صلاحیت‌ها را تعریف می‌کند. در این نگاه اخلاق و علم مهم‌ترین مؤلفه برای تعیین شاخصه‌های صلاحیت هستند. هرچه میزان اثرگذاری در مشارکت سیاسی بالا رود، به همان اندازه تأکید بر فضایل اخلاقی و توانایی‌های علمی و آگاه به آموزه‌های دینی بالاتر خواهد رفت. نکته اساسی در این میان آن است که وجود شروط برای احراز صلاحیت به معنای وجود نگاه طبقاتی به قدرت و محرومیت بخشی از افراد جامعه از مشارکت سیاسی نیست، چرا که شرایط مشخص شده برای احراز صلاحیت، همگی اکتسابی است و موانع ذاتی برای رسیدن به آن وجود ندارد.

مشارکت سیاسی به مثابه حق، به مثابه تکلیف

یکی از مسائل مهم در بررسی مفهوم مشارکت سیاسی توجه به ماهیت آن در نظام سیاسی اسلام است که می‌توان تفاوت ماهوی آن را با آنچه در اندیشه سیاسی غرب تحت همین عنوان آمده است، آشکار کند و نشان دهد که چگونه مفاهیمی از این قبیل در دستگاه معانی اسلامی ارتقای معنادارند.

در نظام سیاسی اسلام از مشارکت سیاسی به عنوان حق و تکلیف مردم یاد شده است. طبق تعبیری که از بزرگان آمده، انتخاب کردن و رأی دادن هم به عنوان يك حق برای مردم معرفی شده و هم از آن به يك تکلیف شرعی در ردیف دیگر تکالیف شرعی و شاید بالاتر از برخی از تکالیف دیگر یاد شده است.

در نگاه اسلامی منشأ تمامی حقوق خداوند است و اوست که نظام حقوق و تکالیف را برای زندگی بشر تعریف کرده و از طریق فطرت و ارسال شریعت نبوی در اختیار بشریت قرار داده است. یکی از این حقوق، «حق تعیین سرنوشت» است که در نظام سیاسی اسلام به منزله یکی از ارکان مهم شکل‌گیری حکومت اسلامی محوریت دارد. از آنجا که در اسلام رأی و انتخاب ملت در عرصه نصب کارگزاران حکومت اسلامی اعتبار دارد، ملت حق دارند در انتخابات حاضر شده و به نامزد مورد علاقه خود رأی دهد. هیچ‌کس نیز در جایگاهی نیست که بتواند مانع تحقق این حق شود. به واقع آنچه در نظام‌های غربی مبتنی بر منشأیی خیالی چون «قرارداد اجتماعی» شکل گرفته است، در اسلام اساس و بنیانی محکم داشته و مستظهر به آموزه‌های الهی است.

از سوی دیگر مشارکت سیاسی فعال در جامعه که مصادق بارز آن حضور در عرصه انتخابات است، به عنوان یک ضرورت شرعی و تکلیف الهی مورد تأکید قرار گرفته است، چراکه اولاً نظام سیاسی اسلام بدون حضور ملت در صحنه معنا نمی‌یابد و ثانیاً این حضور موجب حفظ و تقویت نظام اسلامی که به فرموده حضرت امام حفظ آن از اهم واجبات است، شده و آن را در برابر تهدیدات مختلف مصون می‌کند.

رهبر معظم انقلاب به این حقیقت چنین اشاره دارند: «... هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانونگذارانشان را در قوه‌ی مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند. این حق مردم است و متعلق به آنهاست؛ اما تکلیف هم هست. این‌طور نیست که یکی بگوید من نمی‌خواهم از این حقم استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته‌ی به احقاق و استنقاذ این حق است؛ این تکلیف است؛ باید همه شرکت کنند.» (۷۸/۱۱/۲۶)

در به‌کارگیری تعبیر تکلیف نکته دیگری نیز نهفته است و آن اینکه عمل به تکلیف مستلزم رعایت چارچوبی است و با رعایت اصول و قواعدی معنا می‌یابد. لذا مکلف باید ضمن آشنایی با الزامات تکلیف مورد نظر، کار را به بهترین نحو به ثمر رساند. در نگاه تکلیف‌مدارانه حضور در انتخابات، فرد باید به اصول دیگری نیز توجه

کند که از آن جمله می‌توان به اصل شایسته‌سالاری و انتخاب‌کاندیدای اصلح اشاره کرد. به این تعبیر رهبری: «همچنان که اصل انتخابات يك تکلیف الهی است، انتخاب اصلح هم يك تکلیف الهی است.» (۷۶/۲/۳۱) به واقع با نگاه تکلیف‌مدارانه به انتخابات، رأی و گزینش ملت با توصیه‌ها و رهنمودهای دینی در مسیری صحیح و کم‌اشتباه قرار گرفته و این «حق انتخاب» باره‌نمودهای الهی بارور شده و به سوی کمال و شایسته‌گزینی سوق می‌یابد.

عوامل مؤثر در کاهش مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی مفهومی تشکیکی است که در هر اجتماعی می‌تواند دچار افزایش و کاهش شود. در این میان عواملی هستند که موجب ترغیب ملت به سوی مشارکت سیاسی شده و برعکس عواملی از انگیزه‌های ملت برای حضور در عرصه‌های مشارکت بکاهد.

به نظر می‌رسد تلاش برای تأثیرگذاری بر سرنوشت سیاسی - اجتماعی موضوعی نیست که برای تبیین ضرورت آن برای انسان امروز باید استدلال کرد. این مسئله آنقدر بدیهی است که شرح اهمیت و ضرورت آن را بیان واضحات و بدیهیات می‌توان دانست، اما با وجود به ظاهر بدیهی بودن این مسئله، باز هم در جامعه شاهد آن هستیم که بخش قابل توجهی از صاحبان حق مشارکت، ترجیح می‌دهند تا از این حقوق خود بهره‌نجنسته و در پای صندوق‌های رأی حاضر نباشند. برای شناخت این موانع بد نیست تا برای این سؤال که «چرا یک شهروند در روز انتخابات به پای صندوق رأی حاضر نمی‌شود؟» پاسخی درخور بیابیم.

۱- اولین سطح از علل حضور نیافتن افراد در پای صندوق‌های رأی؛ نداشتن آگاهی لازم نسبت به اهمیت انتخابات است. هر چند امروز آموزش‌های عمومی و اطلاع‌رسانی رسانه‌های فراگیر، آگاهی و دانش رادر تمامی وسعت جامعه منتشر کرده است، ولی همچنان هستند افرادی که در مواجهه با چرایی عدم حضور در پای صندوق رأی، به ندانستن اهمیت این امر اشاره می‌کنند.

۲- سطح دوم افرادی هستند که هر چند نسبت به اهمیت حضور در

انتخابات آگاهند، ولی رأی و حضور خود را مؤثر نمی‌دانند. کسانی که بین آمدن و نیامدن شان فرقی نمی‌بینند و رأی خود را صاحب تأثیر نمی‌دانند.

۳- بخش دیگری از کسانی که در انتخابات شرکت نمی‌کنند، کسانی هستند که آنقدر در مسائل دیگر زندگی غرق هستند که مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات برای آنها دیگر مسئله نخواهد بود. برای نمونه از فردی که هنوز نتوانسته نیازهای اولیه خود را رفع کرده و غرق در محرومیت و تلاش برای رفع آن است، کمتر می‌توان انتظار داشت که به نیازها و حقوق ثانویه خود همچون مشارکت سیاسی بیندیشد.

۴- علت بخشی از عدم مشارکت‌ها (هرچند محدود) را می‌توان «موانع فیزیکی» دانست که آن را نیز در محاسبات میزان مشارکت‌ها باید توجه کرد. به همراه نداشتن شناسنامه و کارت هویت به دلایل مختلف (مثلا برای افرادی که در سربازخانه‌ها حضور دارند)، مسافرت‌ها، ناتوانی‌های جسمی از جمله کهولت سن و بیماری‌ها، و... نیز هرچند موارد معدودی هستند، اما از عواملی به شمار می‌آیند که نتیجه‌ای جز کاستن از مشارکت نخواهد داشت.

۵- بخش دیگری از افراد به دلیل آنکه فضای انتخابات را فضای رقابتی نمی‌بینند، لذا برای خود حق‌گزینی نیافته و از حضور در پای صندوق‌های رأی صرف نظر می‌کنند. مبتنی بر نگاه این بخش معنای حقیقی انتخابات، برگزیدن از میان گزینه‌های مختلف است و در صورت وجود تنوع و تکثر است که رقابت معنا می‌یابد. این بخش از افراد چون فضای انتخابات را رقابتی ندانسته، حاضر به شرکت در انتخابات نیستند.

۶- دسته دیگری از افراد، اعتماد نداشتن به ساختار انتخابات و سلامت برگزاری آن را بهانه‌ای برای حضور نیافتن خود می‌دانند. این افراد معتقدند در انتخابات امکان تقلب وجود داشته و از درون صندوق کسانی بیرون می‌آیند که نظام سیاسی خواستار انتخاب آنان است. لذا حضور در انتخابات بیهوده بوده و به واقع فرآیند مذکور بیش از آنکه «انتخاب» باشد، «انتصاب» است و به واقع انتخابی صورت نمی‌گیرد!

۷- دسته دیگری غایبان در انتخابات، کسانی هستند که مدعی‌اند، هرکس انتخابات شود نخواهد توانست کاری از پیش برده و بر مشکلات و موانع موجود فائق آید. این نگاه بدبینانه از وجود قدرت برتر پشت پرده‌ای سخن می‌راند که

با تفوق و هژمون خود مانع فعالیت اصلاح مسئولان پایین دستی است، لذا حضور در انتخابات بیهوده بوده و منجر به تغییر و تحول اساسی در کشور نخواهد شد.

۸- ناکارآمدی مسئولان و معضلات اقتصادی - اجتماعی، عامل مؤثر دیگری در حضور نیافتن بخشی از مردم در پای صندوق های رأی است. این افراد که بیشتر از طبقات آسیب پذیر اجتماعند، تلاش دارند تا اعتراض خود را به عملکردها و ناکارآمدی ها در قالب حاضر نشدن در پای صندوق رأی نشان دهند. رفتار این قشر به معنای مخالفت با نظام سیاسی نیست، بلکه صرف وجود مشکلات و فضاهای اقتصادی است که خود را در قالب پرخاشگری هایی، چون عدم حضور در پای صندوق های رأی نشان می دهد.

۹- برخی دیگر حضور نیافتن در انتخابات را از جنس «تحریم انتخابات» دانسته و به دلیل مخالفت و معاندت با نظام سیاسی، و به جهت کاستن از مشروعیت آن، به طور آگاهانه از حضور در پای صندوق های رأی امتناع می کنند. این افراد تحریم را نوع ابزار مبارزاتی بدون خشونت علیه رژیم دانسته و پیام آن را اعتراض به نظام موجود و نامشرع جلوه دادن آن می دانند.

راهبردهای افزایش مشارکت سیاسی

برای ساماندهی به ۹ دسته مختلف طیف غایبان، سه دسته علل را برای عدم حضور ایشان در پای صندوق های رأی می توان در نظر گرفت، که توجه به آنها می تواند رمز عبور از موانع مشارکت حداکثری باشد. این عوامل را می توان به ترتیب چنین برشمرد: ۱- ناآگاهی، ۲- بی اعتمادی، ۳- نارضایتی. ۴- ناتوانی که برای مقابله با آن سیاست آگاه سازی، اعتماد سازی و رضایتمند سازی پیشنهاد می شود:

۱. آگاه سازی

اولین مانعی که موجب می شود تا فرد با بی حوصلگی و تنبلی از حضور در پای صندوق رأی طفره رود، ناآگاهی است. همانطور که گفته شد بخشی از افراد جامعه آنقدر از جایگاه اجتماعی خود بی اطلاعند که

نمی‌دانند تأمین بخش قابل توجهی از حقوق خود با مشارکت در امور سیاسی از جمله انتخابات حاصل می‌شود. گاه فرد اطلاعاتی نیز از این جایگاه دارد، ولی این آگاهی تا آن حد نیست که فرد را به اقدام وادار کند. بیشتر این افراد از اقشار کم سواد جامعه بوده که در مسیر آموزش‌های جامعه‌پذیری سیاسی در مدارس و مراکز آموزشی قرار نگرفته‌اند و در این زمینه نیازمند آگاهی بخشی و آموزش‌اند. راه مساعدت برای حضور چنین افرادی در پای صندوق رأی «آگاه‌سازی» است.

- شرح اهمیت جایگاه مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در نظام تصمیم‌گیری کشور،

- شرح اهمیت حضور و مشارکت حداکثری در پای صندوق‌های رأی،

- شرح میزان تأثیرگذاری رأی تک‌تک افراد در انتخابات مجلس و اینکه گاه یک رأی می‌تواند سرنوشت انتخاباتی را دگرگون کند،

- شرح ابعاد شرعی ضرورت حضور در انتخابات،

- شرح وضعیت حساس کشور در مواجهه با استکبار جهانی در آستانه انتخابات مجلس و نقشی که مشارکت حداکثری می‌تواند در شکست نقشه‌های شوم دشمن داشته باشد،

- تبیین نقش مشارکت حداکثری در افزایش مشروعیت و اقتدار جمهوری اسلامی،
... و

بخشی از آگاهی‌هایی است که می‌تواند در این زمینه سودمند باشد.

داستان آگاه‌سازی نسبت به جایگاه و اهمیت مجلس خبرگان رهبری شاید حتی بیش از مجلس شورای اسلامی باشد. اغلب مردم به درستی نمی‌دانند که مجلس خبرگان رهبری به چه کار می‌آید. فاصله هشت ساله انتخابات این مجلس، در کنار عدم اطلاع‌رسانی مستمر و شفاف از عملکرد موجب شده تا ذهن جامعه از فلسفه وجودی این مجلس خالی باشد و در نتیجه میل به مشارکت در انتخابات این مجلس کاهش یابد. مجلسی که تصمیم‌گیری در مورد مهمترین رکن قدرت در کشور را برعهده دارد و بر جایگاه ولایت فقیه و رهبری نظام اسلامی نظارت دارد و می‌تواند آن جایگاه را عزل و نصب نماید.

وظیفه اصلی آگاه‌سازی در این زمینه بر عهده اصحاب رسانه است که در رأس آن صاحبان منبر و تریبون، مطبوعات، سایت‌های خبری و رسانه ملی قرار دارند، که

انتظار می‌رود با انجام وظیفه قانونی خود در این زمینه مثمر‌تر باشند. همچنین گروه‌های مرجع و تأثیرگذار بر اقبال مختلف جامعه نیز در این زمینه نقش کلیدی و مهمی برعهده دارند.

به فرموده حکیم انقلاب اسلامی «همه کسانی که مخاطبانی دارند، وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. علمای اعلام، اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، صداوسیما، مطبوعاتی‌ها، جوان‌ها، افراد در داخل خانواده، اینها همه می‌توانند منادی انتخابات باشند و مخاطبان خودشان را به انتخابات دعوت کنند؛ آن وقت انتخابات، انتخابات پُرشوری خواهد شد.» (۱۴۰۲/۱۰/۲)

۲. اعتمادسازی

دسته دیگری از افراد جامعه کسانی هستند که نسبت به اهمیت مشارکت سیاسی و حضور در انتخابات آگاهند، اما به دلیل «بی‌اعتمادی» حاضر نیستند در رأی‌گیری شرکت کنند. منشأ این بی‌اعتمادی را می‌توان در تجربیات تلخ فردی، برخی حوادث در انتخابات گذشته و القائات و شبهه‌افکنی‌های دشمنان نظام اسلامی دانست که ذهن افراد را تحت تأثیر قرار داده و اراده آنان برای حضور در انتخابات را سست می‌کند.

تلاش‌های رسانه‌های دشمنان انقلاب اسلامی در قالب طرح ادعای تقلب، رقابتی نبودن، نمایشی بودن، فرمایشی بودن، مهندسی شده بودن آرا و ... از جمله ترفندهایی است که اذهان عمومی را نشانه رفته است. اوج این سناریوی تبلیغاتی را می‌توان در قالب کودتای مخملین سال ۱۳۸۸ مشاهده کرد که چطور ادعای «تقلب» به رمز آشوب فتنه‌گران مبدل شد. اغلب اقبال این دسته را جوانان، دانشجویان و طبقات متوسطی تشکیل می‌دهند که بیشتر در معرض شبهه‌پراکنی رسانه‌های بیگانه و تأثیرپذیری از فضای مجازی قرار دارند و می‌توانند بر دیگر اقبال جامعه نیز تأثیرگذار باشند. لذا مواجهه با این معضل یکی از ضروریات نظام سیاسی است تا مانع شیوع بیماری «بی‌اعتمادی سیاسی» در جامعه شود. در این راستا به ملاحظات زیر می‌توان توجه نمود:

۱. راه مقابله با این معضل، «اعتمادسازی» است. اعتمادسازی هم

از طریق ارائه پاسخ‌های اقناعی و مستدل حاصل می‌آید که این امر بر عهده رسانه‌های عمومی و تریبون‌های مختلف است.

۲. در اعتمادسازی گروه‌های مرجع و تأثیرگذار و ذی‌نفوذ در میان توده‌های ملت از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، چرا که در اغلب مواقع فرد بی‌اعتماد به نظام سیاسی تنها از این گروه‌های مرجع حرف‌شنوی دارد. لذا نقش محوری در اعتمادسازی را در جایی که رسانه ملی و مطبوعات داخلی به دلیل قرار داشتن در درون سیستم، از اعتبارشان نزد مخاطب کاسته شده است، گروه‌های مرجع باید بر عهده بگیرند.

۳. نقش جهاد تبیین در عرصه اعتمادسازی شاید بیش از دیگر عوامل موثر در افزایش مشارکت موثر خواهد بود. باید تلاش شود تا سوالات و ابهاماتی که موجب بی‌اعتمادی اذهان عمومی شده احصاء شده و برای آن پاسخ‌های درخوری متناسب با شرایط ذهنی مخاطب ارائه گردد.

۴. همچنین برای مقابله با رسانه‌های شبهه‌افکن بیگانه نیز باید چاره‌ای اندیشید و ضمن مقابله سخت‌افزارانه با آنها، ابعاد پشت پرده و اغراض منفعت‌طلبانه آنها را برای مخاطبان واکاوی کرد.

۵. برای اعتمادسازی، نهادهای قانونی متولی برگزاری انتخابات باید ضمن شفاف‌سازی در حوزه عملکردی و پاسخگویی به شبهات احتمالی مطروحه، با حساسیت کامل از هر اقدامی که به ترویج شایعات بالاخص در آستانه انتخابات کمک می‌رساند، پرهیز کنند.

به عنوان نمونه یکی از مهمترین مواقف ایجاد شبهه و ایجاد بی‌اعتمادی در فرآیند انتخابات، آنجایی است که برخی از نامزدهای انتخاباتی تایید صلاحیت نمی‌شوند. شورای نگهبان دلایل رد صلاحیت را به افراد اعلام می‌کند، اما به دلیل رعایت اصول اخلاقی، شرعی و قانونی در سطح افکار عمومی اطلاع‌رسانی نمی‌کند! همین محدودیت موجب شده تا برخی از فرصت‌طلبان، طلبکارانه مدعی برخورد جناحی شورای نگهبان شوند. در حالی که اگر شورای نگهبان دلایل رد صلاحیت شان را اعلام کند، افکار عمومی به حقیقت موضوع پی خواهد برد! در این ماجرا بنظر می‌رسد که شاید خوب باشد شورای نگهبان با بررسی همه ابعاد مساله تجدید نظری در این رویه داشته و در برخی موارد، دلایل رد صلاحیت افراد را اعلام عمومی نماید تا فرصت برای تخریب از بین برود. بدون شک ایجاد چنین شفافیتی

در روند بررسی صلاحیت‌ها موجب خواهد شد تا روند اعتماد بخشی تسریع گردد.

۶. رقابتی کردن صحنه انتخابات و وجود نامزدهای متعدد با گرایش‌های سیاسی متنوع، خود عاملی است که موجب افزایش اعتماد افکار عمومی به واقعی بودن انتخابات است و حکایت از این دارد که انتخاب مردم حائز اهمیت است و امکان انتخاب برای آنها وجود دارد.

۷. فراموش نباید کرد بی‌اعتمادی، فرآیندی دفعی نیست که یکباره بوجود آمده باشد، بلکه فرآیندی طولانی است که به تدریج و گام به گام حاصل شده است که گاه به بهانه یک رخداد سر باز می‌زند! لذا رفع آن و جلب اعتماد افراد نیز زمان‌بر و تدریجی خواهد بود.

۸. بی‌اعتمادی حالتی روحی - روانی است که با عواطف و احساسات و هیجانات نیز در آمیخته است. لذا راه درمان آن تنها استدلال و اقناع نیست. لذا همدلی و هم‌زبانی و عطوفت و مهربانی می‌تواند در متقاعد سازی افراد نقش کلیدی داشته باشد.

۳. رضایت‌مندسازی

بخش اصلی از میان کسانی که در روز انتخابات به پای صندوق‌های رأی نمی‌آیند، آنهایی نیستند که بی‌اطلاع بوده یا تحت تأثیر القانات بی‌اعتماد شده باشند؛ بلکه کسانی هستند که به دلیل مشکلات متنوع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که وجود بخشی از آن طبیعی و بخشی دیگر حاصل سوء مدیریت‌هاست، حاضر نیستند به پای صندوق‌های رأی روند. فشارهای اقتصادی اعم از گرانی و تورم و عدم ثبات قیمت‌ها، بوروکراسی تنبل و اذیت‌کننده ادارات، وجود بیکاری، شکل‌گیری فسادهای اقتصادی و معضلاتی این‌چنینی آنان را در صف عدم رأی دهندگان قرار داده است.

۱. برای کسب رضایت این افراد و رفع کدورت‌های ایجاد شده، بیش از هر کس مسئولان و دستگاه‌های اجرایی وظیفه دارند که با اصلاح رفتار و ارائه پاسخ و عذرخواهی از سوء مدیریت‌ها و تلاش برای جبران کاستی‌ها برای کسب رضایت تلاش کنند.

۲. معتمدان ملت و کارشناسان متخصص وظیفه دارند تا با توجیه این بخش از جامعه، این مهم را برای افراد جا بیندازند که اتفاقاً راه حل صحیح حل معضلات موجود مشارکت سیاسی و تلاش برای انتخاب کاندیدای اصلح و کنار گذاشتن ناکارآمدان است نه قهر با صندوق های رأی!

۳. در کنار راهکارهای اصلی، برخی اقدامات مقطعی نیز می تواند به بهبود رضایت عمومی در آستانه برگزاری انتخابات ها کمک کند:

- تبلیغات مؤثر نامزدهای انتخاباتی و توجه ایشان به نیازهای اصلی جامعه، و داشتن برنامه های برای حل مشکلات کشور

- پرهیز از سیاه نمایی و امیدوار کردن ملت به حل مشکلات،

- پاسخگو بودن نمایندگان کنونی مردم و ارائه گزارش کار از آنچه مجلس یازدهم انجام داده است.

- پاسخ به این سوال که مجلس یازدهم چه کرده است؟ و به نفع مردم و برای حل مشکلات کشور چه مصوباتی داشته است؟ که این مهم وظیفه رسانه های اثرگذار اعم از رسانه ملی، مطبوعات و فضای مجازی است.

- کنار گذاشتن اختلافات بین مسئولان و قوای سه گانه که موجب تشویش اذهان عمومی و نابسامانی در بازار می شود،

- پرهیز از تصویب و اجرای قوانینی که در آستانه انتخابات می تواند موجب افزایش فشار بر توده های ملت شود،

- کنترل و ایجاد ثبات در اقتصاد در آستانه انتخابات، و جلوگیری از شکل گیری هرگونه شک به بازار که می تواند موجب نوسانات غیرعادی باشد و افکار عمومی را بیازارد.

- اتمام و راه اندازی پروژه هایی که می تواند موجب افزایش خدمات عمومی شود.

- و... نمونه ای از این قبیل اقدامات است.

۴. هموارسازی

یکی از عوامل کاهش مشارکت، موانعی است که گاه می تواند از رسیدن رای مردم به صندوق رای جلوگیری به عمل آورد. عواملی که باید برای مرتفع کردن آنان چاره اندیشی نمود.

۱. بخشی از رای دهندگان به خاطر برخی بیماری ها و محدودیت های جسمی،

ناتوان از حضور در پای صندوق رای هستند. برای این قشری در قانون فعال سازی صندوق های سیار دیده شده است که باید در این زمینه هم اطلاع رسانی کافی صورت گیرد و هم امر دسترسی به این صندوق ها هموار گردد. متاسفانه در ادوار گذشته موارد متعددی وجود دارد که اغلب مردم از این موارد ناآگاهند، و یا آنکه با تماس های مکرر، واحدهای سیار برای رای گیری نیامده اند!

۲. از طرفی برخی به دلیل حضور در خدمت سربازی، مناطق دور دست مرزی، مناطق دریایی و کشتی های تجاری و نظامی، زندان، و هر جایی که دسترسی به صندوق رای وجود ندارد، امکان مشارکت ندارند. برای رای گیری از این افراد نیز باید تدبیر نمود و تمهیداتی فراهم نمود.

۳. برخی دیگر فاقد مدارک لازم برای رای دادن هستند و به هر دلیل دسترسی به مدارک لازم ندارند. این امر می تواند برای مسافران و همه آنها که دور از خانه هستند معضلی جدی باشد. برای حل این مشکل طبق تدبیری که در این دوره از انتخابات شده، با کارت ملی، گواهینامه، کارت پایان خدمت و گذرنامه هم می توان در انتخابات شرکت کرد. این امر می تواند کمک موثری در رای دادن افرادی باشد که به مدارک خود دسترسی ندارند.

۴. برخی دیگر حوصله و تحمل صفوف طولانی رای گیری را ندارند و آنقدر در رای دادن جدی نیستند که حوصله داشته باشند تا ساعاتی از روز تعطیل خود را پای صندوق رای بگذرانند، لذا به سادگی از حضور در انتخابات منصرف می شوند. نکته قابل تامل آنکه دو انتخابات با هم همزمان شده است (برخلاف دوره گذشته در سال ۱۳۹۸ که تنها یک انتخابات بود)، افراد زمانی بیشتری را برای رای دادن باید اختصاص دهند و این امر موجب افزایش ترافیک در پای صندوق رای خواهد شد. به این موضوع بیفزاییم که در انتخابات مجلس شورای اسلامی باید از میان دهها یا صدها نامزد انتخاباتی (که این آمار در شهرهای بزرگ بیشتر نیز هست) نام فرد مورد نظر را پیدا کرد و بر روی برگه رای نشود که واقعا کار سخت و آزار دهنده ای محسوب می گردد (برخلاف انتخابات ریاست

جمهوری که نام فرد از قبل تعیین شده و غیرمشابه نوشته می‌شود) این وضعیت در مورد انتخابات مجلس خبرگان رهبری نیز در سطح ضعیف‌تری وجود دارد. برای حل این معضل باید تلاش نمود تا:

اولاً در نقاط پر جمعیت معضل کمبود صندوق رای را مرتفع نمود. در این دوره از انتخابات اقداماتی در این راستا انجام شده است. معاون سیاسی وزارت کشور اعلام داشته در انتخابات امسال چهار هزار شعبه بیشتر از گذشته در نظر گرفتیم تا سهولت در امر رأی‌گیری صورت بگیرد. ستاد انتخابات کشور ۶۵ هزار شعبه اخذ رای در کل کشور پیش‌بینی کرده است. قرار است شعب اخذ رأی، در بوستان‌ها، پارک‌ها، بیمارستان‌ها، پادگان‌ها و کارخانجات هم فعال شود. در هر شعبه اخذ رای، دو صندوق وجود دارد که صندوق درب قرمز مختص مجلس خبرگان و صندوق درب آبی مختص انتخابات مجلس است.

۱۲۱۸ هیأت‌اجرائی و ۲۰۸ حوزه انتخابی اصلی در سراسر کشور وجود دارد و ۷۵۰ هزار نفر در فرایند اجرای انتخابات با وزارت کشور همکاری می‌کنند. در ادوار گذشته، ضرب‌مهر در شناسنامه برای انتخابات الزامی بود و رأی‌دهنده حتماً باید شناسنامه خود را به حوزه اخذ رای ارائه می‌داد؛ اما در انتخابات مجلس دوازدهم این الزام حذف شده است. امسال برگه رأی انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، تجمیع و در یک برگه ادغام شده است. رأی‌دهنده یک برگه تعرفه دریافت می‌کنند که از وسط قابل جدا شدن است. انتهای تعرفه مربوط به انتخابات خبرگان و قسمت بالا مربوط به مجلس شورای اسلامی است.

ثانیاً؛ زمان انتخابات بالاخص در ساعت پایانی به اندازه کافی تمدید گردد و از همه آنهایی که خود را به پای صندوق رای رسانده‌اند، رای اخذ گردد. و حتی مطالعاتی صورت گیرد که آیا امکان برگزاری انتخابات در شهرهای بزرگ دو روز هم ممکن است یا خیر؟

ثالثاً؛ باید توجه داشت زیست فردی و اجتماعی ایرانیان نیز دچار تغییرات اساسی شده و به موازات تحولات جهانی و تحول و وسایل ارتباطی، جامعه جدید و شهروندان نوینی شکل گرفته‌اند؛ جامعه شبکه‌ای شده و شهروندان دیجیتال شده‌اند. شهروندان امروزی عمده امور روزمره خود را با برنامه‌هایی چون اسنپ، دیجی کالا، همراه بانک و... انجام می‌دهند. حال سؤال این است که چگونه

این شهروندان دیجیتال را می‌توان در روز رأی دهی به صورت فیزیکی و حضوری به پای صندوق‌های رأی برد؟ مردمی که عادت کرده‌اند امور روزمره خود را با فشردن صفحه تلفن همراه خود انجام دهند، چگونه می‌توان به صورت حضوری و آدار به مشارکت در انتخابات کرد؟ به واقع ممکن است بخشی از مردم بخواهند در انتخابات شرکت کنند اما دیگر مانند دوران گذشته حوصله قرار گرفتن در صف رأی دهی را نداشته باشند. بنابراین، باید شیوه رأی‌گیری هم تغییر کند.

ابزارهای انجام امور روزمره شهروندان تغییر کرده و رأی دهی هم نمی‌تواند از این تغییر مصون بماند. لذا یکی از راه‌های تسهیل در امر رأی دهی، غیرحضوری و اینترنتی کردن رأی دادن است. مکانیزمی که با توجه به پیشرفت‌های فضای سایبری در بخشی از کشورهای دنیا محقق شده است.

در این میان شرایط لازم برای تحقق این امر طراحی و آماده سازی زیرساخت‌ها و مقدمات نرم‌افزارانه‌ای است که این امر را ممکن می‌سازد. در این میان مهمترین مساله تامین و تضمین امنیت و سلامت آن است که نیازمند پرتکل‌هایی اطمینان بخش است. لذا باید ابتدا تلاش شود تا در این زمینه وفاق و اعتماد عمومی شکل گیرد. مادامی که این اتفاق نیفتد، تلاش در این زمینه بی نتیجه خواهد بود. فراموش نکنیم جریان‌های سیاسی که رأی‌های فیزیکی پای صندوق‌هایی را بی اعتبار می‌خوانند و پس از شکست، ادعای تقلب می‌کند، آیا در صورت ناکامی حاضر خواهد بود که نتیجه انتخابات اینترنتی را بپذیرد؟! با این توضیح تحقق چنین راهکاری به انتخابات ۱۴۰۲ خواهد رسید.

ملاحظات پایانی

در سطوح راهبردی نگاهی به مساله افزایش مشارکت داشتیم. در این میان مواردی را هم به عنوان تکنیک می‌توان مورد توجه قرار داد.

۱. توجه به رأی‌های اولیه در انتخابات عاملی است که می‌تواند عاملی برای افزایش مشارکت به حساب آید. تمایل به ثبت اولین تجربه سیاسی و حضور رأی اولین بار در پای صندوق‌های رأی، کافی است تا موتور محرکی

برای مشارکت در انتخابات باشد. در این میان ممکن است عواملی ذهنی که اغلب محصول عملیات روانی دشمن در ایجاد یاس و ناامیدی و بی‌انگیزگی و ... است موثر بوده و آنها را از درک این اولین تجربه منصرف کرده باشد که این حالت چندان قوام ندارد و با سخنرانی‌های انگیزشی می‌توان آنها را ترغیب به شرکت در انتخابات نمود.

۲. نکته دیگر آنکه باید توجه داشت که کسی را که تمایل به شرکت در انتخابات ندارد دعوت به مشارکت می‌کنند نه دعوت به رای دادن به فردی خاص. چرا که دعوت به فردی خاص گاه ممکن است که خود مانعی برای مشارکت باشد. فرد را دعوت به حضور در انتخابات باید کرد تا از سبب گسترده نامزدها، به هر کس دوست دارد رای دهد.

۳. ملاحظه دیگر، تلاش برای به اشتراک گذاشتن تجربیات مختلف در دعوت مردم به مشارکت است. بدون شک افراد مختلف در مسیر دعوت دیگران به مشارکت از شگردها و استدلال‌هایی بهره می‌گیرند که برخی از آنها نتیجه بخش است. چه خوب که این شگردها به اشتراک گذاشته شود تا دیگران نیز از آن بهرمنند شوند و در مواجهه با آنهایی که تردید دارند بکار ببرند.

۴. ملاحظه دیگر توجه به ملاحظات انتخابات مجلس شورای اسلامی است که به شدت متاثر از مسایل منطقه‌ای است. لذا راهکارهای دعوت مردم به مشارکت نیز متاثر از این شرایط است. شاید راهکاری برای یک حوزه انتخابیه مفید باشد، اما همان راهکار برای حوزه انتخاباتی دیگری بکار نیاید.

۵. برای ایجاد مشارکت، گام اول و موثر مخاطب شناسی است. بدون شناخت درست از مخاطب نمی‌توان از تاثیرگذاری بر آن سخن گفت. در این فرآیند حداقل در مورد دو چیز باید آگاه بود:

اول آنکه مخاطب چه اعتقاداتی دارد و دستگاه ارزشی او چگونه شکل گرفته است و چه پیش فرض‌هایی را در حوزه سیاست قبول دارد. بدون شک برای اقناع سازی کسی که فردی متشرع است و مبانی مذهبی دارد، باید از مسیری رفت و کسی که متشرع نیست مسیری. برای قانع کردن کسی که انقلاب را قبول دارد و کسی که ضد انقلاب است باید با دو منطق استدلال کرد.

دوم آنکه معلوم گردد آنکه پای صندوق رای نمی‌آید، ناآگاه است، یا بی‌اعتماد، یا

آنکه از عملکردهای ناراضی است، که برای مواجهه با هر کدام از آنها باید مسیر استدلالی متفاوتی را طی نمود. بی توجهی به این تفاوت‌ها، تلاش ما برای اقتاع سازی را کم اثر خواهد کرد. شاید بهترین راه برای دستیابی به این اطلاعات، پرسیدن این سوال از مخاطب باشد که چرا ترجیح می‌دهد در انتخابات شرکت نماید. و دادن فرصتی به وی که دلایل خود را بازشمارد و ماگوش شنوایی برای شنیدن درد دل‌های آنها باشیم. آنگاه خواهیم توانست با شناخت دقیق‌تری به ارائه پاسخ بپردازیم.

۶. دگرگونی شرایطی زیستی جامعه، تغییراتی را در گروه‌های مرجع ایجاد کرده است. بخشی از گروه‌های مرجع سنتی که پیش از این معتبرترین‌ها در جامعه به حساب می‌آمدند، دچار کاهش اعتبار شده و گروه‌های مرجع جدید، پدید آمده‌اند که بر بخش عمده‌ای از جامعه بالاخص نسل جوان اثرگذارند. مثال برجسته این مراجع نوظهور، سلبریتی‌ها هستند که به واسطه رسانه‌های نوین روز به روز بر طیف مخاطب بیشتری سیطره فکری - ذهنی دارند.

بنظر می‌رسد برای رسیدن به مشارکت نیازمند تعامل با سلبریتی‌ها و مدیریت و مهار آنان است. بدون شک دشمن نیز برای به خدمت گرفتن آنان برنامه دارد و رهاسازی آنان در انتخابات می‌تواند بستر را برای بهره برداری دشمن علیه انتخابات فراهم آورد. از آن سو بکارگیری سلبریتی‌های ورزشی و هنری می‌تواند کمک کار افزایش مشارکت و عاملی برای ترغیب مردم گردد.

۷. موفقیت‌های ملی نیز عاملی برای افزایش مشارکت سیاسی است. بدون شک هر موفقیتی که بتواند حال جامعه را بهتر از دیروز کند می‌تواند بستر را برای مشارکت بیشتر مردم فراهم آورد. در این میان مسابقه بزرگی چون جام ملت‌های آسیا که در طول ۴۸ سال گذشته ایران نتوانسته است به جام قهرمانی آن دست یابد، می‌تواند عاملی برای ایجاد شور و نشاط در جامعه گردد. مسابقاتی که آغاز شده است و چشم‌های بخش زیادی از فوتبال دوستان کشورمان که جمع کثیری هستند را به خود خیره کرده است.



تحلیل و دیدگاه



دکتر مصطفی قربانی

اهمیت انتخابات در ایران

بانگاهی به انتخابات اسفند ۱۴۰۲

انتخابات عرصه‌ای است که در آن دیدگاه‌های مختلف برای اداره کشور، خود را در معرض رقابت و انتخاب شدن توسط مردم قرار می‌دهند. در واقع، مرکز ثقل در انتخابات این مسأله است که از نظر مردم کدام دیدگاه، فرد یا جریانی بهتر می‌تواند کشور را اداره کند و بر میزان کارآمدی نظام بیفزاید. بر همین اساس، نخبگان و جریان‌های سیاسی معمولاً در هر انتخاباتی می‌کوشند تا بهترین برنامه‌ها را به افکار عمومی عرضه کنند. از این جهت، انتخابات به عنوان عاملی برای توسعه و تقویت کارآمدی و پویایی نظام به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، بواسطه گردش نخبگان در انتخابات، روند اداره کشور و نظم و نسق امور از رکود، ایستایی و عدم پویایی رهایی می‌یابد. در واقع، دیدگاه‌ها و نخبگان متعددی در کشور وجود دارد که هر یک دارای نقاط قوت و ظرفیت‌هایی است که ممکن است دیگران و یا رقبای آن بی‌بهره باشند. همچنین معمولاً امکان استفاده از همه ظرفیت‌های این نخبگان در یک برهه از زمان وجود ندارد. از این رو، انتخابات سازوکاری است که امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های متعدد همه نخبگان و نیروهای سیاسی جامعه را در برهه‌های مختلف فراهم می‌کند.

در واقع، هدف اصلی در انتخابات، ارتقای کارآمدی و اداره بهینه کشور است. بنابراین، میان انتخابات و حل مشکلات، بویژه در حوزه مسائل روزمره همچون اقتصاد و معیشت، نسبتی مستقیم وجود دارد: هر چه انتخابات به روی کار آمدن افراد و نخبگان شایسته‌تر، کارآمدتر، پویاتر، پرتحرک‌تر و چالاک‌تر منتج شود، افق موجود برای حل مشکلات، روشن‌تر و امیدبخش‌تر خواهد بود.

این ارتباط، بویژه بر این اساس که ناکارآمدی‌ها و ضعف‌های موجود مربوط به مدیران ناکارآمد و فاقد تحرک دوره‌های گذشته است، اهمیت فراوان دارد. در واقع، اگرچه در نگاه اول ممکن است میان انتخابات و

مسئله معیشت ارتباطی برقرار نباشد، اما در اصل، انتخابات به عنوان زمینه‌ساز چرخش نخبگان و مدیران، نقش مهمی در مسئله معیشت دارد؛ زیرا کیفیت اداره اقتصاد و معیشت در کشور تا حد زیادی به لیاقت و ظرفیت‌های مدیران و نخبگانی بستگی دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم برآمده از انتخابات هستند. به بیان دیگر، بخش مهمی از حل مسائل معیشتی وابسته به کیفی‌تر شدن انتخابات و برآمدن نخبگان توانمند و شایسته از این مسیر است.

بر این اساس، می‌توان اهمیت انتخابات پیش‌روی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری را بیش از پیش دانست؛ زیرا با توجه به شدت و دامنه مشکلات اقتصادی - معیشتی در کشور و همچنین، وضعیت روابط خارجی کشور، انتخابات می‌تواند محرکی برای حل این مشکلات و تقویت مواضع نظام در پرونده‌های مختلف سیاست و روابط خارجی به‌ویژه در ارتباط با رفع تحریم‌های ضدایرانی باشد. بنابراین، انتخابات و نتیجه آن می‌تواند در تداوم روند پیشرفت کشور و تقویت مؤلفه‌های قدرت نظام، به‌ویژه از نقطه نظر خلق و تقویت سرمایه اجتماعی، اثرگذار باشد. در متن حاضر، تلاش می‌شود تا ضمن تشریح اهمیت انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران، اهمیت انتخابات پیش‌رو با تفصیل بیشتری مورد واکاوی قرار گیرد.

۱. اهمیت انتخابات

انتخابات از جمله عرصه‌های حساس و سرنوشت‌ساز در کشور است که از ابعاد و جهت‌های مختلف حائز اهمیت و توجه است. در واقع، انتخابات به واسطه دارا بودن کارکردهای سیاسی، امنیتی، اجتماعی و حتی اقتصادی دارای اهمیت اساسی است و به همین دلیل مورد توجه دشمنان نیز می‌باشد. مهمترین موارد اهمیت و ضرورت انتخابات در نظام جمهوری اسلامی به شرح زیر است:

۱-۱. انتخابات هم حق است هم تکلیف

ملازمت حق و تکلیف یک قانون عام است؛ یعنی هر جا حقی وجود داشته باشد، ملازم با آن، تکلیفی نیز وجود دارد و برعکس. به عنوان مثال، آنگاه که گفته می‌شود پدر بر فرزند خود حق دارد، در همان حال نسبت به فرزندش نیز تکلیفی دارد؛ یعنی اینگونه نیست که پدر صرفاً بر فرزند خود حق داشته باشد و در مقابل هیچ تکلیفی نسبت به فرزندش نداشته باشد. پس هر حقی همراه با تکلیفی است و برعکس.

بنابراین نمی‌توان مدعی شد که چون اموری مانند انتخابات حق مردم است، آنها می‌توانند از این حق خود چشم‌پوشی کنند و یا این که مدعی شد که چون تکلیف مردم است، پس آنها مجبور به شرکت در انتخابات و رأی دادن هستند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«... هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانونگذارانشان را در قوه‌ی مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند. این حق مردم است و متعلق به آنهاست؛ اما تکلیف هم هست. این طور نیست که یکی بگوید من نمی‌خواهم از این حق استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته‌ی به احقاق و استنفاذ این حق است؛ این تکلیف است؛ باید همه شرکت کنند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶).

بر این اساس، انتخابات حق مردم است؛ زیرا بر اساس قانون اساسی (اصل ۵۶) و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، مردم در کنار حقوقی که در زمینه‌های طبیعی، عمومی و... برخوردارند، در عرصه سیاست نیز از «حق تعیین سرنوشت خود و انتخاب افراد مورد نظرشان برای تصدی امور» برخوردارند. از سوی دیگر، حضور در انتخابات و رأی دادن تکلیفی برای مردم است؛ زیرا بنا به مبانی مذکور، اداره جامعه و پیشبرد امور بدون حضور، حمایت و دخالت مردم میسر نیست. بر همین اساس، با توجه به مسائل پیش روی نظام اسلامی و وقوف به اینکه دشمنان همواره درصدد جدا کردن مردم از نظام اسلامی هستند و از سویی، انتخابات بزنگاهی است که بتوان این نقشه و سایر نقشه‌های دشمن را خنثی کرد و به نوعی در مسائل پیش‌رو به مسئولان امر قوت قلب و انگیزه مضاعف بدهیم، شرکت در انتخابات و رأی دادن یک وظیفه خطیر ملی و اسلامی برای تک تک آحاد ملت است.

با توجه به آنچه گفته شد، آنگاه که گفته می‌شود شرکت در انتخابات تکلیف است، منظور این نیست که می‌توان به اجبار مردم را وادار به

حضور در انتخابات کرد، بلکه براساس جایگاه مردم در نظام اسلامی و احساس تعهدی که آنها نسبت به سرنوشت خود و جامعه دارند، برای آنها یک تکلیف است و مسلم است که جنس این تکلیف، نوعی تعهد درونی و اخلاقی برای نقش آفرینی است. کماینکه در بلژیک، برزیل، آرژانتین، استرالیا و سوئیس شرکت در انتخابات اجباری بوده، به گونه‌ای که حتی برخی از این کشورها، بابت شرکت نکردن افراد در انتخابات آنها جریمه می‌کنند، اما در جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه چنین رویه‌ای وجود نداشته است.

۲-۱. انتخابات ملاکی برای مشروعیت نظام

انتخابات علاوه بر اینکه تجلی بخش بُعد مردمی مشروعیت نظام است، به عنوان روش و شیوه‌ای جهت کارآمدسازی هرچه بیشتر نظام نیز مورد توجه است و در واقع، از طریق تأثیر بر کارآمدی نظام، بر مشروعیت آن تأثیرگذار است. به بیان دیگر، از آنجا که نظام اسلامی، «متکی به ایمان‌ها و عواطف و علائق مردم» است، انتخابات به عنوان تجلی بخش این عواطف و علائق، جایگاه برجسته‌ای دارد.

۳-۱. تجلی مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی به عنوان حکومتی که با رأی و نظر مردم تشکیل، قوام و دوام می‌یابد، نیازمند حضور مستمر مردم در عرصه‌های تعیین سرنوشت، تعیین زمامداران و... است. در واقع، انتخابات یکی از مکانیسم‌هایی است که مردم‌سالاری دینی در آن متجلی می‌شود. به تعبیر مقام معظم رهبری، «انتخابات، مظهر کامل حضور و انتخاب مردم است. مردم با حضور خودشان در صحنه انتخابات... مردم‌سالاری واقعی را در این کشور شکل می‌دهند؛ این خیلی مهم است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۴/۰۶/۱۸). به بیان دیگر، انتخابات مظهر و تجلی «ایمان و اعتقاد به مردم» به عنوان یکی از ارکان مردم‌سالاری دینی است. در این زمینه، مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«انتخابات... مظهر خداواری است، چون تکلیف است. وظیفه ما است، تکلیف ما است که در سرنوشت کشور دخالت کنیم؛ تک تک احاد ملت این تکلیف را دارند. مظهر مردم‌باوری است، چون انتخابات مظهر اراده احاد مردم است؛ مردمند که مسئولان کشور را به این وسیله انتخاب می‌کنند و مظهر خودباوری است، چون

هر کسی که رأی در صندوق می‌اندازد، احساس می‌کند که به سهم خود در سرنوشت کشور دخالت کرده است، به سهم خود تعیین کرده است؛ این خیلی چیز مهمی است. پس انتخابات هم مظهر خدا باوری است، هم مظهر مردم باوری است، هم مظهر خود باوری است» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۴/۳/۱۳۹۲).

در توضیح باید گفت که در نظام مردم سالاری دینی، با همراهی و حمایت مردم است که تحقق افق‌های مورد نظر نظام میسر می‌شود و انتخابات در این زمینه متغیر اصلی تعیین‌کننده است.

۱-۴. انتخابات خنثی‌کننده دوقطبی سازی‌های مخرب

از مهمترین ترفندهای دشمن در هر انتخاباتی، ایجاد دوگانه‌های کاذب میان مردم و نظام است تا میان این دو شکاف ایجاد کرده و بتواند ضربه خود را بر پیکر نظام وارد سازد. انتخابات عرصه‌ای است که باتوجه به تجلی همبستگی، انسجام و وحدت ملی در آن و تجدید عهد و بیعت مردم با نظام، این نقشه دشمن خنثی می‌شود.

در واقع، از آنجاکه تمام کسانی که در انتخابات شرکت می‌کنند در درجه اول به نظام اسلامی رأی می‌دهند، حضور آنها در انتخابات، اعلام همبستگی و جدایی‌ناپذیری با نظام است و همین امر خنثی‌کننده نقشه‌های شوم دشمن است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند:

«یکی از هدف‌های دائمی جبهه دشمن - که در رأسش هم آمریکا است - از اول انقلاب تا امروز این بوده است که یک دوقطبی خطرناک بین مردم و نظام به وجود بیاورد؛ درست عکس آن چیزی که جمهوری اسلامی بر اساس آن بنا شده است؛ یعنی آمیختگی کامل نظام با مردم. آنها خواسته اند این شکاف را به وجود بیاورند؛ البته موفق نشده‌اند. انتخابات از جمله مواردی است که دشمن را در این عرصه مأیوس می‌کند؛ یعنی نشان دهنده ارتباط مستحکم نظام با مردم است و این دوقطبی مورد علاقه دشمن را بکلی از بین می‌برد. به این اعتبار، انتخابات مصداق «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ» است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۹/۱۱/۱۳۹۴).

۵-۱. انتخابات عاملی برای تأمین امنیت پایدار

همانگونه که در بالا اشاره شد، در روند انتخابات از آنجا که آحاد مردم و اصطلاحاً «بدنه اجتماعی» با مرکزیت نظام بخوبی پیوند برقرار می‌کند، مجاری ارتباطی مردم و مسئولان تسهیل شده و از ایحاد فاصله و شکاف میان آنها جلوگیری می‌شود. این موضوع علاوه بر اینکه در ایجاد حس برابری و رضایت در مردم تأثیرگذار است، سبب می‌شود که آنها حکومت را از خود بدانند و آماده فداکاری و جانفشانی برای آن باشند. در واقع، از این طریق حیات و موجودیت نظام سیاسی با حیات و موجودیت مردم مرتبط می‌شود و بنابراین، امنیتی پایدار و خلل‌ناپذیر شکل می‌گیرد.

به تعبیر دیگر، امنیت در یک جامعه تنها زمانی به اتقان و پایداری می‌رسد که مبتنی بر حضور مردم در صحنه باشد؛ یعنی امنیت با مشارکت مردم تأمین شده باشد. در توضیح باید گفت که تحکیم نقش و جایگاه مردم در حوزه سیاست از دستاوردهای برگزاری انتخابات است. همین موضوع، زمینه ارتباط مستمر و مؤثر مردم و مسئولان و همچنین مشارکت گسترده در امور مملکت را فراهم کرده است که این امر خود باعث شکل‌گیری نوع خاصی از امنیت به نام «امنیت مردم‌پایه» شده است. به عبارتی، تکیه و تأکید نظام اسلامی به حضور مردم در صحنه و مشارکت آنان در زمینه‌های مختلف که این خود برخاسته از ماهیت نظام مردم‌سالاری دینی است، از همان ابتدای پیروزی انقلاب، نقطه قوت انقلاب اسلامی و ضامن تأمین امنیت آن بوده است.

در همین راستا قابل ذکر است که انتخابات و مردم‌سالاری دینی، عاملی برای تضمین ماندگاری و پایداری نظام است. توضیح آنکه؛ پایداری نظام‌های سیاسی آنگاه از استحکام لازم برخوردار خواهد بود که این نظام‌ها بتوانند وجه خاص خود را با وجه عام حاکم بر دنیا به خوبی ترکیب کنند. در این خصوص و در ارتباط با جمهوری اسلامی بایستی گفت که اسلامیت وجه خاص این نظام و جمهوریت وجه عام حاکم بر دنیا بود. هرچند که جمهوریت نیز چیزی خلاف اسلامیت نیست، که این دو به خوبی و با ظرافت منحصر بفردی در نظام جمهوری اسلامی با هم تلفیق شده‌اند. بنابراین، با این وجود دیگر کسی نمی‌تواند این نظام را به دیکتاتوری متهم کند. همچنین، با توجه به اینکه سایر نظام‌های مردم‌سالار

دنیا، سکولار هستند، دیگر کسی نمی‌تواند جمهوری اسلامی را به سکولار بودن متهم کند.

در توضیح بیشتر باید گفت که تأمین امنیت کشور بدون مشارکت و کمک مردم میسر نیست. برای تأمین این امنیت در جاهایی باید نیرو استخدام کرد و هزینه کرد و حتی رنج حفاظت از مرزها را هم تحمل کرد و بالاتر از این، شهید داد، اما در جای دیگری، باید در عرصه‌های مشارکت عمومی مانند انتخابات حاضر شد. بنابراین، به زبان ساده باید گفت که انتخابات این نتیجه مهم را در پی دارد که امنیت کشور را با کمترین هزینه تأمین می‌کند.

۱-۶. انتخابات به عنوان شاخص توسعه سیاسی

توسعه سیاسی مهمترین، پیچیده‌ترین، مبهم‌ترین و حساس‌ترین مرحله در روند توسعه یک جامعه است. برگزاری انتخابات سالم، شفاف و رقابتی، آزادی تشکیل احزاب، انجمن‌ها و سایر تشکل‌های مشابه و همچنین فعالیت آزادانه آنها در چارچوب قانون، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مسئولان در برابر مردم و... از مهمترین ملاک‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی هستند. در این میان، انتخابات به سبب عینی بودن و مشارکت آحاد مردم در آن نمود بیشتری داشته و شاخص عینی‌تر و دقیق‌تری برای ارزیابی توسعه سیاسی است.

۱-۷. انتخابات متغیری برای حل مشکلات

میان انتخابات و حل مشکلات، بویژه در حوزه مسائل روزمره، اقتصاد و معیشت، نسبتی مستقیم وجود دارد؛ بدین معنا که به میزانی که انتخابات منتج به روی کار آمدن افراد و نخبگان شایسته‌تر، کارآمدتر، پویاتر، پرتحرک‌تر و چالاک‌تر شود، افق موجود برای حل مشکلات، روشن‌تر و امیدبخش‌تر خواهد بود.

این ارتباط، بویژه بر این اساس که ناکارآمدی‌ها و ضعف‌های موجود مربوط به مدیران ناکارآمد و فاقد تحرک در گذشته است، اهمیت فراوان دارد. به بیان دیگر، بخش مهمی از حل مسائل معیشتی وابسته به کیفی‌تر شدن انتخابات و برآمدن نخبگان توانمند و شایسته از انتخابات است.

۸-۱. انتخابات عاملی برای افزایش اعتبار بین‌المللی نظام

میزان استقلال، اقتدار و اعتبار یک کشور در سطح نظام بین‌الملل، وابسته به کیفیت حکمرانی آن در داخل است. به میزانی که کشوری از حمایت مردمی و سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار باشد، حاکمیت آن در داخل مستحکم‌تر می‌شود و این خود بخود سبب می‌شود تا بر اعتبار و قدرت چانه‌زنی آن در رفت‌وآمدها و معادلات دیپلماتیک بین‌المللی افزوده شود و این امر، ضامنی برای تأمین هرچه بیشتر و بهتر امنیت و منافع ملی کشور محسوب می‌شود.

پشتوانه قدرت نظام اسلامی، برخلاف رژیم‌های منطقه، نه زور سرنیزه و حمایت قدرت‌های خارجی مانند آمریکا می‌باشد، بلکه پشتوانه قدرت نظام، مردم هستند و با اعلام حمایت و همراهی مردم است که نظام اسلامی اقتدار بیشتری پیدا می‌کند. به عبارت بهتر، نظام برآمده از رأی مردم است و تداوم حمایت مردم از نظام هم به معنای تثبیت نظام است و هم به معنای قدرت و اقتدار بیشتر آن است. در واقع، با اعلام حمایت مردم از نظام در عرصه‌هایی مانند انتخابات است که این قدرت مردمی به تصویر کشیده می‌شود.

۹-۱. انتخابات خنثی‌کننده تبلیغات ایران‌هراسانه و اسلام‌هراسانه

حماسه حضور مردمی در انتخابات از دو بعد دیگر نیز حائز اهمیت است؛ نوعی مقابله و پاسخ به اقدامات اسلام‌هراسانه و ایران‌هراسانه دشمن است؛ زیرا در تبلیغات دشمن، جمهوری اسلامی ایران را رژیمی دیکتاتوری که رأی و نظر مردم در آن جایگاهی ندارد، جلوه می‌دهند. حال آنکه با نمایش حماسه حضور مردمی در انتخابات، تبلیغات دشمن رنگ می‌بازد. علاوه بر این، در شرایطی که در سال‌های اخیر شاهد وحشی‌گری گروه‌های تروریستی مانند داعش بودیم که اقدامات آنها تصویری خشن از اسلام و مسلمانان ارائه می‌داد، نمایش حضور مردمی در انتخابات ایران، نشان می‌دهد که مردم سالاری در اسلام نیز پذیرفته شده و برخلاف اقدامات غیرانسانی گروه‌های تروریستی، اسلام دینی است که با تمدن و پیشرفت تضادی ندارد.

۲. اهمیت انتخابات پیش‌رو

برگزاری دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری که در اسفند ۱۴۰۲ انجام می‌شود، با توجه به شرایط کنونی و آینده نظام، حائز اهمیت جدی

می باشد. در این زمینه می توان به نکات و موارد زیر اشاره کرد.

۱-۲. خنثی سازی جنگ ترکیبی دشمنان

جنگ ترکیبی نظام سلطه با نظام اسلامی دارای ابعاد ولایه های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و شناختی است. با این حال، این جنگ ترکیبی، شناخت پایه است؛ یعنی دشمن در حوزه های دیگر، با اتکا به جنگ شناختی است که با نظام اسلامی می جنگد. یکی از مهمترین ترفندهای این جنگ شناختی نیز دوقطبی سازی مخرب است. در واقع، از مهمترین ترفندهای دشمن در هر انتخاباتی، ایجاد دوگانه های کاذب میان مردم و نظام است تا میان این دو شکاف ایجاد کرده و بتواند ضربه خود را بر پیکر نظام وارد سازد. انتخابات عرصه ای است که با توجه به تجلی همبستگی، انسجام و وحدت ملی در آن و تجدید عهد و بیعت مردم با نظام، این نقشه دشمن خنثی می شود.

به بیان دقیق تر باید گفت که دشمن با جنگ ترکیبی شناخت پایه و دوقطبی سازی مخرب در خلال این جنگ، درصد قرار دادن مردم در مقابل نظام است تا از طریق به صحنه آوردن بخش هایی از مردم علیه نظام، حوزه های قدرت نظام را تضعیف کند. در این میان، مسلم است که مردم با حضور خود در انتخابات و اعلام حمایت از نظام، این نقشه دشمن را خنثی می کنند. در واقع، از آنجا که تمام کسانی که در انتخابات شرکت می کنند در درجه اول به نظام اسلامی رأی می دهند، حضور آنها در انتخابات، اعلام همبستگی و جدایی ناپذیری با نظام است و همین امر خنثی کننده نقشه های شوم دشمن است. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرمایند:

«یکی از هدف های دائمی جبهه دشمن - که در رأسش هم آمریکا است - از اول انقلاب تا امروز این بوده است که یک دوقطبی خطرناک بین مردم و نظام به وجود بیاورد؛ درست عکس آن چیزی که جمهوری اسلامی بر اساس آن بنا شده است؛ یعنی آمیختگی کامل نظام با مردم. آنها خواسته اند این شکاف را به وجود بیاورند؛ البته موفق نشده اند. انتخابات از جمله مواردی است که دشمن را در این عرصه مأیوس

می‌کند؛ یعنی نشان دهنده ارتباط مستحکم نظام با مردم است و این دوقطبی مورد علاقه دشمن را بکلی از بین می‌برد. به این اعتبار، انتخابات مصداق «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ» است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۳۹۴/۱۱/۱۹).

۲-۲. کمک به تقویت رویکرد تحولی دولت سیزدهم

فارغ از نگاه‌های سیاسی جریانی، از نقطه نظر کارآمدی و توفیق در حل مشکلات کشور و مردم، دولت سیزدهم در مجموع رویکرد مناسبی را در این زمینه اتخاذ کرده است. نکته محوری در این رویکرد، تلاش برای فعال‌سازی حداکثری ظرفیت‌های داخلی و معطل نگذاشتن کشور برای گشایش‌های خارجی است. هر چند در زمینه روابط خارجی نیز دولت سیزدهم توفیق‌های خوبی داشته است.

با توجه به آنچه گفته شد، انتخابات اسفند ماه امسال، از نقطه نظر رویکرد تحولی دولت سیزدهم نیز حائز اهمیت است؛ بدین ترتیب که کیفیت این انتخابات و نتیجه آن هم می‌تواند انگیزه لازم را برای تداوم رویکرد تحولی دولت فراهم آورد و هم وزن گزینه‌های روی میز آن در پرونده‌های مختلف روابط خارجی را تقویت کند.

فراموش نکنیم که سال گذشته، با شروع آشوب‌ها، آمریکایی‌ها اعلام کردند که مایل به ادامه مذاکرات احیای برجام نیستند، اما بلافاصله بعد از حضور حماسی مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال گذشته، از کانال‌های مختلف برای از سرگیری مذاکرات احیای برجام به ایران پیام دادند. این مهم نشان می‌دهد که وضعیت سیاسی داخلی، متغیری بسیار تعیین‌کننده در کیفیت رقم خوردن پرونده‌های متعدد روابط خارجی است.

۲-۳. لازمه نقش آفرینی در نظم نوین بین‌المللی

با توجه به شرایط در حال تغییر نظام بین‌الملل و بروز و ظهور ابتدایی برخی از نشانه‌های تغییر نظم بین‌المللی، انتخابات اسفند ماه امسال برای نظام و کشور حائز اهمیت جدی است. در توضیح باید گفت که جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر با توجه به تقویت قدرت دفاعی، حضور و مشارکت فعال در نهاد‌های نوظهور بین‌المللی مانند بریکس، هم سمت و سوی تغییر نظام بین‌الملل را بخوبی درک کرده و هم اقدامات شایسته‌ای را برای ورود به این دوره

جدید، به منظور دستیابی به جایگاه متناسب با شأن خود، انجام داده است.

نکته مهم در این زمینه آن است که قدرت آفرینی خارجی نظام، باید با حمایت داخلی نیز همراه باشد تا جمهوری اسلامی ایران بتواند بیش از پیش در نظم نوین بین‌المللی نقش آفرین باشد. یکی از مهمترین عرصه‌هایی که این حمایت را به تصویر می‌کشد، مشارکت مردمی در انتخابات است.

سخن پایانی

انتخابات متغیر مهمی در فضای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی کشور است؛ یعنی انتخابات متغیری است که هم از همه این حوزه‌ها متأثر است و هم بر همه آنها تأثیر می‌گذارد. در واقع، کیفیت و وضعیت کشور در حوزه‌های مختلف وابسته به انتخابات است. با این حال، نکته مهم درباره انتخابات آن است که این مهم زمانی می‌تواند نتایج لازم را برای کشور به همراه بیاورد که در خلال آن، راهبردهای انتخاباتی اعلامی از سوی رهبر معظم انقلاب در اول سال که شامل امنیت، سلامت، رقابت، مشارکت و اصل‌گزینی است، محقق شود. همه مسئولان، مردم و جهادگران عرصه تبیین در تحقق این شرایط و وظیفه سنگینی را بر عهده دارند.

